

فهرست



سرمقاله
۲



بهار
در یک نگاه
۳

الخلیج
الفارسی



۶۰۵ و ۶۰۴



اوانجلسیم

۱۱ و ۱۰



دوست من هاپو!

۱۳ و ۱۲



معرفی کتاب و سایت

۱۴ و ۱۵



شرایط
مطلوب
از دواج
در اسلام

۸ و ۹

تکلیف چرا؟!!

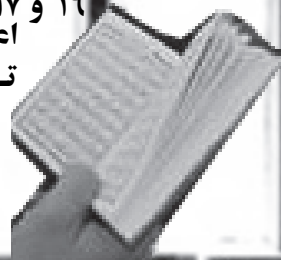
۲۱ و ۲۰



اعجاز
خم می

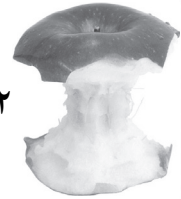
۱۸ و ۱۹

۱۶ و ۱۷
اعتکاف یا
تی کاف!!



آگامی دانگهسه

۲۲ و ۲۳



آلبوم گنجینه
۳۱ و ۳۰



بای ذنب قنلت ...

۲۸ و ۲۹



۲۶ و ۲۷

در نادره دوران



یک دسته گل
سرخ در آسمان

۲۴ و ۲۵



انیمیشن
های
هدفدار

۳۹ و ۴۰ و ۴۱

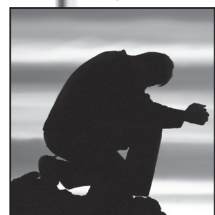


۳۶ و ۳۷ و ۳۸

وقتی
اشک،
باران و
اروند در
آمیخت

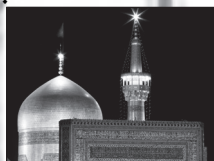


حشر حیوانات
۳۴ و ۳۵



۳۲ و ۳۳
رزیلنس

پرنده‌ی فوکوباما
۵۰ و ۵۱



۴۸ و ۴۹

حکایت آفتاب

۴۶ و ۴۷

قیام‌های قبل از ظهور



۴۵

توصیه‌های عالم آل محمد

۴۲ و ۴۳ و ۴۴



ناگفته‌های فدک

سرمقاله



بهار آغاز شد ، صدای پرندگان و لطافت هوا عالم را به رویش فرامی خواند. سرو که دهه چهارم زندگیش را می گذراند بالندگی عجیبی را احساس می کرد. علفهای هرز که سالها مزاحم او بودند در ناباوری به قد کشیدن او می نگرستند. اما امسال باغ هم حال و هوای دیگری داشت. دانه هایی که سرو پاشیده بود، از هر گوشه و کنار سربرمی آوردند . یاد روز های اول خودش می افتاد ، یاد باغبان پیر که چه زحمت ها کشید . او در روزهای سخت می گفت : "در آینده دانه ها به تو اقتدا می کنند و با باور بالندگی با علف های هرز می جنگند". انگار زمین هم از این همه علف هرز و ترس جوانه ها خسته شده بود ، با لرزشی بزرگ درخت شرقی باغ را آسیب سختی زد تا به همه بفهماند که برای استحکام خاک باید همه با هم رشد کنند و ریشه ها در هم گره بخورند. در این میان علفهای هرز به دور جوانه ها می پیچیدند و دست پا زدن جوانه ها برای خلاصی ، قلب سرو را به درد می آورد.

باغبان جوان که بعد از باغبان پیر حافظ سرو بود، با اشاره ای به زخم های علف های هرز بر پیکر سرو گفت: "سبز شدن جوانه ها اگر با تأخیرهم باشد قطعی است." دیگر تعداد و شیوه عمل علف های هرز اهمیت نداشت ؛ فقط و فقط خواستن جوانه ها برای رویش مهم بود . سرو گفت : "ای کاش به تعداد تمام جوانه ها باغبان داشتیم ." چون به شرط رویش تمام جوانه ها ، باغبان بزرگ برای حراست آنها تا بالندگی خواهد آمد و این همان لحظه زیبای تبدیل شدن زمین خشکیده به نهایت سر سبزی و شکوفاییست.

" فانظروا الی آثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها ... "





بهار در نگاه

ماه های قمری

روز نیمه رجب: غسل، زیارت امام حسین (ع) و اعمال ام داوود

ماه های شمسی

فروردین:

- ۱۲ | روز جمهوری اسلامی
- ۲۰ | روز ملی فناوری هسته ای
- شهادت سید مرتضی آوینی ۱۳۷۲
- عملیات والفجر ۱۳۶۲

اردیبهشت:

- ۲ | تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۳۵۸، روز زمین پاک
- ۱۰ | آغاز عملیات بیت المقدس ۱۳۶۱
- روز ملی خلیج فارس
- ۱۲ | شهادت استاد مطهری ۱۳۵۸
- روز معلم
- ۲۵ | روز بزرگداشت فردوسی

خرداد:

- ۳ | فتح خرمشهر در عملیات بیت المقدس ۱۳۶۱
- ۱۴ | رحلت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب
- انتخاب حضرت آیت ا... خامنه ای
- ۱۵ | خرداد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
- روز جهانی محیط زیست

جمادی الاول

۵ | ولادت حضرت زینب ۵ هجری ۹۰/۱/۲۰

روز پرستار

۱۳ | شهادت فاطمه الزهرا (س) ۱۱ هجری ۹۰/۱/۲۸
۱۳، ۱۴ و ۱۵ جمادی الاول زیارت حضرت زهرا
واقامه ماتم آن مظلومه مورد سفارش است.

جمادی الثانی

۳ | شهادت فاطمه الزهرا (س) ۱۱ هجری ۹۰/۲/۱۷
۲۰ | ولادت فاطمه الزهرا ۸ سال قبل از هجرت ۹۰/۳/۳
روز زن و تولد امام خمینی (ره)

رجب

۱ | ولادت حضرت امام محمد باقر (ع) ۵۷ هجری ۹۰/۳/۱۴

هجری

۳ | شهادت امام علی النقی الهادی ۲۵۴ هجری ۹۰/۳/۱۶
۱۰ | ولادت حضرت جواد الائمه ۱۹۵ هجری ۹۰/۳/۲۳
۱۳ | ولادت امام علی (ع) ۲۳ سال قبل از ۹۰/۳/۲۶ هجرت

هجرت

روز اول ایام البيض

هر کس بخواهد اعمال ام داوود را به جا آورد باید این روز را روزه بگیرد اعتکاف در این سه روز نیز بسیار سفارش شده است.

۱۵ | وفات حضرت زینب ۶۲ هجری ۹۰/۳/۲۸

تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به مکه
شب نیمه رجب: غسل، احیاء زیارت امام حسین (ع)



الخلیج الفارسی



« سید مرتضی رضوی نژاد (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی) »

۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ دقیقه ۵۰ درجه طول شرقی واقع شده است. حدود آن از شمال و شمال خاوری به سواحل ایران، از شرق به دریای عمان، از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود است. رودخانه‌های دجله و فرات و کارون و کرخه که از جبال ارمنستان و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند، به انضمام رودخانه‌های جراح، هندیان و رودهای کوچک دیگر به این دریا می‌ریزند. آبهای خلیج فارس کم عمق و زیر بستر آن دارای منابع نفت و گاز (هیدروکربن) فراوان است.

خلیج فارس، شیار هلالی شکلی است که بیش از یک چهارم ذخایر فسیلی جهان را در خود جای داده و از طریق دریای عمان به اقیانوس هند و آب‌های آزاد راه می‌یابد. این خلیج طولی نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر و پهنایی نزدیک به ۲۴۰ کیلومتر دارد و در کشاله و چین خوردگی‌های پست و فرو افتاده جنوب زاگرس پدید آمده است. خلیج فارس به عنوان شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند که بر سر راه کلیه خطوط دریائی در مشرق عدن واقع شده است، مانند دالانی است که بین ۲۴ دقیقه

کتاب‌های لاتین سده‌های میانه (قرون وسطی)، نام پرسیکوس سینوس (persicus sinus) یا پرسیکوم ماره (persicus mare) به کار رفته است. در دیگر زبان‌ها زنده‌ی دنیا نیز واژه‌ی پرسیکوس با دگرگونی اندک به کار رفته است. دانشمندان مسلمان، چه عرب‌تبار و چه ایرانی‌تبار، در همه‌ی کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی، از خلیج فارس با نام بحر فارس، البحر الفارسی یا خلیج فارس یاد کرده‌اند. مسعودی، تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان عرب که در

کتیبه‌ای از داریوش اول (داریوش بزرگ) به دست آمده است که در آن به زبان پارسی باستان چنین مفهومی نوشته شده است: «دریایی که از پارس می‌رود». این خلیج را از زمان ساسانیان دریای پارس می‌گفتند. فلاویوس آریانوس، تاریخ‌نگار یونانی که در سده‌ی دوم پس از میلاد زندگی می‌کرده است، در آثار خود از این خلیج با نام پرسیکوس (persikos Karitas) یاد کرده که به معنای خلیج پارس است. استرابن، جغرافی‌دان یونانی، که در سده‌ی اول پس از میلاد می‌زیست، همین نام را به کار برده است. در

با سرزمین‌های دوردست، از جمله عربستان، هندوستان، چین و آفریقا به تجارت پردازند. به احتمال زیاد می‌توان ادعا کرد که ایران، تا دوران تسلط پرتغالی‌ها بر خلیج فارس، چنین وضعیت و نفوذی در منطقه داشته است.

نام گذاری خلیج فارس

کهن‌ترین نام خلیج فارس، که در کتیبه‌های آشوری آمده است، نارماتو (Nar-Merratu) به معنای دریای تلخ است که به شوری بسیار زیاد آب این دریا اشاره دارد. در تنگه‌ی هرمز

خلیج فارس در کتیبه داریوش

بابلی‌ها در قرن هفتم قبل از میلاد در خلیج فارس دریانوردی می‌کرده‌اند و با توجه به داستان اردوکشی «سنا خریب» ثابت می‌شود که بحر پیمایی در خلیج فارس از قرن هشتم قبل از میلاد به این طرف سابقه داشته است. آنان، پیش از تسلط آریایی‌ها بر سرزمین ایران، در کتیبه‌های خود از این دریا به نام «نارماتو» که به معنی رود تلخ است نام برده‌اند. پس از تاسیس دولت هخامنشی، سلاطین این سلسله به اهمیت نیروی دریایی در خلیج فارس واقف شدند و به تدریج ایرانیان در سواحل آن نفوذ یافتند. در بند سوم کتیبه‌ای که از داریوش اول در کانال سوئز یافته‌اند چنین آمده است: «من پارسی ام. از پارس؛ مصر را تسخیر کردم. امر کردم این کانال را بکنند از پی رود (یعنی نیل) که در مصر جاری است، تا دریایی که در پارس بدان روند این کانال کنده شده؛ چنان که امر کردم و کشتی‌ها روانه شدند چنان که اراده من بود». در زمان هخامنشیان تمام سواحل و جزایر خلیج فارس تحت نفوذ ایران قرار داشت و ملوانان ایرانی با کشتی‌های خود در سرتاسر آن با حمایت دولت مقتدر هخامنشی که کلیه کشورهای بزرگ آن زمان را از پای درآورده بود، به سیر و سیاحت مشغول بودند. زمانی که داریوش اول در هند بود (۱۲۵ ق.م) سفاینی ساخت و «اسکیلاس»، دریانورد یونانی، را مامور کرد تا درباره خلیج فارس و دریای عمان تحقیق و بررسی نماید. این ماموریت برای ایران اکتشافات جغرافیایی مهمی در برداشت و توانست از طریق بنادر و جزایر خلیج فارس

کهن‌ترین نام خلیج فارس، که در کتیبه‌های آشوری آمده است، نارماتو (Nar-Merratu) به معنای دریای تلخ است که به شوری بسیار زیاد آب این دریا اشاره دارد



33. Bahr-e-Fars [Persian Sea] By ISTAKHRI (Estakhri), Abu-Es'haq Ebrahim al-Fareisi (Before 930-957 A.D. / 318-346 H.) : From a Persian translation of Kitab al-masalik wa'l-mamalik of Istakhri, ca. 11th/12th century A.D. manuscript dated 1325 A.D./726 H. by Ibn Savoqi.

۳۳ - صورة بحر فارس (نقشه دریای فارس) از ابواسحق ابراهیم الفارسی استخری (قبل از ۳۱۸ - ۳۴۶ هـ. ق. / ۹۳۰ - ۹۵۷ میلادی) نقل از نسخه خطی ترجمه فارسی المسالك والممالك استخری به خط ابن ساوچی (۷۲۶ هـ. ق.).

سده‌ی چهارم هجری می‌زیسته و طی سفری از بغداد به خلیج فارس و سپس کرمان، وراورد (ماوراءالنهر) و چین رفته است، می‌گوید که: «دریای عمان دنباله‌ی بحر فارس است». اصطخری، جغرافی‌دان ایرانی سده‌ی چهارم هجری و ابن حوقل بغدادی نیز چنین نظری داشته‌اند و در آثار خود همواره از «بحر فارس» یاد کرده‌اند. از دیگر دانشمندان و پژوهشگران مسلمان، که در آثار خود به نام خلیج فارس اشاره کرده‌اند، برپایه‌ی پژوهش محمد جواد



شکور، می‌توان نمونه‌های زیر را نام برد:

- ابن‌فقیه در کتاب البلدان (تالیف ۲۷۹ قمری)؛ با نام بحر فارس
- ابوریحان بیرونی (درگذشته به ۴۴۰ قمری) در کتاب التفهیم، خلیج پارس و دریای پارس؛ در کتاب قانون مسعودی، دریای فارس و در کتاب تحدید نهاییات الامانی، بحر فارس
- ابن‌بطوطه در کتاب رحله (سده‌ی



در کتیبه داریوش آمده: من پارسی ام از پارس؛ مصر را تسخیر کردم. امر کردم این کانال را بکنند از پی نیل که در مصر جاری است، تا دریایی که در پارس بدان روند؛ چنان امر کردم که کشتی‌ها روانه شدند

هشتم هجری)؛ بحر فارس

- اصطخری در کتاب المسالک الممالک و در کتاب الاقالیم (سده‌ی چهارم هجری)؛ بحر فارس
- مسعودی در کتاب مروج الذهب و در کتاب التنبیه و الاشراف (سده‌ی چهارم هجری)؛ بحر فارس
- ابن‌بلخی در کتاب فارسنامه (تالیف ۵۰۰ قمری)؛ بحر فارس

ادعاهای واهی شیخ نشین‌ها

آبراهی که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد بر اساس تمام اسناد تاریخی-جغرافیایی، نقشه‌های موجود از یونان باستان تا دوره معاصر و همچنین بنیادهای سازمان ملل متحد، «خلیج فارس» نام دارد و حتی در تمام نوشته‌ها و نقشه‌های عربی که پیش از دهه ۱۹۶۰ به چاپ رسیده است از عنوان «الخلیج الفارسی یا بحر فارس» استفاده شده است.

چگونه خلیج فارسی، خلیج عربی شد!!

موضوع تغییر نام خلیج فارس از دهه سوم قرن بیستم به دنبال سیاست فارسی‌زدایی انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس مطرح شد. هدف اصلی سیاست یاد شده توسعه سرزمین‌های مستعمره انگلستان در منطقه خلیج فارس بود مانع اصلی این سیاست را باید هویت ایرانی دانست که سالیان دراز بر منطقه خلیج فارس سایه افکنده بود.

اصطلاح «خلیج عربی» برای اولین بار از سوی یک دیپلمات بریتانیایی در منطقه خلیج فارس عنوان شد. «سر چارلز بلگریو» که بیش از سه دهه نماینده سیاسی دولت بریتانیا در خلیج فارس بود، پس از مراجعت به لندن در سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای نخستین بار از عنوان تازه و جعلی خلیج عربی استفاده نمود. چارلز بلگریو در کتاب خود با عنوان «ساحل دزدان» - نامی که پیشتر به سواحل جنوبی خلیج فارس اطلاق می‌شد - ادعا نموده بود که اعراب علاقه‌مندند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند. بدین ترتیب بلافاصله پس از انتشار کتاب، استفاده از اصطلاح جعلی خلیج عربی در مطبوعات آغاز شد و پس از چندی در مکاتبات رسمی کشورهای حاشیه خلیج فارس، نام خلیج عربی به جای خلیج فارس نشست.

در سال ۱۹۵۸ سرهنگ عبدالکریم قاسم با کودتایی در عراق به حکومت رسید و پس از مدتی داعیه‌دار رهبری جهان عرب گردید. در راستای چنین اندیشه‌ای از تاکتیک دشمن‌تراشی برای تحریک احساسات عمومی ملی سود جست و برای نخستین بار «خلیج فارس» را به نام جعلی «خلیج عربی» خواند. پس از آن سرهنگ جمال عبدالناصر رهبر جنبش ملی جهان عرب در مصر که در نظریه وحدت عربی خود، دنیای عرب را از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس

«من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی» نامیده بود، دیری نپائید که با اوج‌گیری هیاهو و جنجال پان عربیسم خود، و برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های اعراب از اسرائیل از نام ساختگی خلیج عربی سود جست.

ایران تکه‌ای از جهان عرب!!!

در ۲۳ مرداد ۱۳۴۲ کمیسیون اتحادیه عرب در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای نخستین بار نام خلیج عربی را در یک سند رسمی ذکر نموده و به دنبال آن اتحادیه عرب تصمیم گرفت این نام مجعول را در برنامه‌های درسی کلیه کشورهای عضو اتحادیه و مکاتبات رسمی به کار گیرد.

با این حال مقاصد اعراب از تغییر نام خلیج فارس فراتر می‌رفت و شامل استان نفت‌خیز خوزستان نیز می‌شد که آن را عربستان می‌نامیدند. اعراب خوزستان را بخشی از سرزمین عربی می‌دانستند که رضاشاه با حمایت و پشتیبانی انگلستان از چنگ اعراب خارج ساخته است در این راستا در ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴ کنفرانس حقوق دانان عرب، خوزستان را جزو لاینفک میهن عربی دانست و در ۱۰ نوامبر ۱۹۶۵ رژیم بعثی سوریه این ادعا را پذیرفت و از آن پشتیبانی کرد. در واقع پشت کلمه خلیج عربی، جزایر عربی، خوزستان عربی (عربستان)، حکم فرمایی بر تنگه هرمز و تبدیل کردن ایران به زانده جهان عرب نهفته بود.

تلاش‌های قاسم و ناصر در جهان عرب با قدرت یافتن صدام حسین در عراق بار دیگر توسط او ادامه یافت. صدام که در وهله نخست صدها میلیون دلار هزینه کرده بود تا با کمک گروهی روزنامه‌نگار، دانشگاهی، ناشر و مرکز نقشه‌سازی، نام خلیج فارس را تغییر دهد؛ در پی وقوع انقلاب اسلامی در ایران دست به تجاوز به خاک ایران زد.



اصطلاح «خلیج عربی»

برای اولین بار از سوی یک

دیپلمات بریتانیایی در منطقه

خلیج فارس عنوان شد.

باز هم دست امپریالیسم

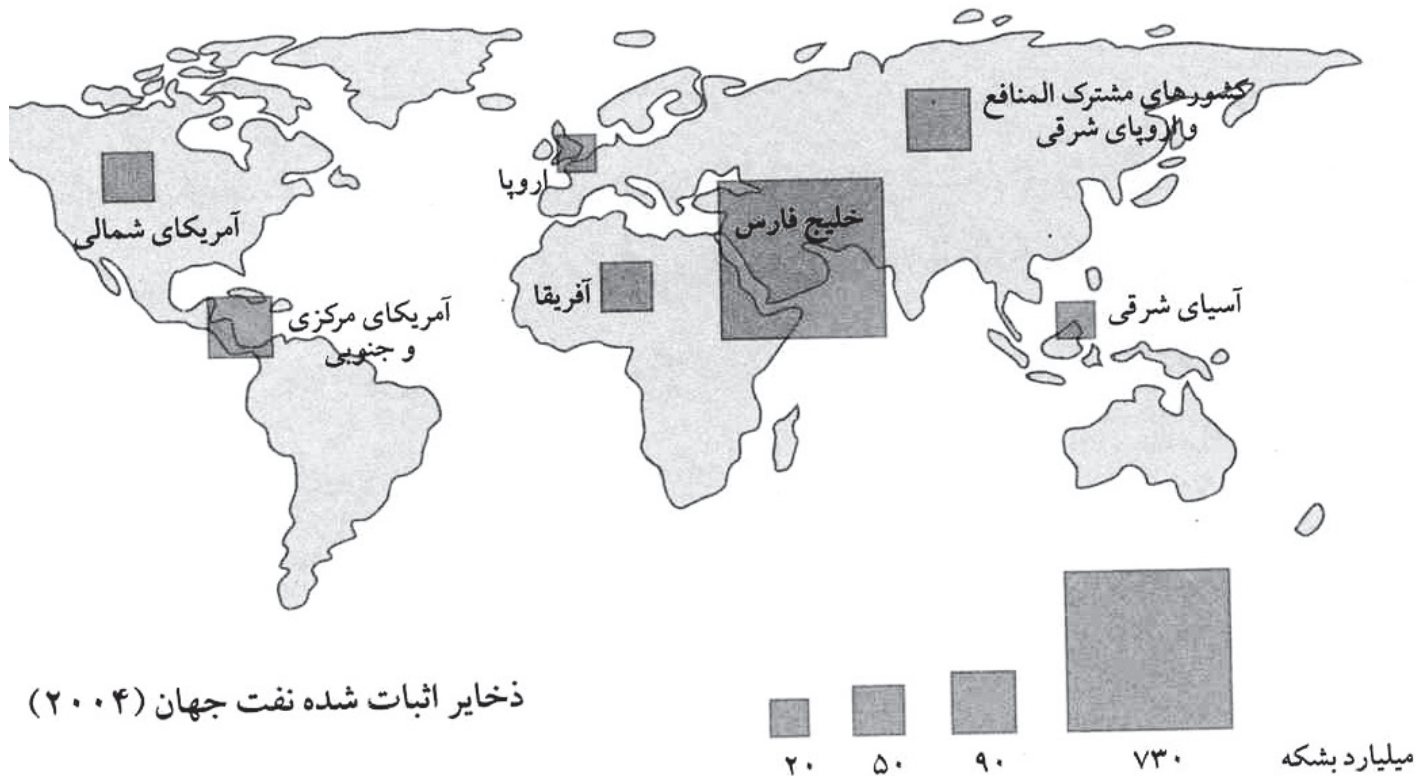
پس از جنگ دوم خلیج فارس و تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۱، نفوذ نظامی ایالات متحده بر منطقه بیشتر شد و دیری نپائید که امریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به رود روی کشورهای و شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس با ایران دامن زدند. از این رو شیخ‌نشین‌های شارجه و ابوظبی در مقابل ایران قرار گرفتند و به طرح ادعاهای واهی نسبت



84. Ormus Regnum
By Petrus Bertius (1565 - 1629 A.D.)
Map date: c.1610 A.D.

۸۱ - نقشه منطقه هرمز تهیه شده توسط: پترئوس برتیوس (۱۵۶۵-۱۶۲۹ میلادی) تاریخ ترسیم: ۱۶۱۰ میلادی





ذخایر اثبات شده نفت جهان (۲۰۰۴)

ایرانی‌زدایی و فارسی‌ستیزی اعراب، با توجه به تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس و حساس‌ترین نقاط استراتژیک و ژئواکونومیک آن به ایران راه به جایی نخواهد برد. در واقع همانگونه که تلاش برای کنار گذاردن و یا نادیده انگاشتن ایران از ساختار امنیتی منطقه بی‌ثمر

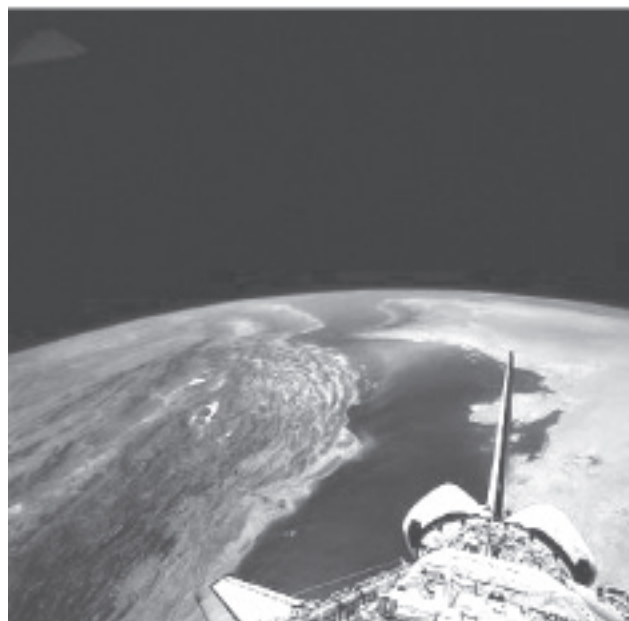
به مالکیت جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ) پرداختند.

پشت کلمه خلیج عربی، جزایر عربی، خوزستان عربی (عربستان)، حکم فرمایی بر تنگه هرمز و تبدیل کردن ایران به زائده جهان عرب نهفته بود!!

می‌باشد، تغییر نام خلیج فارس نیز ناممکن می‌نماید.

منابع:

- روزنامه کیهان، ۲۳ آذر ۱۳۷۳
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- مصاحب، غلام‌حسین. دایره‌المعارف. انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵
- ویلسون، سرآرنولد. خلیج فارس. ترجمه‌ی محمد سعیدی. انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶
- اقتداری، احمد. خلیج فارس. شرکت کتاب جیبی، ۱۳۵۶
- اقبال، عباس. تاریخ اکتشافات جغرافیایی و علم جغرافیا. همایون، ناصر. خلیج فارس. دفتر پژوهش فرهنگی، ۱۳۸۱
- پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه: حمیدرضا ملک، محمد نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲
- هرودوت، تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، دانشگاه تهران، جلد اول
- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰
- محمدجواد مشکو، «نام خلیج فارس در طول تاریخ»، تهران، وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۱۳۵۵



شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، صدها میلیون دلار برای تغییر نام خلیج فارس و تردید آفریدن بر مالکیت مطلق ایران بر جزایر سه گانه هزینه کرد ولی گذشت زمان به او نشان داد که در این زمینه به موفقیتی دست نخواهد یافت. اگر چه ادعای «شورای همکاری خلیج فارس» در بیست و پنجمین نشست سران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در بحرین نام شورای همکاری کشورهای خلیج فارس را به شورای همکاری کشورهای خلیج عربی (مجلس التعاون لدول الخلیج العربیه) تغییر دادند؛ اما به نظر می‌رسد سیاست



نگاه به زوج آفرینی و مسأله ازدواج

شرایط مطلوب ازدواج در اسلام

زن یا مرد؟

« دکتر مشایبی، هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد »



در ادامه مباحث گذشته، بنابر آن بود که اینک اشاره ای به «شرایط مطلوب ازدواج در اسلام» داشته باشیم؛ برای این منظور لازم است ابتدا نگاه دین به مسأله ازدواج را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم.

مهم ترین نکته در طرح مسأله ازدواج، توجه نمودن به زوج آفرینی خدا و خلقت دو جنس با جنبه های تشابه و تفاوت می باشد. قرآن کریم به مسأله زوج آفرینی انسان به عنوان یک نشانه (نعمت) الهی می نگرد:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمه، ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»

(روم/ ۲۱)

« و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.

این آیه، تلویحاً اشاره دارد به اینکه زوج آفرینی انسان یک نعمت الهی است و گرنه خداوند می توانست موجوداتی تک جنسی بیافریند همانطور که شاهد موجوداتی هستیم که با وجود «تک جنسی بودن» تولید مثل می نمایند.

بنابراین فلسفه زوج آفرینی انسان، چیزی فراتر از تولید مثل است. لذا در مسأله زوج آفرینی موجودات در قرآن، علاوه بر تولید مثل، اصل «تکثیر نسل» مورد توجه قرار گرفته است.



" هر که با زنی به خاطر زیباییش ازدواج کند ، دلخواه خود را در او نبیند و هر که با زنی به خاطر مال و ثروتش ازدواج کند خداوند او را به

همان مال و ثروت وا گذارد ، پس بر شما باد به (ازدواج با) زنان متدین. "

پیامبر اکرم (ص)

میزان الحکمه ، منتخب ، صفحه ۲۵۳



شهوت
را نی
نیست

، چرا که
اصولا در اسلام
شهوت پرستی و
شهوت خواهی، به
طور مطلق، اعم از شهوت
جنسی، شهوت مقام، شهوت
مال و ثروت، شهوت شکم و
مانند آنها، امری مذموم و منفور
است. به عنوان نمونه ، از حضرت
علی(ع) نقل شده است که «من اطاع

نفسه فی شهواتها فقد اعانها علی هلکتها»
«کسی که خود را به اطاعت از خواهش های نفسانی
درآورد، قطعا به نابودی نفس خویش، کمک نموده
است» (غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۳، ص
۱۴۰، حدیث ۲۱۴).

البته می توان ذیل هدف «آرامش و سکون خاطر»
، یکی از مصادیق آن را در «ارضای غریزه جنسی
و آرامش و قرار گرفتن شهوت برای مرد و زن»
به شمار آورد، نه آن که آن را هدف اصلی ازدواج
بدانیم. با استنباط این ملاک های ویژه و بسیار مهم
از آیات قرآن به گونه ای جزئی تر در جستجوی
انتخابی صحیح برای ازدواج بر می آییم و این امر را
به شماره آینده، موقوف می سازیم.

| ادامه دارد....

«فاطر السموات

والارض، جعل لکم

من انفسکم ازواجاً و من

الانعام ازواجاً یدروکم فیه، لیس

کمثله شیء و هوالسمیع البصیر»

(شوری/ ۱۱)

«پدید آورنده آسمان ها و زمین است، از
خودتان برای شما جفت هایی قرار داد و از دام
ها (نیز نر و ماده قرار داد) بدین وسیله شما را بسیار
می گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای
دانا»

با توجه به آیات فوق، چنین به نظر می رسد که
مسئله زوج آفرینی در نوع انسان و طرح مسأله
ازدواج در قرآن، شامل حکمت های متعدد و متعال
است.

در آیه اول (روم/۲۱) دست یابی همسران به آرامش
خاطر و سکونت و قرار آنها و سپس «مودت و
رحمت» از مهم ترین دلایل زوج آفرینی انسان بیان
شده است. در این آیه زن و مرد، طالب و مطلوب
یکدیگر قلمداد می شوند و به دنبال عمری در کنار
هم زیستن و در شادی ها و غم یکدیگر شریک
بودن، به سکونت و قرار دست می یابند.

علامه طباطبایی «المیزان» ذیل همین آیه تفاوت
مودت و رحمت، می گوید: «رحمت مهر باطنی و
قلبی است و مودت، اثری است که در نتیجه آن مهر
قلبی، بر زبان یا رفتار ظاهر می شود.»

در آیه دوم (شوری/۱۱) (چنان که اشاره شد)
«تکثیر نسل» به عنوان یکی از دلایل زوج آفرینی
انسان بیان شده است.

توجه به این نکته لازم است که تکثیر نسل، امری

غیر

از تولید مثل است،

زیرا اگر نسل تولید شده، پرورش

یا بد و تداوم پیدا کند، تکثیر نسل محقق می
شود.

طبق صریح این آیه، زن و مرد در دست یابی به
این مقصود شریکند و به طور معمول، هر یک بدون
دیگری توانایی تکثیر نسل ندارد. حال براساس این
دو فلسفه زوج آفرینی، ملاک صحیح قرآنی برای
انتخاب همسر، باید ملاکی باشد که ما را در تحقق
فلسفه آفرینش ازدواج، یاری دهد .

لذا می توانیم دو ملاک کلی و اصلی را برای همسر
مطلوب خویش در نظر بگیریم:

الف- شخصی که «توانایی آرامش بخشی و سکون»
را داراست ، با مهر ورزیدن و محبت نمودن، بهشت
خانواده را به ارمغان می آورد.

ب- شخصی که «قابلیت تربیت برتر و مدیریت
پرورش فرزندان» به نحو احسن را دارا است و بتواند
با همکاری زوج خود، نقش اصلی در تحکیم خانواده
ای ایده آل را ایفا نماید.

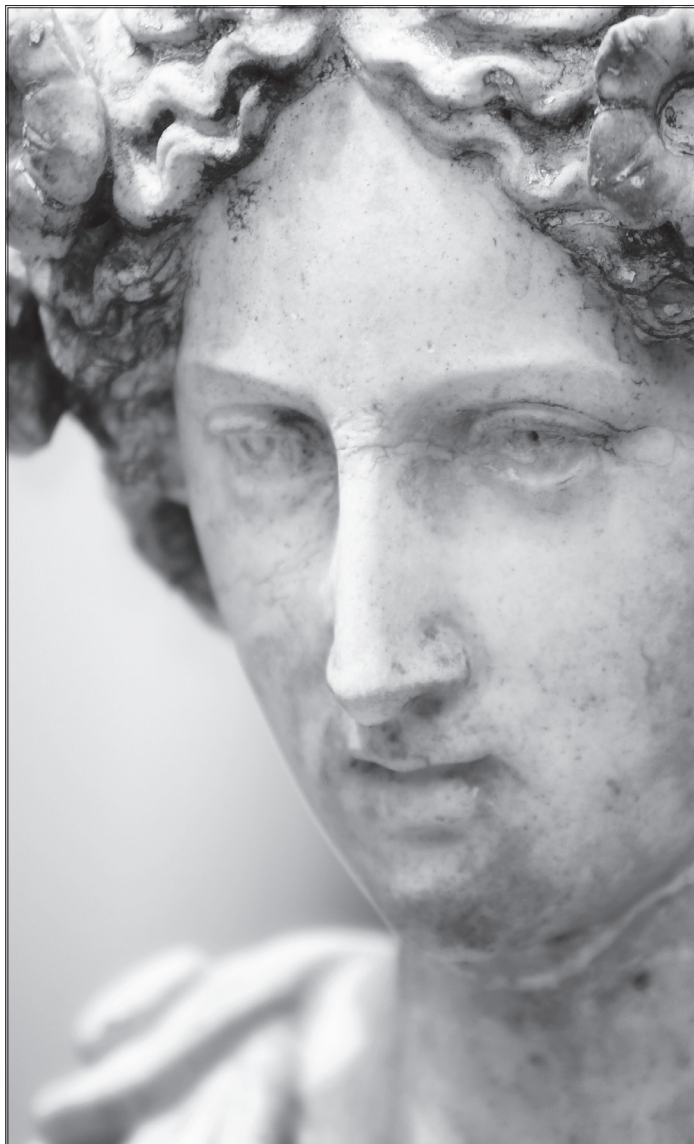
همین جا لازم است به نکته ظریف دیگری اشاره
نماییم که گرچه در ازدواج، ارضای غریزه جنسی، به
مطلوب ترین و سالم ترین شکل خویش انجام می
پذیرد، ولی هدف اسلام از ازدواج، تنها غریزه جنسی و



اوانجلیسم

«نجمه دارینی (ریاضی کاربردی - ۸۵)»

وقتی از گروه های دینی رادیکال در رویارویی اسرائیل و فلسطین سخن به میان می آید بلافاصله گروه های دینی که تحت نام اسلام و یهودیت قرار دارند به ذهن متبادر می گردد، در صورتی که گروه های رادیکال و افراطی مسیحی که نامی از آنها برده نمی شود در این رابطه اهمیت غیرقابل انکار دارند در این مقاله به شناخت مکتب و ظهور اوانجلیسم و مسیحیت صهیونیستی و بررسی اصول فکری آنها خواهیم پرداخت.



۱- پروتستانیسیم و مسیحیت یهودی

تقسیم بندی اولیه درون مسیحیت شامل سه گروه عمده ارتدوکس، کاتولیک رومی و پروتستان است و پروتستانیسیم را می توان بازگشت و رجعت مسیحیان به عهد عتیق (تورات) نامید. این نهضت به طور مشخص با «مارتین لوتر» و آراء اعتقادی جدید او در مسیحیت آغاز می گردد لوتر قبل از آغاز نهضت پروتستانیسیم تحت تأثیر عمیق آموزه های فلسفی، تئولوژیک و جهان بینی عبرانی بود. او در یک فرآیند طبیعی موجب پیدایش تغییرات بزرگی در مفاهیم دینی کلیسای کاتولیک گردید. از مهم ترین شاخصه های پروتستانیسیم بزرگداشت یهودیان و برتر دانستن قوم یهود و متعلق دانستن سرزمینهای فلسطین تحت عنوان به اصطلاح «ارض موعود» (Eretz Israel) و سرزمینهای وعده داده شده به قوم یهود از جانب خداوند است. به همین جهت حرکت اصلاحی لوتر از سوی یهودیان خدمتی در راستای تئولوژی دینی یهود مبنی بر آماده سازی زمینه تحقق بهشت زمینی که لازمه آمدن مسیح بود تلقی گردیده است. لوتر در ستایش و تمجید از یهود به اندازه ای پیش رفت که شبهه یهودی بودن او به صورت جدی مطرح شد و خود او نیز با انتشار کتابی تحت عنوان «عیسی مسیح از یک یهودی زاده شد!!» (jesuschirst was born a jew) در سال ۱۵۲۳ به این شبهه دامن زد (۳) و چنین به نظر می رسد که پروتستانیسیم مسیحیتی است که بنیادها و شالوده های آن یهودی است و شاید این نظریه به نحوی بیانگر پیدایش مسیحیت یهودی بود.

۲- پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی:

تحول باور مسیحی- یهودی و تبدیل آن به مسیحیت صهیونیستی به عنوان ایدئولوژی پروتستانهای قرون میانه توسط پیوریتانها صورت پذیرفت این فرقه از پروتستان که ساختار هنجارهای اخلاقی آن تماما مطابق با تورات بود به عنوان یهودیگری انگلیسی شناخته می شد این گروه حمایتهای استراتژیکی از یهودیان زمان خود به عمل آوردند آن زمان هیچ یهودی در انگلستان وجود نداشت زیرا پادشاه انگلستان در قرن ۱۳ همه یهودیان را به جرم «رباخواری و استثمار مردم» از کشورش اخراج کرده بود اما با سرنگونی پادشاه انگلیس و قدرت گرفتن پیوریتانها دیدگاه جدیدی نسبت به یهودیان ایجاد شد. البته این هواداری ها به داخل مرزهای انگلیس محدود نشد و در سال ۱۶۲۰ اولین کلونی پیوریتانی در ماساچوست آمریکا ایجاد شد. (۴)

تا قبل از جنگ جهانی دوم این مکتب به بنیادگرایی معروف و شعار آنها بازگشت

به انجیل و تغییر جامعه با تحول فرهنگی بود که هدف آنها به وجود آوردن حکومت در آمریکا بر مبنای بنیادهای انجیل بود اما بعد از جنگ دوم جهانی بنیادگرایان آمریکایی خود را «مبلغان انجیل» یا اوانجلیسم معرفی کردند. اصول فکری مسیحیت صهیونیستی:

در تعریفی ساده در خصوص مسیحیان صهیونیست، باید گفت «مسیحیانی که فعالانه و جدی از ادعای یهودیان برای بازگشت به فلسطین حمایت می کنند»؛ نفوذ الهیات توراتی، فرهنگ یهودی و تمایلات تند سیاسی در اعتقادات و باورهای مسیحیان پروتستان از آنها جماعتی تندرو، خشن و بی منطق ساخته است که به مراتب تندتر از صهیونیستهای یهودی همه مرزهای اخلاقی، ملی، مذهبی و بین المللی را در می نوردد در تمامی آثار و اقوال این جماعت تکیه بر موارد زیر قابل شناسایی و بررسی است:

- ۱- مراجعه به عهد عتیق (تورات) و قرار دادن آموزه های این اثر به عنوان مرجع، چنانکه اینان عهد عتیق را منبع سنجش و ارزیابی عهد جدید (انجیل) قرار دادند.
- ۲- مشروط دانستن رستگاری مسیحیان و تمام مردم جهان به حمایت بی قید و شرط از یهودیت صهیونیستی و اسرائیل
- ۳- اعلام مالکیت بی قید و شرط بنی اسرائیل بر بیت المقدس و تمام سرزمین فلسطین
- ۴- اعراض از هرگونه پیشنهاد و طرح که حاوی پیام صلح طلبی و توقف کشتار مسلمانان فلسطینی باشد
- ۵- ضرورت فراهم آوردن مقدمات ظهور حضرت مسیح(ع) از طریق تقویت اسرائیل و تصرف سرزمینهای اسلامی و مبارزه با مسلمانان
- ۶- مبارزه با تفکر و فرهنگ شیعی و روحیه جهادی آنها به عنوان عامل بازدارنده در برابر صهیونیستها(۶)

۱ هزاره گرایی msilainelliM

مهم ترین شاخصه پروتستانیسیم برتر دانستن قوم یهود و متعلق دانستن سرزمینهای فلسطین «ارض موعود» و سرزمینهای وعده داده شده به قوم یهود از جانب خداوند است

گروهی از اوانجلیستها معتقدند که ابتدای هر هزار سال یک منجی از سوی خداوند

می آید و دین خدا را یاری می دهد و مؤمنان را از دست ستمکاران می رهاند بر این اساس مبلغان این جنبش، آمدن مسیح (ع) را در ابتدای هزاره سوم میلادی و جهان را در آستانه ظهور فرض می کنند.

تقدیرگرایی

(msilanitasnepsiD)

این دکترین در واقع اعتقاد به خواست خداوند است. تقدیرگرایان اوانجلیست معتقدند که خداوند برای پایان جهان طرح دارد و همه باید تسلیم تقدیر و طرح الهی باشند این گروه معتقدند در طرح کلی خدا درباره هستی جایی برای اعراب فلسطین در نظر گرفته نشده و توجه خداوند تنها معطوف به یهودیان است! ایشان بر این باورند که ۷ گام بلند در پیشگویی های کتاب مقدس برای آینده جهان مطرح است:

۱- بازگشت یهودیان به فلسطین

۲- تأسیس دولت یهودی

۳- جهانی بودن مواظظ انجیل که شامل اسرائیل هم می شود.

۴- سرخوشی مؤمنان کلیسا وقتی وارد بهشت می شوند.

۵- رنج و محنتی که به مدت ۷ سال مؤمنانی را که در زمین باقی مانده اند عذاب خواهد داد و یهودیان ستم خواهند دید سرانجام خوبان بر ضد نیروهای ضد مسیح (Anti Christ) جنگی به راه خواهند انداخت.

۶- نبرد آرمادگدون (Armageddon) در دشت مجدو در اسرائیل برپا خواهد شد.

۷- شکست ضد مسیح و ارتش او و به دنبال آن ایجاد پادشاهی سرشار از صلح مسیح به مرکزیت اورشلیم که این پادشاهی را یهودیانی که همگی مسیحی شده اند و نیز مسیحیان مؤمن اداره خواهند کرد.

این گروه همچنین مدعی اند که در آرزوی جبران یهودسوزی (Holocaust) و پیشینه سامی ستیزی (Anti Semitism) در مسیحیت هستند.

اوانجلیسم؛ عملی کردن خواسته های مسیح از نظر این جنبش باور هفت مرحله ای بودن پایان تاریخ مستلزم تحقق حوادثی است که باید تا ظهور دوباره مسیح به وقوع پیوندد و وظیفه دینی پیروان این مکتب آن است که برای تسریع در عملی کردن این حوادث تلاش کنند.

این حوادث عبارتند از :

۱- یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره ای از نیل تا فرات به وجود آید (فقط یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت کنند اهل نجات خواهند بود).

۲- یهودیان باید مسجدالاقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را منهدم کنند و به جای این دو مسجد مقدس مسلمانها ، معبدی بزرگ بنا کنند (از ۱۹۶۷ میلادی تاکنون یهودیان و مسیحیان صهیونیست بیش از ۱۰۰ بار به این دو مسجد حمله کرده اند).

۳- روزی که یهودیان این دو مسجد را منهدم کنند جنگ مقدس آرمادگدون به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز می شود و در این جنگ تمام جهان نابود می شود.

۴- روزی که آرمادگدون آغاز شود تمام مسیحیان پیرو اعتقادات «عملی کردن خواسته های مسیح» که همان

مسیحیان «تازه تولد یافته» (born- again) هستند مسیح را خواهند دید و

سفینه بزرگی

آنها را از دنیا به بهشت منتقل می کند

آنها در آنجا همراه مسیح نظاره گر نابودی جهان و عذاب سخت در این جنگ مقدس خواهند بود.

۵- در جنگ آرمادگدون زمانی

که ضد مسیح در حال پیروز شدن است مسیح همراه مسیحیان تازه تولد یافته در جهان ظهور خواهد کرد و ضد مسیح را شکست می دهد و حکومت جهانی خود را در بیت المقدس برپا می سازد. معبدی که مسیحیان و یهودیان قبل از جنگ به جای دو مسجد صخره و مسجدالاقصی ساخته اند محل حکومت جهانی مسیح خواهد بود.

۶- دولت صهیونیستی به کمک آمریکا و انگلیس مسجدالاقصی و مسجد صخره را نابود خواهند کرد و این رسالت بر عهده این دولتهاست که معبد بزرگ را در این مکان بسازند.

۷- این حوادث بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی اتفاق خواهد افتاد.

۸- قبل از آغاز جنگ آرمادگدون رعب و وحشت آمریکا و اروپا را فرا خواهد گرفت.

۹- قبل از ظهور دوباره مسیح باید مقدمات جنگ آرمادگدون و نابودی جهان فراهم شود. (۷)

منجی گرایی صهیونیسم مسیحی، ابزار کسب قدرت:

در جمع بندی کلی باورهای جنبش اوانجلیسم را می توان معطوف به انگاره منجی گرایی دانست. منجی گرایی واژه ای است که به اعمال اسرائیل و حمایت قدرتهای بزرگ از آن مشروعیت می بخشد همه فعالیتهای اوانجلیستها عم از ترور مبارزان فلسطینی و ریختن بمب بر سر مردم بی دفاع افغانستان و کشتار شیعیان عراق به دست آمریکا بسترسازی برای جنگ آرمادگدون است که آن هم مقدمه ظهور منجی عیسی مسیح خواهد بود. اوانجلیستها معتقدند بعد از بازگشت مسیح آنها تحت رهبری او از قدس بر جهان و تمام ملتها حکومت خواهند نمود و به ثروت های چشم گیر دست خواهند یافت. اما واقعیت امر این است که مسیح مورد نظر یهودیان

با مسیح مسیحیان متفاوت است آنها به عیسی (ع)

باور نداشتند و به همین جهت نیز اقدام به قتل او کردند

آنها بر این باور خود باقی بوده و هستند، اما علی رغم این واقعیت یهودیان و شخصیتهای سرشناس آنها به طور ضمنی این اعتقاد مسیحیان را پذیرفته و هیچ عکس العملی در خصوص این باور مسیحیان که خلاف اعتقاد یهودیان است از خود نشان نداده و با خوشحالی و شغف نظاره گر حمایت پروتستانها از طرح و نظریه بازگشت مسیح شدند (۸) و به این ترتیب تحت نفوذ لابی قدرتمند اوانجلیستها در کنگره آمریکا ، به سه هدف سیاسی عمده خود که شامل پول بیشتر، زمین بیشتر(در بیت المقدس) و حمایت و پشتیبانی بی قید و شرط آمریکا است ، دست یافتند. (۹)

منابع:

۱- نصیر صاحب خلق/ پروتستانیسیم، پیوریتانیسم و مسیحیت

صهیونیستی/ انتشارات هلال/ چاپ اول ۱۳۸۳

۲- Judai Encyclopedia و ۱۴۲۶:vol: llpp

۳- نصیر صاحب خلق/ پروتستانیسیم، پیوریتانیسم و مسیحیت

صهیونیستی/ ۴- همان ص ۷۸

۵- محمد علی منصوریان / صهیونیسم مسیحی / ۱۳۸۹/۱/۳۱

روزنامه وطن امروز ، شماره ۴۰۰

۶- احمد سروش نژاد/ صهیونیسم: نوزایی، استقرار، فروپاشی/ نشر

نی/ چاپ اول ۱۳۸۵ ص ۲۲۷

۷- محسن قنبری آلانق/ بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم

مسیحی و انگاره های موعود گرایی/ انتشارات مؤسسه آموزشی-

پژوهشی امام خمینی/ چاپ اول ۱۳۸۸

۸- نصیر صاحب خلق/ پروتستانیسیم، پیوریتانیسم و مسیحیت

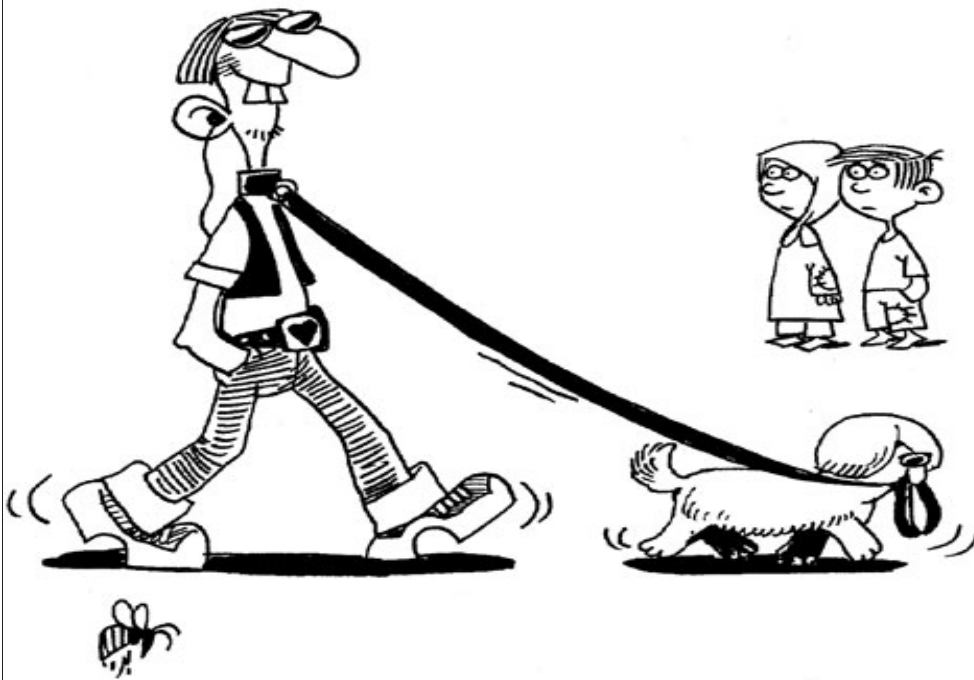
صهیونیستی/

۹- گریس هال سل/ تدارک جنگ بزرگ/ ترجمه خسرو اسدی/

مؤسسه فرهنگی رسا/ چاپ اول ۱۳۷۷



هایو!



« طاهره طیب زاده (کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق) »
« دکتر علی سعیدی (دکترای دامپزشکی) »

شکل معکوس گرفته و شاهد این هستیم که انسانها، خود را در خدمت سگ قرار داده اند. با رفت و آمد در برخی پارکها، شاهد افرادی هستیم که در معابر عمومی با حیواناتی از جمله گربه و سگ تردد می کنند که سبب ایجاد رعب و وحشت در بین مردم می شوند. در آغوش گرفتن و یا درماشین نشستن همراه حیوان و در خدمت او بودن، برای این افراد لذت بخش و عاملی برای فخر فروشی ست!! پذیرش این موضوع برای جامعه ما که معتقد به ارزشهای اخلاقی و دوری از نجاسات و رذایل است بسیار دشوار می باشد. در این مقاله سعی شده به آسیبهای این معضل نامیمون (همخانگی با حیوانات) از منظر پزشکی و فقهی پرداخته شود.

بر اساس برخی تحقیقات دیرینه شناسی سگها اولین حیواناتی بوده اند که توسط بشر رام شده و با او مانوس گردیده اند. هرچند انسان در طول دوره ی حیات خود توانسته است بسیاری از حیوانات را رام کرده و از آنها بهره برداری نماید، اما نوع رفتار و ارتباط متقابل انسان و سگ، جایگاه ویژه ای برای این حیوان رقم زده است. خداوند متعال، این حیوان را، تربیت پذیر و دارای هوش و استعداد ادراک خواسته ها و فرامین انسان خلق نموده تا در خدمت او باشد. از جمله خدمات این حیوان می توان به محافظت او از انسان و احشام در مقابل حیوانات وحشی، نگهداری از مایملک مردم، امداد رسانی به حادثه دیدگان سیل و زلزله، شناسایی محموله های مواد مخدر و... اشاره نمود. اما این روزها در برخی موارد خدمت رسانی این حیوان به انسان

ترها، کودکان در حال آموزش راه رفتن، افراد تحت درمان بیماریهای سرطانی و افرادی که به تازگی جراحی پیوند عضو داشته اند توجه ویژه ای صورت گیرد.

| پاسخ به یک سؤال:

آیا رعایت بهداشت سگ یا گربه و تحت نظر پزشک بودن حیوان، انسان را از آلودگی آنان مصون می دارد؟

بیماری های قابل انتقال بین حیوانات و انسان، از جمله بیماریهایی محسوب می گردند که از دیدگاه کثرت میزبانان و مخازن و روشهای انتقال و سرایت

بیماری خراش پنجه گربه: به طور معمول، زیر ناخن گربه یک سری میکروب وجود دارد که در صورت چنگ زدن گربه، این میکروب ها از طریق خراش وارد بدن شده و باعث بروز این بیماری می شود. در این بیماری انسان تا ۳ روز متوالی تب می کند و گاهی دچار تهوع و سردرد می شود.

براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت از میان ۱۷۰۹ عامل بیماری زا، ۸۳۲ عامل از حیوانات به انسان منتقل می شود.

با توجه به اینکه این بیماری ها می توانند سیستم ایمنی را درگیر کنند باید در مورد تماس حیوانات با مسن

لیشمانیوز: لیشمانیوز جلدی یا همان سالک، که یک بیماری پوستی طولانی مدت و بدون درد و تب، قابل انتقال بین انسان و تعدادی از حیوانات از جمله جوندگان و سگ است.

کیست هیداتیک: یک بیماری انگلی است که انسان و دام در اثر خوردن تخم انگلی به نام کرم تنیاکینو کوک که در مدفوع سگ بیمار وجود دارد به آن مبتلا می شوند. این کیست ها بسته به اینکه در ریه، کبد، مغز یا هر بافت دیگری ایجاد شود قادر به بروز عوارضی مختلف هستند و برای برداشتن آن نیاز به عمل جراحی است.

بیماری های انتقالی از سگ و گربه

امروزه مشخص گردیده، سگها می توانند بصورت بالقوه، به عنوان ناقلین و عاملین انتشار بسیاری از بیماریها محسوب گردند که در این مجال کوتاه به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم:

هاری: یک بیماری ویروسی فوق العاده کشنده است که موجب عفونت دستگاه عصبی مرکزی می گردد. علاوه بر سگ، گاز گرفته شدن توسط حیواناتی مانند گربه، گرگ، راکن نیز می تواند موجب ابتلای به بیماری هاری شود.

شستشوی خاص ظرف غذای سگ:



خرید و فروش سگهای غیرنافع به حال جامعه و احیاناً مضر به حال انسان، حرام است. اما سگهای نگهبان و آنهایی که امروزه به عنوان تفتیش و کشف اجساد استفاده می شوند جایز است

در مورد پاک کردن ظرفی که سگ با آن تماس داشته است: الف) ظرفی که سگ در آن آب یا چیز روان (مایع) خورده باشد باید اول با خاک پاک، خاک مالی شود و بعد دو دفعه آب کشیده شود. ب) ظرفی را که سگ لیسیده است باید قبل از شستن خاک مالی شود و بعد دو بار شسته شود.

ج) ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته (ولو یخ)، یا جایی از بدنش به آن اصابت کرده بنابر احتیاط لازم باید آن را خاک مال و بعد سه مرتبه با آب شست. ترجمه توضیح المسائل آیت... سیستمی ص ۲۵ بقیه علما نیز تقریباً همین نظر را دارا هستند.



... فان... تبارک و تعالی لم یخلق خلقا انجس من الکل... : خداوند تبارک و تعالی مخلوقی ری نجس تر از سگ نیافریده است... (وسائل الشیعه باب ۱۱ از ابواب آب مضاعف حدیث ۵)

خرید و فروش سگ حرام:

الف) در زمینه حرام بودن خرید و فروش سگ چندین روایت از پیامبر(ص)، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام وجود دارد. قاسم ابن ولید می گوید: از امام صادق علیه السلام در رابطه با ثمن (پولی که مشتری بابت سگ های غیر شکاری می پردازد) پرسیدم. حضرت فرمود: « ثمن آنها سحت (باطل و حرام) است یعنی معاوضه و معامله بر آنها جایز نیست سپس فرمودند اما سگهای شکاری اشکالی نیست و ثمن آنها حلال است.

(وسائل الشیعه- ج ۱۲- ص ۸۲- باب ۱۴ حدیث ۱ و ۲)

شیخ انصاری(ره): « خرید و فروش سگهای ولگرد و غیرنافع به حال جامعه و احیاناً مضر به حال انسان، حرام است. اما سگهای شکاری، نگهبان و آنهایی که امروزه در دنیا به عنوان تفتیش و جاسوسی و کشف اجساد و کشف اجساد در حوادث طبیعی استفاده می شوند خرید و فروششان جایز است. » (مکاسب محرمة) شهید اول: « کسب عین نجس مثل سگ خشکی حرام است غیر از سگ شکاری و نگهبان و سگ گله که خرید و فروش این سه گروه جایز است. » (لمعه)

بیماریهای حاد و مهلک محسوب کردند، بسیار جدی تلقی می گردند. علاوه بر ویروسها و میکروبیهای ظاهری گاهی اوقات برخورد با نجاسات و مرادده داشتن با آنها در روح انسان اثر می گذارد. مثلاً ما در روایات اسلامی داریم که جوانان خود را از خوردن گوشت خوک برحذر دارید که خوردن این گوشت باعث بی غیرتی جوانان می شود و از طرفی می فرماید گوشت خروس به آنها بخورانید تا با غیرت شوند.

علاوه هم در زندگی حیوانات خروس حیوان باغیرتی است و ظاهراً خوک حیوان بی غیرتی است. پس در می یابیم که آنچه اسلام، ۱۴۰۰ سال پیش بیان فرموده است علاوه بر بهداشت جسمی به بهداشت روانی هم نظر داشته است و از طرفی هم ما و هم دانشمندان عالم قبول دارند که علم بشر هنوز جنینی بیش نیست.

سگ، ذاتا نجس |

در مورد سگ دو بحث در فقه مطرح می شود: ۱- نجاست ذاتی سگ ۲- حرمت خرید و فروش آن اما نجاست سگ: سگ ذاتا نجس است و عین نجاست می باشد. بنابراین به هیچ وجه پاک نمی شود و جزء نجاسات ده گانه فقه در کنار نجاساتی مثل خون، مردار، ادرار و مدفوع... قرار می گیرد حکم به نجاست سگ (موجود در خشکی) متسالم علیه می باشد، یعنی همه علما بر آن فتوا می دهند و مخالفی وجود ندارد و مجموعه ای از روایات مبنای فتوای این بزرگان قرار گرفته است مثل: روایتی از امام صادق(ع) که می فرمایند:

در میان جمعیت حیوانات و انسان، از تنوع بسیار بالایی برخوردار می باشند به گونه ای که بسیاری از حیوانات، نسبت به عوامل این قبیل بیماریها، حساس بوده یا برای آنها به عنوان میزبان و ناقل محسوب می گردند و قادرند عاملین این بیماریها را از طریق تماس مستقیم یا از طریق ترشحات و فضولات و همچنین محصولات و فرآورده های حیوانی، به انسان منتقل نمایند. امروزه تعداد کثیری از این قبیل بیماریهای زئونوز یا مشترک بین حیوان و انسان و همچنین روشهای سرایت و انتقال آنها به جمعیت انسانی، شناسایی گردیده است.

لازم به توضیح است که تعداد این بیماریها، بر اساس منابع مختلف متفاوت بوده ولی مهمترین و خطرناکترین این بیماریها که از جنبه بهداشتی و اقتصادی، مخاطرات فراوانی را برای جوامع بشری بدنبال دارند به حدود چهارصد بیماری، طبقه بندی گردیده اند. لازم به ذکر است که نقش سگ ها، در حفظ و بقای این بیماریها در طبیعت و انتقال آنها به انسان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و اعتقاد بر این است که از میان چهارصد بیماری فوق الذکر، حداقل یکصد بیماری، تنها از طریق سگ های آلوده به انسان سرایت می نمایند که او برخی از مهمترین و حادثترین آنها می توان به بیماریهای مهلک مانند هاری، لپتوسیدوز، کست هیراتیک، دیتیمپر، سالک، بروسلوز و... اشاره نمود.

هر چند که امروزه می توان به واکسیناسیون و رعایت موازین بهداشتی مانع بروز بسیاری از این بیماریها گردید، اما متأسفانه نه تنها تاکنون واکسن مناسب برای برخی از عوامل بیماری زا، کشف و شناسایی نگردیده است، بلکه رعایت موازین بهداشتی نیز همواره روش مطمئن، قطعی و نهایی.

برای ممانعت از ابتلای انسان به بیماریهای حاد و مهلک محسوب نمی گردند و از این دیدگاه مخاطرات بهداشتی حیواناتی مانند سگ که به صورت بالقوه می توانند به عنوان ناقلین بسیاری از





موضوع سایت

۱. قرآن: شامل زیر بخش های حفظ قرآن، قرائت، تفسیر، علوم قرآن، فعالان قرآنی، قصص قرآن، نسخه شناسی، معماهای قرآنی و...

۲. کلام و اعتقادات: شامل زیر بخش های خداشناسی، راهنما شناسی، معاد، احکام عبادی، احکام معاملات، سایر احکام، یهودیت و مسیحیت، مذاهب اسلامی، فرقه های عرفانی نوپدید و...

۳. ثقلین: شامل: پیامبران، اهل بیت(ع)، حدیث، نماز، روزه، ادعیه، اعمال مذهبی

۴. اخلاق و عرفان: شامل: در محضر عرفا و صلحاء، افلاکیان خاک نشین، عرفان ناب

۵. مشاوره و مهارت های زندگی: شامل: خانواده، کودک و نوجوان، جوانان، دختران و زنان، مسائل اجتماعی، مسائل تربیتی، مسائل پزشکی و بهداشت روانی، آخرین اخبار

پزشکی

۶. فرهنگی: شامل: مقالات دینی، اخلاقی اجتماعی

صوت،

تصویر و نوانما

با زیر بخش های معرفی کتاب، نشریه های الکترونیکی، متون مقدس، تلاوت، روضه، سخن رانی، دعا و زیارت، مداحی و مولودی، فیلم، تصاویر مذهبی، فلش، گرافیک

سایت و انتقادات و پیشنهادات

در حال حاضر شاخه ها، انجمن ها و بخش هایی در سایت نسیم وحی تعریف شده است و با استقبال بی نظیر کاربران، حدود ۲۳۰۰ موضوع و ۱۵۰۰۰ مطلب گوناگون در سایت درج شده است. اگر شما هم علاقه مند هستید که در سایت نسیم وحی فعالیت داشته باشید میتوانید با توجه به موضوع مورد علاقه تان در سایت به ارسال مطالب خود بپردازید. طبیعی است که کاربران فعال سایت از امتیازات ویژه ای همچون اعطای مدیریت بخش مورد علاقه شان بهره

۱۲. آژانس: با زیربخش های اخبار، طنز، سرگرمی

۱۳. آیه های انتظار: با زیر بخش های برنامه های هفتگی کنفرانس آیه های انتظار

۱۴. ماه نامه نسیم وحی: با زیربخش های امور مشترکین، آرشيو نشریه، ارسال مطلب برای نشریه

۱۵. مدیریت سایت: شامل: اخبار

۷. ادبیات: شامل: شعر، داستان و دکلمه

۸. اجتماعی و سیاسی: شامل: مناسبت های مذهبی، تاریخی، مسائل سیاسی و اجتماعی روز

۹. تاریخ: شامل: تاریخ اسلام، تاریخ ایران زمین و جهان در آینه تاریخ

۱۰. دفاع مقدس: شامل: زیربخش های زندگی نامه شهدا، خاطرات رزمندگان، حدیث سبز شهادت، عملیات ها، مناطق جنگی، وصیت نامه شهدا، انقلاب، موزه مجازی و آلبوم تصاویر، صداهای ماندگار

۱۱. چند رسانه ای: شامل: کتاب،

نشریه الکترونیکی گنجینه که با استقبال شما عزیزان همراه شده، افتخار دارد با کادری جدید و مجرب هم چنان پاسخگوی نیاز جوانان باشد:

www.ganjine88.blogfa.com





معرفی کتاب

| دادگستر جهان

نویسنده: ابراهیم امینی

فراوانی نوشته شده، متأسفانه بیشتر نویسندگان توجهی به اشکالات نکرده و در صدد پاسخگویی به بسیاری مسائل که ذهن مردم به ویژه قشر جوان و تحصیل کرده را به خود مشغول کرده، برنیامده اند. این کتاب منبع مفیدی برای پاسخگویی به این سؤالات می باشد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

جناب عالی در گسترش علوم و معارف اسلام عزیز، به ویژه تألیف کتاب گرانقدر "دادگستر جهان" تقدیم می شود. هم چنین این کتاب در سال ۱۳۸۲ نیز برگزیده کتاب سال ولایت گردیده است.

از جمله کتاب های مرتبط با مباحث مهدویت است و در سال ۱۳۷۸ برنده جایزه کتاب برگزیده اولین دوره "کتاب سال ولایت فقیه" گردید.

| نظر بزرگان درباره کتاب

آیات عظام جعفر سبحانی، سید جعفر شهیدی و عبدالله جوادی آملی طی تقدیر نامه ای که به نویسنده کتاب اهدا گردیده است، مراتب رضایت خود را به این صورت ابراز داشته اند: "در میان آثاری که به قصد بسط علم و فرهنگ و ادب اسلامی، از ابتدا تا کنون صورت انجام و انتشار پذیرفته اند، آنچه بر آستان بلند معارف اهل بیت (ع) سر نهاده، چون جانمایه از جوهر ناب اسلام محمدی(ص) گرفته، مرتبه ای منیع یافته، بر مسندی عظیم نشسته است. ... این لوح به نشانه قدردانی از خدمات ارزشمند

| چاپ و نشر

این کتاب ابتدا در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. در سال ۱۳۴۷ با تغییرات و اضافاتی، تجدید چاپ شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. در سال ۱۳۶۶ بار دیگر مطالب کتاب بررسی شد و با توضیحات و اضافاتی سودمند به شکلی جدید به چاپ رسید. ویرایش سوم این کتاب در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.

| عناوین کتاب

با اینکه درباره امام زمان -عج- کتاب های

غیبت طولانی و علل آن
فواید امام و وظیفه مسلمانان در غیبت
انقلاب جهانی و چگونگی پیروزی امام
طول عمر امام زمان (عج)
مهدی(عج) و آیین جدید
مسکن امام زمان(عج) و...

این کتاب تاکنون به زبانهای انگلیسی، عربی، ترکی، اردو و اندونزیایی ترجمه شده است.

اعتکاف یاتی کاف!!

« رؤیا مهاجر (فقه و حقوق - ۸۸) »



« درسته، نیت، اساس اعتکافه شرط اول قبولی این عبادت سه روزه است. نیت، نزدیکی به خدا و ۳ روز عبادت برای او. در واقع عبادت برای خدا، نیاز او را برآورده نمی‌کنه چرا که او غنی مطلق وبی نیاز از همه ما و عبادت‌ها مونه. این ما هستیم که نیازمون با نیت خالصانه قربت الی الله برآورده می‌شه. اگر نیت ما تظاهر به عبادت و یا ریا درمقابل سایرین که معتکف نیستن، باشه هیچ ارزشی نداره و نیازهای روحی و جسمی ما رو برآورده نمی‌کنه که هیچ، تأثیری که باید داشته باشه رو هم نداره. اعتکافی که سبب غرور، فردگرایی و عدم تمایل به

و فراموش کار، چرا ما رو به خودت می‌چسبونی؟!» دوست دیگش گفت: « آقا من که اومدم از نق و نوق های بعضی‌ها راحت بشم. سه روز بخور و بخواب. توی جای گرم و نرم و البته دست و پای تنگ. « همه برگشتند و نگاهش کردند. فهمید که حرف مفتی زده با دست پاچگی گفت: « ببخشید بابا شوخی کردم! چی زود بهتون بر می‌خوره!! » یکی دیگه گفت: « نه آقا، اصلا آمدن به اینجا کلاس داره!! برای اونایی که نیومدن کلی کلاس می‌گذاریم. » گفت: « از شوخی گذشته بیان جدی صحبت کنیم. فکر نمی‌کنین اصل کاری رو فراموش کردین؟! چیزی که هیچ کدوم بهش اشاره نکردین؟! اونیه که به خاطر اون اومدین به دعوت او و برای رسیدن به او. کسی که باید اصل نیت اومدنمون باشه. اونیه که می‌دونه الان، بدجوری بهش احتیاج داریم. اونیه که قراره ۳ روز باهاش راز و نیاز کنیم. فکر نمی‌کنید اگه نیتمون خالص، فقط و فقط برای او نباشه، هیچ ارزشی نداره. »

آسیب‌های اعتکاف و شروط صحت پشت سریم که تا حالا ساکت بود گفت:

آقایی که خوابیده بود با چشم‌های بسته گفت: « آقا اینجا جای جلسه نیست. » پسر کناریم گفت: « شرمنده! جای خواب هم نیست. » چشم هاش باز شد و نشست: « من که خواب نبودم، داشتم استراحت می‌کردم. » قرآن رو که روی سجاده اش بود، برداشت و دوباره زمین گذاشت: « برم وضو بگیرم » همه خندیدند. گفت: « قبل از تجدید وضو میشه شما هم به سؤال من جواب بدین؟ چرا اومدین؟ » گفت: « فرار از دغدغه های روزمره، دیگه اعصاب برام نمونده، اینجا آدم آرامش پیدا می‌کنه » بچه‌هایی که دورتر بودن متوجه بحث ما شدند و نزدیک اومدند. یکی‌شون گفت: « آقا بحث سر چیه؟ » بغلیش گفت: « سر علت اومدن به اعتکافه » اون گفت: « اینکه معلومه، اومدیم فکر کنیم ببینیم تا حالا چه کار کردیم! چی تو کوله پشتی مونه می‌بینم خالی خالیه، هیچی نداره! سرخورده و افسرده می‌شیم و بر می‌گردیم. » ادامه داد: « این یک واقعیته، روز آخر قول می‌دیم که از نو شروع کنیم. اما بعد یک هفته همش یادمون می‌ره و می‌زنیم زیر قولمون. » دوستش گفت: « ما رو با خودت جمع نبند، تو عهد شکنی

جانمازم رو پهن کردم و شروع کردم به تسبیح گردونیدن. کمی دور و برم رو نگاه کردم. تقریباً همه ی جاهای خوب، پر شده بود. با خودم گفتم: عجب معتکفینی! این اولین قدم برای اعتکافه!! دور و برم افرادی با سن‌های مختلف مشغول قرآن و نماز و دعا بودند و یکی هم خوابیده بود. با خودم گفتم: « اینها برای چی اومدن؟! » خیلی دلم می‌خواست جواب تک تکشون رو به این سؤال بشنوم. از کناریم پرسیدم: « قبول باشه، می‌شه بگی چرا اومدی؟ » با نگاه کوتاهی گفت: « زندگی برام یکنواخت شده، اومدم از این حال درش بیارم. می‌خوام این ۳ روز رو یک جور دیگه زندگی کنم. » نفر جلویی پرسش رو شنید. رو به من کرد و گفت: « کار روزانه خیلی خسته کننده شده، همش بدو، کار کن، جون بکن، برای چی؟ برای کی؟ چند روز هم برای خودم باشیم به اصل کارم برسیم. » سمت چپیم که تازه نمازش تموم شده بود گفت: « کار که لازمه ی زندگیه چه بسا اگر با نیت خدایی باشه از خیلی عبادات ارزشش بیشتره. اما اینکه چرا اومدیم؟ برای بازگشت به فطرت پاکمون، پرداختن به نیازهای اساسی وجودمون. »

معتکف با بی‌اعتنایی به دنیا و بردن از جهان طبیعت و مبارزه با هوای نفس اماره و پیوستن به ماورای طبیعت و تمرین عبودیت، به بیشترین انرژی مثبت معنوی دست می‌یابد.



اعتکافی که سبب غرور و فردگرایی شود ، مورد نظر رسول اکرم (ص) نیست. بلکه رهبانیت ساختگی مسیحیت و صوفیان است که بر مردم گریزی و دنیاستیزی استوار است



عبادات دسته جمعی بیهوده ، اعتکاف مورد نظر رسول اکرم (ص) نیست. بلکه عزلت گزینی و رهبانیت ساختگی مسیحیت و صوفیانه که بر مردم گریزی و دنیاستیزی استوار است. اما در اسلام اعتکاف، به صورت دسته جمعی اون هم در مسجد جامع شهر معنا پیدا می کنه. یک اردوگاه پرورشی با زمانی محدود. « نگاه همه ما به سمت شخص متکلم ، خیره شد. او کی بود با این همه اطلاعات؟! ناگهان یکی از بچه ها گفت: « استاد محسنی!! « جلو رفت و روبروی کرد سپس گفت: « آقایون معرفی می کنم : آقای دکتر محسنی عضو هیأت علمی دانشگاه در گروه معارف. استاد ۳ ترم پیش بنده! « خیلی خوشحال شدم، به سمت دکتر چرخیدم و گفتم: « چرا پشت ما نشستین؟! چرا دم در؟! کاش زودتر اعلام حضور می کردین تا از معلومات مفیدتون بهره مند می شدیم. « با تواضع گفت: « من هم یکی از مدعوین هستم، مثل شما. مکان مهم نیست، حضور مهمه. اتفاقاً از سخنان دوستان استفاده کردم ، بسیار جالب بود. البته لازم به ذکر است نیاتی که ذکر کردید ، نیات همه معتکفین برای حضور در اعتکاف نیست. نیات ارزشمندی هم وجود داره که اشاره ای به اونها نشد. « گفتم: «میشه به چند سؤال ما جواب بدین؟ « دکتر پاسخ داد: « در خدمتم!»

گفتم: «در اول حرفاتون خیلی خوب آسبیهای اعتکاف را بیان کردین و همین طور اولین شرط مهم اعتکاف که شرط صحت آن است . میشه به یک شرط دیگه هم اشاره کنین؟ « گفت : « بله؛ شرط دیگه ی صحت اعتکاف ، اذن ولی شرعی معتکفه. رضایت والدین برای فرزند و اجازه شوهر برای زن. «

اعتکاف در ماه رمضان

آقایی که کنار من نشسته بود گفت: « غیر از این سه روز، روز های دیگه ای هم برای اعتکاف هست؟» گفت : « بله، با فضیلت ترین وقت اعتکاف دهه آخر ماه رمضان که برابر با دو حج و ۲ عمره است و نبی اکرم (ص) تقریباً همه ساله این ۱۰ روز را معتکف بودند جز یک سال که در سال بعد، قضای آن را به جا آوردند و ۲ دهه آخر را معتکف شدند. « [مجلسی- بحار الانوار ج ۹۷ ص ۱۲۸ ص ۳۶۴]

پرسیدم : « ببخشید، هر زمان از ایام سال می شه معتکف شد؟ « گفت : « تمام ایام ، جز روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام است . مانند عید قربان و عید فطر اما زمان ماندن در اعتکاف حد و مرز نداره و حداقل آن ۳ روز و ۲ شب ذکر شده . «

اعتکاف، پایبندی به بندگی

پرسیدم : « میشه اعتکاف رو معنی کنید؟ « اعتکاف، پایبندی به بندگی و فرمانبری ویژه ، در زمان و مکان ویژه ، با شرایط ویژه است با نیت قربت الی الله

اعتکاف: مولتی ویتامین جوان !!

یکی از بچه ها پرسید: «آقای دکتر، بفرمایین اصلاً این اعتکاف چه فایده ای داره؟ «

اعتکاف برای جوانان مانند داروی مولتی ویتامین است که تأمین سلامتی روح و روان آنها را تضمین می کند. بازگشت به فطرت پاک الهی را تجربه کرده و طعم شیرین وصال را مز مزه می کنند

الفصاحه ، پاینده ص ۲۹۹] یکی دیگر از بچه ها گفت: « آقا شرمنده، میشه زیر دیپلم حرف بزین تا ما هم بفهمیم؟ « دکتر گفت: « مگه شما زیر دیپلمین؟! « او گفت: « نه آقا تو کارشناسی داریم دست و پا می زنیم !!» دکتر گفت: «حکمت اصلی اعتکاف اینه که انسان خودش رو به مقابله با وسوسه های شیطان و نفس اماره اش ، در محیط خارج قرار بده و این، برای او به صورت یک عادت در بیاد که به تمام خواش های نفسانیش پاسخ مثبت نده ، (نفس رو اسیر خودش کنه ، نه اینکه اسیر نفسش بشه.) متوجه شدی پسرم؟» پسر گفت: «ای آقا ما رو دست کم گرفتین؟! من که از همون اول حرف هاتون رو فهمیدم! گفتم سطحشو بیارین پایین تا بقیه بفهمن!»

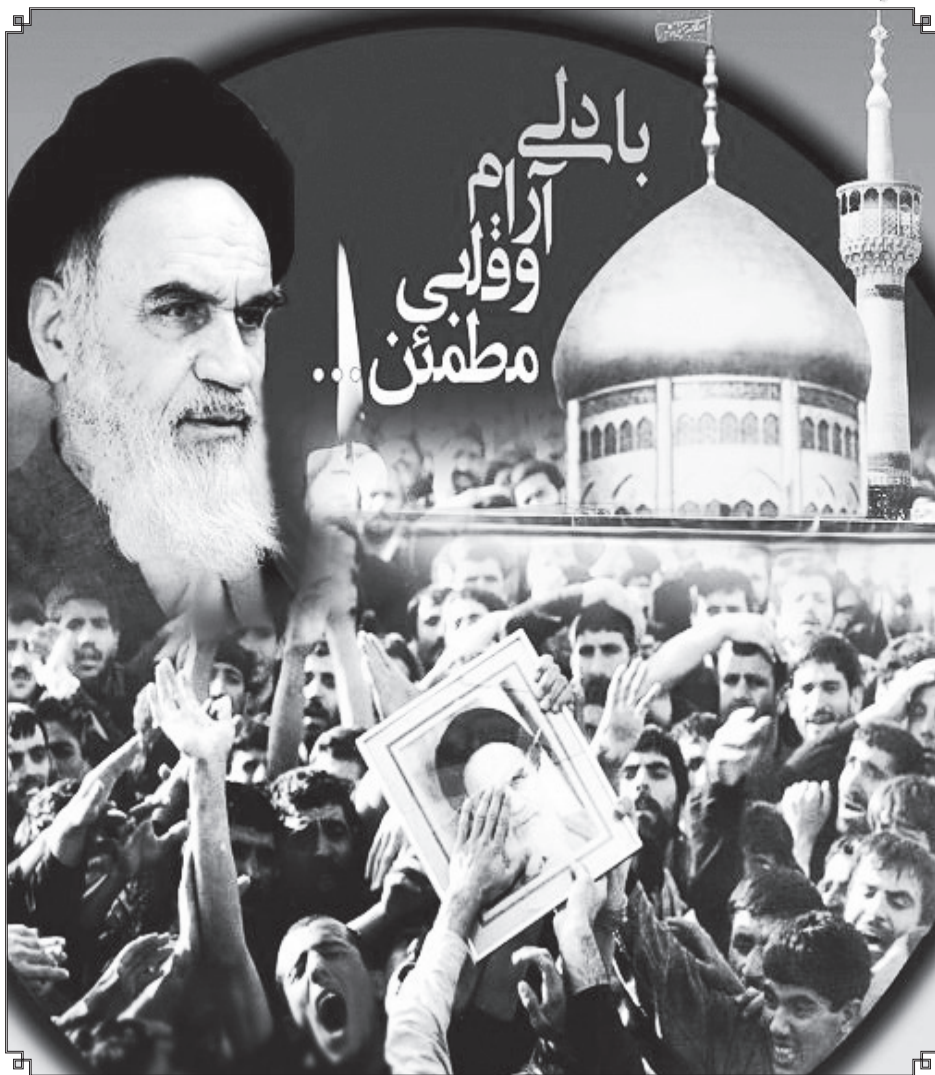
خودمو جابجا کردم و گفتم: « پس اگر درست فهمیده باشم اعتکاف سبب تقویت اراده انسان شده و مقاومت او را در برابر مشکلات و یا کجروی ها و تباهی اخلاق زیاد می کنه . تصور می کنم همه ی اینها سبب می شه ریشه اضطراب و نگرانی که سرچشمه خیلی از بیماری های روحی و جسمی عصر جدید ، سوزاننده بشه و انسان با اتکا و توکل به خدا، مسیر جدیدی رو برای روزهای بعد از اعتکاف ترسیم کنه ، به این ترتیب انسان به چند قدمی خدا می رسه و این نزدیکی را حس میکنه . « پسر کنار دستیم گفت: «پس نگوییم اعتکاف ، بگوییم تی کاف!» پشت سریش که گویا دوستش بود زد پشت گردنش و گفت: «تو نمی تونی یک کم جدی باشی! « صدای اذان بلند شد همگی از استاد تشکر کردیم و هر کی سر جای خودش برگشت. سرمو روی مهر گذاشتم. «از اینکه من لایق رو دعوت کردی ممنونم، یا ارحم الراحمین»

اعجاز «خمی»

« سوده اقبال

اولین کار بزرگ امام (ره)، احیای اسلام بود. دومین کار بزرگ او، اعاده روح عزت به مسلمین بود. سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. چهارمین کار بزرگ او، ازاله یکی از مرتجعترین و پلیدترین و وابسته ترین رژیم های منطقه و جهان بود؛ ازاله حکومت پادشاهی در ایران. کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمی کرد. کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می تواند زندگی زاهدانه ای داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدار کنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند. کار نهم او، احیای روحیه غرور و خودباوری در ملت ایران بود و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی نه غربی» یک اصل عملی و ممکن است.

مقام معظم رهبری



و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن بکوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول... (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی (ع) می باشند

پشت جبهه ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری ها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند و ... اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم (ص) هستند و نه در محضر امام معصوم (ع) و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است.

نجات دانشگاه؛ نجات کشور

پس اکنون که دانشگاه ها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه، نگذاریم دانشگاه ها به انحراف کشیده شود؛

هایی به جبهه نمی رفتند، که خداوند تعالی در سوره (توبه) با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بسته اند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند. و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا (ع) آن شد که شد. و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم

ملت ایران بهتر از ملت حجاز...

اینجانب هیچگاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی کنند؛ لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند و ملت دهها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند. من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول... (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی (ع) می باشند. آن حجاز که در عهد رسول... (ص) مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و به بهانه

دست پرتوان خود جوانان دانشگاه ها و دانشسراها انجام گیرد. که نجات



دانشگاه از انحراف، نجات
کشور و ملت است.

فرمودند: «آنهایی که خیلی مقدس بودند به دلیل افراط در این کارها از حوزه علمیه گذاشتند و رفتند. مقدسی زیاد برای بچه های ۱۵ و ۱۶ ساله خستگی آور است. تفریحات مشروع داشته باشند، ولی گناه نکنند.»

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می باشند و غیرمنحرف از صراط مستقیم- به سوی غرب یا شرق- و بدون گرایش به مکتب های انحرافی و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی، به مجلس بفرستند. بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.

اینجانب هیچگاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود ... لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند

هاله
ای از
غم و اندوه
سرتاسر نجف را
فراگرفته بود؛ ولی با
این حال صاحب جواهر
که خود صاحب عزا بود از
فرصت کوتاه استفاده کرده و
تا جمع شدن علما و طلاب حوزه و
اهالی نجف برای تشییع جنازه، نصف
صفحه ای از کتاب جواهر را به رشته
تحریر درآورد. امام پس از ذکر این
قضیه، ضمن اینکه ما را به استفاده از
وقت و رعایت نظم در همه امور از جمله
حضور در درس، نصیحت فرمودند، دقیقاً
چنین فرمودند: «من که به شما نمی
گویم به درسم بیایید، حال که شما بنا
دارید در درسم شرکت کنید، لاقلاً به
بنای خودتان عمل کنید.»

منابع:

- برداشتهایی از سیره امام خمینی (ره)
- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)
- صحیفه دل

تفریحات مشروع داشته باشید

حجت الاسلام والمسلمین شهید
محلّاتی: «امام به طلبه ها فرمودند:
«اول اگر جوانها زیاد سراغ مستحبات
بروند، از واجباتشان باز می مانند.» حتی

قانونی
و جو د
دارد که بر طبق
آن ذبح هر حیوانی در
خارج از کشتارگاه به خاطر
رعایت مسائل بهداشتی ممنوع
است. تا امام از چنین قانونی اطلاع
یافتند، فرمودند: چون تخلف از قانون
حکومت اینجا شده است، من از این
گوشت نمی خورم.

جواهری همچون جواهر

آن روز امام چنین فرمودند «من
این مطلب را از استادام مرحوم شاه
آبادی (ره) نقل می کنم و ایشان از
پدر بزرگوارش که از شاگردان مرحوم
صاحب جواهر بودند، نقل می نمود که
شاه آبادی بزرگ فرمودند: صاحب جواهر
دارای پسری بود که از فضلی به نام
حوزه علمیه نجف به شمار می رفت و
تصادفاً در حال حیات پدر فوت می کند.
در روز تشییع با اینکه

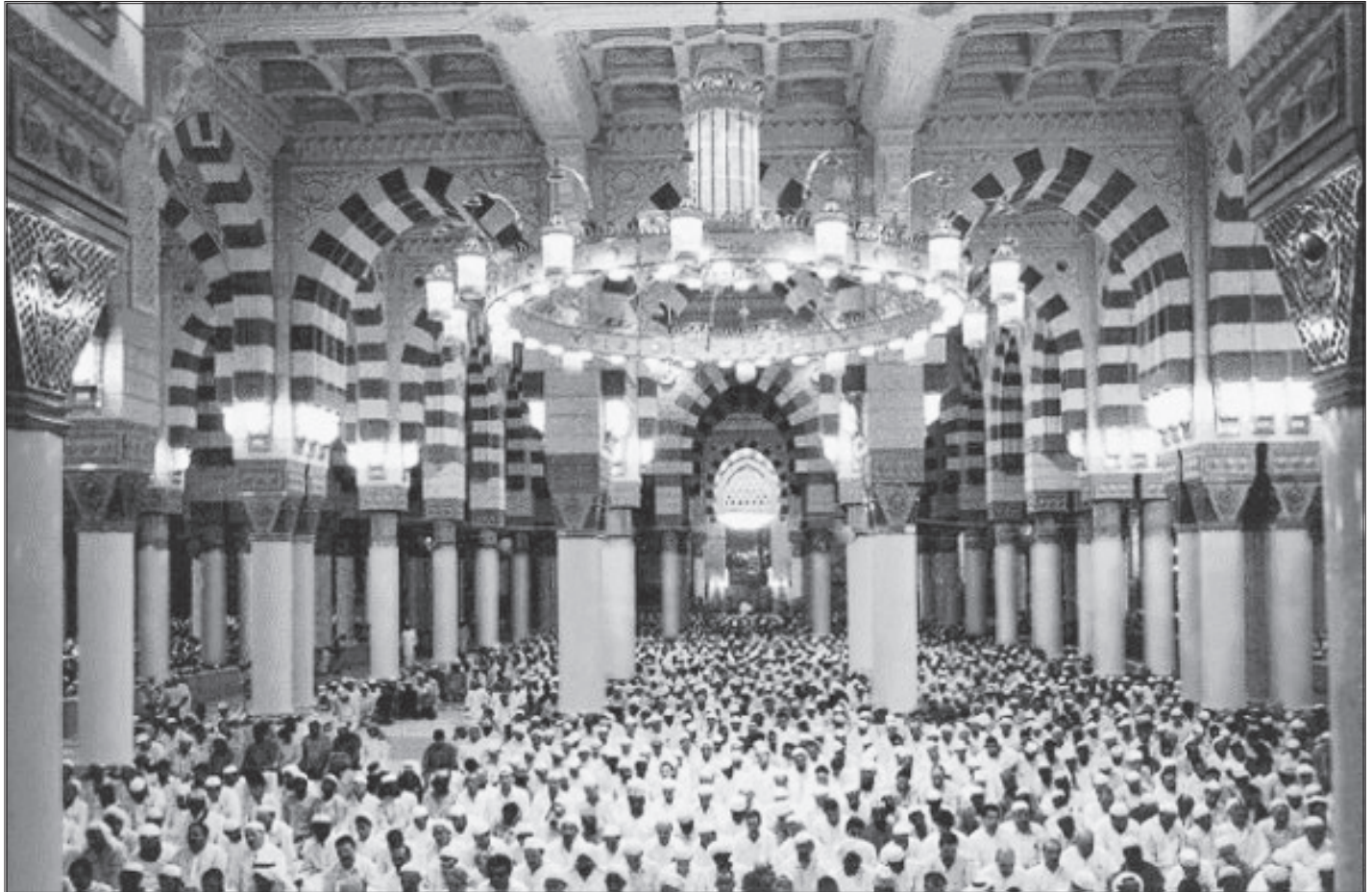
خاطره ای از عاشورا در پاریس

در پاریس برادران پولی جمع کرده و
گوسفندی خریدند و آن را در پشت
حیاطی که امام برای نماز به آنجا می
آمدند، ذبح کردند و به مناسبت شب
عاشورا مقداری از آن خوراک تهیه
کردند و مقداری از آن را هم برای
منزل امام فرستادند. چون در فرانسه

تکلیف! چرا!

چرا مکلف به تکالیف شده ایم؟! « طاهره طیب زاده - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق

طاهره طیب زاده - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق



نیاز خدا یا بنده!؟

زندگی چیست؟ زندگی یک حرکت است در سه عرصه (روحی، ذهنی و رفتاری) و به سمت هدف و برای رسیدن به هدف نیاز به برنامه ریزی است و برنامه ریزی باید از طرف کسی باشد که احاطه کامل به بشر و محیط اطراف او داشته باشد و دین برنامه و روشی است برای زندگی بشر که مصلحت دنیوی انسان را در کمال اخروی و حیات ابدی او برآورده می کند. به طور مثال شخصی وسیله ای مثل تلفن همراه را از نمایندگی سازنده آن می خرد، همراه این دستگاه، دفترچه ای راهنما وجود دارد که

سازنده آن، چون از خصوصیات دستگاه کاملا خبر دارد، برای استفاده بهینه از آن یک سری توصیه هایی کرده است. مثلاً این دستگاه نباید مستقیماً به برق شهری متصل شود یا نباید در آب و یا در نور مستقیم خورشید قرار گیرد. موارد دیگری در صورت رعایت این موارد نمایندگی سازنده آن ضمانت آن دستگاه را عهده دار می شود و در غیر این صورت خیر. حال اگر خریدار این توصیه ها را رعایت نکند سازنده هیچ ضرری نمی کند بلکه خود خریدار متضرر می شود. در مورد انسان هم که مصنوع و مخلوق خداوند خالق هستی است همین موارد می تواند صدق کند خداوند همراه این انسان دفترچه راهنمایی به نام کتاب آسمانی و توسط

نمایندگان خود فرستاده است که در آن برای به کمال رسیدن این انسان باید و نبایدها و توصیه هایی شده است. که در صورت رعایت آنها، خود انسان است که بهره می برد و در صورت عدم رعایت، هیچ ضرری به خداوند نمی رسد چرا که او بی نیاز مطلق است. خالق انسان چون همه نیازها و خصوصیات خود را می دانسته از روی لطف آنها را بیان کرده است و روش رفع آن نیازها را هم فرستاده است. خداوند عالم می دانسته که این انسان با این خصوصیات باید روزی پنج دفعه با شارژ نماز به منبع تغذیه روحی خود وصل شود تا آرامش روحی بیابد پس این نماز را واجب کرده است. خداوند علم داشته که انسان در هر سال یک

ماه نیاز به روزه گرفتن دارد تا بدن و روحش سالم بماند و مواد زاید از بین برود و برای اینکه انسان فاسد نشود باید از یک سری اعمال به دور باشد و به گناه نزدیک نشود.

از طرفی بحث از فلسفه و اسرار احکام و حدود آن، مطلبی است و اطاعت از آنها مطلبی دیگر، هیچگاه دومی مشروط به اولی نبوده و نیست.

آیا اساساً ما حق داریم از فلسفه احکام سؤال کنیم؟ در پاسخ باید گفت با مطالعه در متون اسلامی می فهمیم که همواره بحث از فلسفه احکام در میان مسلمانان رایج بوده است و باید هم، چنین باشد زیرا روش قرآن را یک روش استدلالی و منطقی آزاد می دیدند و به خود حق می دادند در مباحث از فلسفه حکم سؤال کنند. باید توجه داشت که اولاً می دانیم که احکام و دستورات آسمانی از علم بی پایان خداوند سرچشمه می گیرد، از مبدای که همه حقایق هستی پیش او روشن است، عالم مطلق و حکیم مطلق است.

ثانیاً معلومات ما هر قدر با گذشت زمان پیش رود باز هم محدود است. ما همه چیز را نمی دانیم، اگر می دانستیم قافله علم و دانش بشر، فوراً متوقف می شد زیرا به پایان راه رسیده است. آنچه می دانیم در مقابل آنچه نمی دانیم مثل قطره ای در برابر دریا است.

با توجه به این حقایق آیا می توانیم انتظار داشته باشیم که فلسفه همه احکام را درک می کنیم؟ اگر چنین بود چه نیازی به پیامبران برای تشریح احکام داشتیم؟

ما درباره فلسفه احکام الهی بحث می کنیم تا با ارزش و اهمیت و آثار مختلف آنها آشنا شویم نه برای اینکه ببینیم آیا باید به آنها عمل کنیم یا نه

مگر ما همه اسرار آفرینش و تمامی موجودات جهان و قوانینی که بر آنها



اسماعیل(ع) توسط حضرت ابراهیم(ع) به فلسفه ای غیر از ظهور تسلیم در هر دو نمی رسیم.

در پایان باید توجه داشت که اولاً سؤال از فلسفه احکام آشکار نشده یا آشکار شده مانعی ندارد اما نسبت به فلسفه های آشکار نشده سؤال بی مورد است چرا که فلسفه بیان شده احکام با توجه به تناسب سطح افکار مردم بوده نه به معنی محدود بودن فلسفه حکم در آنچه ذکر شده است.

برخی می گویند چرا حلقه طلا در دست داشتن برای مرد حرام است؟ می گویند تا فلسفه اش را نفهمم بیرون نمی آورم. اینان آنقدر ضعیفند که در برابر هم نوعان خود تسلیمند ولی در مقابل حکم خداوند چنین منافقانه عمل می کنند و بهانه می گیرند و دلیلش آن است که به آنچه هم که می دانند عمل نمی کنند.

حاکم است و فلسفه وجودی هر یک را می دانیم؟ احکام تشریحی هم جدا از حقایق آفرینش و تکوین نیست، اطلاعات ما در هر دو قسمت محدود است. از طرفی بحث از فلسفه و اسرار احکام و حدود آن، مطلبی است و اطاعت از آنها مطلبی دیگر، هیچگاه دومی مشروط به اولی نبوده و نیست. ما درباره فلسفه احکام الهی بحث می کنیم تا با ارزش و اهمیت و آثار مختلف آنها آشنا شویم نه برای اینکه ببینیم آیا باید به آنها عمل کنیم یا نه؟ دقیقاً مثل زمانی که ما توضیحاتی را از طبیب معالج خود درباره فواید داروهایی که برای ما تجویز کرده می خواهیم تا آگاهی و علاقه بیشتری به آن پیدا کنیم نه اینکه به کار بستن دستورات او مشروط به توضیحات قانع کننده او باشد.

در فلسفه احکام باید گفت تکلیف حسن است زیرا تکلیف فعل خداوند است و فعل خداوند حسن است و یکی از دلایل حسن تکلیف این است که زمینه دریافت پاداش های عظیم اخروی را برای انسان فراهم می سازد و دلیل دیگر اینکه تکالیف شرعی مصداق لطف نسبت به تکالیف عقلی اند، زیرا هرگاه انسان عبادت ها و دستورات شرعی مانند نماز و... را رعایت کند، در رعایت تکالیف عقلی، چون تحصیل معرفت و... آمادگی بیشتری خواهد داشت.

انواع فلسفه احکام:

- ۱- فلسفه های آشکار شده در قرآن و احادیث مثل فلسفه روزه، زکات، حج
- ۲- فلسفه های آشکار شده توسط علم مثل مضرات شراب، موسیقی و فواید نماز و روزه
- ۳- فلسفه های آشکار نشده که باید منتظر بمانیم که یا بوسیله علوم جدید در آینده آشکار شده و یا آخرین وصی پیامبر(ص) حضرت مهدی(عج) آنها را تبیین کند.
- ۴- بالاترین فلسفه احکام و مهمترین آنها تسلیم خداوند بودن است. به طور مثال در سر بریدن حضرت

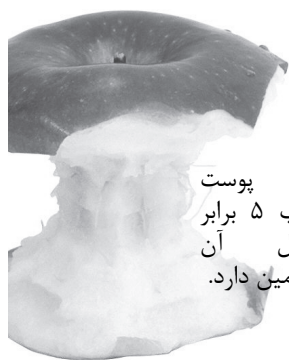
مهمترین فلسفه احکام تسلیم خداوند بودن است. به طور مثال در سر بریدن حضرت اسماعیل(ع) توسط حضرت ابراهیم(ع) به فلسفه ای غیر از ظهور تسلیم در هر دو نمی رسیم

شماره آینده: فلسفه نماز



آیا می دانید... ؟

« بهناز انتظاری



پوست سیب ۵ برابر آن ویتامین دارد.



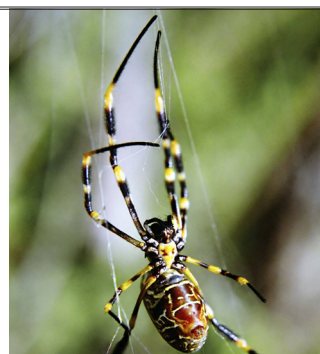
خرس قطبی بزرگ ترین حیوان گوشت خوار خشکی است. وزن نرهای بالغ ۴۰۰ تا ۶۰۰ کیلوگرم و طول پوزه تا دمشان ۲/۴ تا ۲/۶ متر است (گینس ۲۰۰۹)

فعال ترین ماهیچه های بدن ماهیچه هایی از چشم هستند که تقریباً ۱۰۰ هزار بار در روز حرکت می کنند. (گینس ۲۰۰۹)



مسئول ترین وزغ نر: نام وزغ میدوايف اروپای غربی از رفتارهای وزغ نر گرفته شده است. زمانی که وزغ ماده تخم می گذارد وزغ نر با طولی برابر ۷/۵ سانتی متر، پس از بارور کردن تخم ها آنها را بصورت حلقه ای به ارتفاع ۱ تا ۱/۲ متر بر روی ران و پشتش می گذارد و به مدت ۴ هفته به همین صورت حمل می کند تا نوزادان خود را در جای مناسبی رها کند. (گینس ۲۰۰۹)

کوتاه ترین طول عمر در حشرات در راسته ای به نام «یک روزه ها» دیده می شود. یکی از این حشرات به نام Dolania Americana حداکثر پنج دقیقه در این دنیا زندگی می کند! این حشره بیچاره مجبور است در این پنج دقیقه همه کارهایش را انجام دهد. به طوری که در این ۵ دقیقه هم جفتش را پیدا می کند هم ازدواج می کند و هم تخم می گذارد (گینس ۲۰۰۹).



اگر زبان شما به بلندی «خفاش شهید نوش» بود شما قادر بودید به انگشت های پایتان در حالی که صاف و مستقیم ایستاده اید زبان بزنید. این خفاش که ساکن کوه های آند در اکوادور است با توجه به جثه اش در میان پستانداران بلندترین زبان را دارد. طول زبان این پستاندار ۸/۴۹ سانتی متر است که این اندازه در حدود ۱۵۰ درصد از طول بدنش است.

نقره صدها بار بیشتر از سایر مواد ضد عفونی کننده موثر است و ششصد و پنجاه میکروب را از بین می برد!!!

بزرگترین واردکننده اسلحه چین است با اختصاص ۲/۳۱۸/۲۰۰/۰۰۰ میلیارد دلار از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ (گینس ۲۰۰۹)

طولانی ترین چرخه زندگی: لارو یک نوع سوسک چوبخوار به نام Buperstis aurulenta. ۵۱ سال پس از تخم گذاری از تخم خارج می شود! احتمالاً به این خاله سوسکه توی تخم بیشتر از دنیای بیرون خوش می گذرد. (گینس ۲۰۰۹)



آیا می دانید اولین هنرستان فنی در
ایران توسط کورش کبیر در شوش
جهت تعلیم فن و هنر ساخته شد

آیا می دانید اولین ارتش سواره نظام
در دنیا توسط سام ایرانی اختراع شد با
۱۱۵ سرباز

آیا میدانید یک حلزون معمولی ۱۰ هزار
دندان دارد که همه آنها روی زبانش
است

آیا میدانید زنبورها برای جمع کردن ۱
کیلو عسل باید شاهد ۱۰ میلیون گل را
جمع کند

خرس کوالا هرگز
آب نمی نوشد!!
او آب مورد نیاز
خود را با خوردن
برگ گیاهان
تامین می کند.



آیا میدانید شکم عنکبوت آبی آنقدر
کوچک است که روده هایش درون پاهایش
قرار دارد

یک دسته گل سرخ در آسمان

«نجمه دارینی (ریاضی کاربردی - ۸۵)
زیر نظر: سمیه اصغریپور (عضو انجمن نجوم مشهد آسمان توس)»

«اذالسماء انفطرت و اذا
الکواکب انتثرت و اذا البحار
فجرت»
آن زمان که کرات آسمان از
هم شکافته شود و آن زمان که
ستارگان پراکنده شود و فرو
ریزد و آن زمان که دریاها به
هم پیوسته شود. (انفطار آیه ۳-۱)
چندی است پایان جهان ذهن
بسیاری را به خود مشغول
داشته و حتی به وسیله
ای برای رسیدن به اهداف
سیاسی، اقتصادی و حتی
اعتقادی گروهی تبدیل شده
است در این مقاله در ادامه
مطالب شماره های پیشین،
پایان جهان را از دیدگاه علمی
و قرآنی بررسی می کنیم.



خود در چند ده میلیارد سال آینده
به رقیق تر شدن و سرد شدن ادامه
می دهد و در مقیاس کیهانی واقعه
قابل توجهی در آن روی نخواهد داد
اما حادثه هایی که در مقیاس عمومی
چندان مهم نیستند زندگی روزانه راه
شیری ما را پریشان خواهند کرد. ظرف
سه میلیارد سال آینده ابر بزرگ ماژلان
که یک کهکشان کوتوله است و در
حال حاضر از اقماری است که برگرد
راه شیری با فاصله ای حدود ۱۵۰
هزار سال نوری از آن می چرخد، در
کهکشان راه شیری فرو می افتد و راه
شیری در این مورد به یک کهکشان هم
نوع خوار تبدیل می شود. ۷۰۰ میلیون
سال دیگر خواهد گذشت و کهکشان
آندرومرا یعنی همسایه راه شیری نیز
که با سرعت ۹۰ کیلومتر بر ثانیه یک
راست به سوی کهکشان ما می راند به
راه شیری خواهد خورد البته این ضربت
ویرانی زیادی به بار نخواهد آورد زیرا
در میان ستارگان خلأهایی عظیم (به
طور متوسط ۳ سال نوری) وجود دارد.
خورشید مدارش را اندکی تغییر خواهد
داد و مدار سیارات منظومه شمسی نیز

اما به نظر می رسد جرم جهان کمتر
از آن است که در آینده منقبض شود.
برای بررسی وضعیت آینده باید نیروی
گرانش کائنات و یا معادل آن یعنی
چگالی ماده موجود در کائنات را حساب
کنیم.
به لحاظ نظری برای آنکه حرکت
کهکشانها در آینده متوقف یا معکوس
شود این چگالی باید بیش از ۱۰ اتم در
هر مترمکعب باشد اما براساس یک رقم
میانگین در کل فضای قابل مشاهده
در هر مترمکعب فضا حدود ۱/۳ اتم
وجود دارد البته این رقم خیلی دقیق
نیست و دامنه احتمالات به میزان سه
برابر از طرف تغییر می کند یعنی بین
۱- ۰/۱ اتم در هر مترمکعب. (امروزه
بسیاری از پژوهشگران در زمینه
محدود کردن دامنه عدم قطعیت این
رقم فعالیت می کنند.) (۲)

| سرنوشت کهکشانها:

«اذالسماء انشقت»
آن هنگام که کرات آسمانی
شکافته شود. (انشقاق-۱)
کائنات همزمان با گسترش تدریجی

زمین متأسفانه تحفه ای سمی از کار
درآمده است هرگز در آینده مسیر
تکامل کائنات را تغییر ندهد. (۱)

| تا اطلاع ثانوی کائنات باز است

«والسماء بنیناها بائید و انا
لموسعون»
و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم
و همواره آن را وسعت می بخشیم.
(ذاریات-۴۷)

برهان هایی وجود دارد که آیه نشان
می دهد به آسانی نمی توان فکر
گسترش کائنات را کنار گذاشت. همه
کهکشانها از ما دور می شوند و سرعت
آنها متناسب با فاصله ای است که از ما
دارند و این واقعیت که نسبت مذکور
در کلیه جهات یکسان است بارزترین
شاخصه های این گسترش همگون
است. البته نیرویی وجود دارد که در
مقابل انبساط قرار می گیرد و این نیرو
گرانش است؛ ماده ماده را جذب می
کند. لذا گرانش کائنات بر آن است که
روی خود فرو افتد اگر گرانش به اندازه
کافی نیرومند باشد جریان دور شدن
کهکشانها روزی متوقف خواهد شد

برای سفر به کائنات باید قواعد بازی
را رعایت کرد. نخست آنکه پیش بینی
های ما راجع به آینده براساس قوانین
فیزیک امروزی استوار است که باید در
طول این سفر تغییر ناپذیر بماند مثلا
قوه جاذبه نباید در آینده ضعیف شده
باشد. البته ۱۵ میلیارد سال گذشته
(عمر کائنات) نیز این نکته را به ما ثابت
کرده اند که قوانین فیزیکی با گذشت
زمان تغییر نمی کند و دیگر اینکه باید
این شرط را بگذاریم که شعور انسانی
یعنی آن قوه ای که برای محیط زیست

اگر گرانش به اندازه
کافی نیرومند باشد جریان
دور شدن کهکشانها روزی
متوقف خواهد شد اما به
نظر می رسد جرم جهان
کمتر از آن است که
در آینده منقبض شود

به مقدار کم دچار اختلال خواهند شد و شاید خطر زلزله‌ها به میان خواهد آمد اما در مجموع این واقعه آشوب بزرگی پدید نخواهد آورد بلکه واقعه جدی و خطر بزرگ آن چیزی است که حادثه بعدی به وجود خواهد آورد و آن به پایان رسیدن ذخیره هیدروژن خورشید است. (۳)

اگر سرنوشت خورشید؛ یک دسته گل سرخ

«اذا الشمس كورت»

آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود. (تکویر-۱)

سرنوشت نسل بشر در ارتباط تنگاتنگ با سرنوشتی است که آینده برای خورشید رقم خواهد زد. ذخایر هیدروژن خورشید این وعده را به ما می‌دهد که تا حدود ۵ میلیارد سال آینده دیگر دغدغه‌ای نداشته باشیم اما با پیر شدن خورشید در منظومه شمسی تغییرات عمده‌ای روی خواهد داد. خورشید که امروزه سنین بلوغ را می‌گذراند انرژی خود را از فرآیندهای گرما هسته‌ای یعنی از واکنشی که هیدروژن را به هلیوم تبدیل می‌کند به دست می‌آورد. (۴) اما بعد از اتمام ذخایر هیدروژن خورشید به سوزاندن ذخیره هلیوم خویشت روی خواهد آورد این منبع جدید انرژی پیوسته ستاره بزرگ ما را تا حدود ۱۰۰ برابر هیکل کنونی آن متورم خواهد کرد و خورشید به یک غول سرخ مبدل خواهد شد. نخستین قربانیان آن سیاره‌های عطارد و زهره خواهند بود که در پوسته سوزان آن ناپدید خواهند شد و زمینیان خواهند دید که خورشید بخش بزرگی از آسمان (حدود ۱/۵) را با صفحه وسیع سرخ رنگ خود اشغال کرده است تعبیر خداوند در قرآن کریم بسیار زیباست. (۵)

«اذا انشقت السماء فکانت وردة

کالدهان»

پس آن زمان که آسمان منشق شده و تبدیل به قشری از آتش شده و از دور مانند یک دسته گل سرخ دیده شود (الرحمن-۳۷)

این غول سرخ کره خاکی ما را با حرارتی حدود ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد داغ خواهد کرد. ۵۰ میلیون سال بعد ذخیره هلیوم نیز به نوبه خود تمام خواهد شد و دوران سوزاندن کربن تا آن نیز کمتر از آن به درازا خواهد کشید و پس از آن خورشید خاموش خواهد شد و آنچه از خود باقی خواهد گذاشت یک کوتوله سپید است که بی رحمانه روبرو سرد شدن خواهد گذاشت. در این مرحله خورشید کوچکتر خواهد شد حتی کوچکتر از کره زمین و این جمع شدن و پیچیده شدن خورشید است که در آیه ۱ سوره تکویر خداوند قادر

و متعال به آن اشاره کرده است. رنگ خورشید تغییر کرده آبی و یا سفید خواهد شد روشنی خورشید به یک هزارم روشنی کنونی اش خواهد رسید و در چشم ناظر فرضی زمینی چون نقطه‌ای نورانی به نظر خواهد آمد و نه یک قرص بعد از آن خورشید مسیر خود را تا تبدیل شدن به یک کوتوله سیاه ادامه خواهد داد. (۶)

اگر سرنوشت ستارگان؛ شب دراز

«و اذا الكواكب انتثرت»

و آن گاه که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند. (انفطار-۲)

ستارگان دیگر نیز دیر یا زود سرنوشتی نظیر خورشید خواهند داشت ستاره شناسان از مشاهدات متعدد و مطالعات دقیق درباره ستارگان نتیجه گرفتند که جرم ستارگان نه تنها بر اثر تشعشع نورانی و گرما تقلیل می‌یابد بلکه در اثر ارسال ذرات اتمی و الکترونها نیز نقصان می‌پذیرد. (۷) بنابراین روزی فرا خواهد رسید که اختران و ستارگان به خاموشی گرایند.

اگر نظم جهانی

آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند (موسلات-۸)

و چون ستارگان هر کدام تابع یک سلسله قوانین و انتظامات تخلف ناپذیرند در سرنوشت جهان تأثیر به‌سزایی خواهند داشت.



چنانکه «فلاماریون» ستاره شناس معروف می‌گوید «پیدایش شکوه و جلال حیات در نتیجه تبعیت منظومه شمسی از نیروی جاذبه عمومی و گریز از مرکز است زیرا جاذبه عمومی همه اجزا این جهان را از اتم گرفته تا ستاره به یکدیگر مربوط ساخته و مسیر و حرکت آنها را به کمک نیروی گریز از مرکز تحت کنترل و نظم درآورده و در نتیجه یک نظم جهانی در سراسر عالم برقرار ساخته است ولی خواه ناخواه این نظم به هم خواهد ریخت و مرگ ستارگان نیز فرا خواهد رسید و اختران همچون دانه‌های غلطان گلوبند از هم پاشیده و پراکنده گشته پا به فرار خواهند گذاشت. (۸)

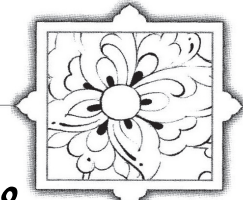
اگر پایان زمین

سرنوشت زمین در گرو خورشید است تغییرات گسترده خورشید زمین را دگرگون خواهد کرد و بر هر یک از اجزای آن از کوه‌ها، اقیانوسها، گیاهان و از همه مهم‌تر بشر تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. در شماره بعد به تفصیل به این مهم خواهیم پرداخت.

منابع:

- ۱- ترین خوان دوان/ آهنگ پنهان/ دکتر مهدی سمسار/ چاپ اول ۱۳۷۷/ انتشارات روزبهان/ ص ۲۶۸
- ۲- اوپر ریزو/ اتم‌های سکوت/ ترجمه عباس مخبر/ نشر مرکز/ چاپ اول ۱۳۸۱ ص ۶۲
- ۳- آهنگ پنهان ص ۲۶۹
- ۴- مایردگانی/ نجوم به زبان ساده ص ۱۳۷۸/ محمدرضا خواجه پورا/ چاپ دوم ۱۳۸۶/ نشر هامون
- ۵- آهنگ پنهان ۶- همان
- ۷- به نقل از کتاب ساختمان خورشید تألیف آماسویچ
- ۸- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی/ قرآن و طبیعت، گذشته و آینده جهان/ ۱۳۷۶/ نشر زکات علم ص ۱۳۹
- ۹- اتم‌های سکوت ص ۱۸۰
- ۱۰- ناصر مکارم شیرازی/ تفسیر نمونه/ ج ۲۶/ چاپ ۲۱/ ۱۳۷۹/ انتشارات دارالکتاب الاسلامیه/ ص ۲۹۷
- ۱۱- همان ص ۳۲

شماره آینده: در «کما» چه دیدیم؟



تأملی در گستره‌ی دانش امام علی (ع)

دُرّ نادره دوران

رویا مهاجر (فقه و حقوق ۸۸)
الهام مرادی (مدیریت بازرگانی)



آینه‌ای از عدالت و محبت با وابستگی به الله تعالی، از علی بن ابیطالب شخصیتی ساخته که دُرّ نادره دوران است.

براساس تحقیقات همه جانبه‌ای که از آغاز ظهور اسلام تاکنون درباره شخصیت این بزرگوار چه توسط مشاهده‌کنندگان معاصر و چه بعدها توسط متفکران صاحب نظر اسلامی و دیگر ملل - صورت گرفته است، این حقیقت پذیرفته شده که: شخصیت علی (ع) چنان که در قلمرو مکتب‌های الهی (غیر از نبوت) در ردیف پیامبرانی مانند ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) (صاحبان رسالت کلی) قرار دارد، در قلمرو پیشتازان کاروانیان انسانی که تکامل در انسانیت را هدف گیری نموده اند، در صف اول جا گرفته است. علی (ع) پیامبر نیست و خضوع و تسلیمش در برابر پیامبر اسلام و ایمان راستین او به خاتم پیامبران (ص) چیزی نیست که کمترین تردیدی در آن راه داشته باشد. ۱

علی در نگاه فرق و مذاهب

• شبلی شملیل (از پیشتازان مادی گری):

«پیشوا علی بن ابیطالب (ع)، بزرگ بزرگان، یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه در امروز، صورتی مطابق این نسخه ندیده است. ۲»

• جبران خلیل جبران، (نویسنده و متفکر انسانی مسیحی):

«علی (ع) چشم از این جهان پوشید مانند پیامبرانی که در جوامع بشری مبعوث می شدند که گنجایش آن پیامبران را نداشتند و به مردمی وارد می شدند که شایسته آن پیامبران نبودند و در زمانی ظهور می کردند که زمان آنان نبود خدا را در این کار حکمتی است که خود دانایتر است. ۳»

• ایلیا پاولیچ پتروشفسکی (استاد دانشگاه لنینگراد):

«علی (ع) پرورده محمد (ص) و عمیقاً به وی و امر اسلام وفادار بود. علی تا سرحد شوق و عشق پایبند دین بود. صادق و درستکار. در امور اخلاقی بسیار خرده گیر و از نامجویی و مال پرستی به دور و بی تردید هم مردی سلحشور بود و هم شاعر و تمام صفات لازمه اولیاء... در وجودش جمع بود. ۴»

• ابن ابی الحدید (از مطلع ترین علماء اهل سنت و متفکر در فلسفه و کلام و تاریخ اسلام): «امتیازهای انسانی علی (ع) از لحاظ عظمت و جلال و شهرت در آن حد اعلاست که شرح کردن و بحث و تفصیل دادن آنها ناروا و بیهوده است، ... من چه بگویم در حق مردی که دشمنانش نتوانستند عظمت

گذشته و آینده به ایشان (پیامبر ص) آموخته بود و هر کتابی را که خداوند بر هر کدام از پیامبران قبل از وی آموخته بود و هر کتابی را که خداوند بر هر کدام از پیامبران قبل، درباره اطاعت و معصیت، فرو فرستاده بود، از من فروگذار نکرد و آن را به من آموخت. آن گاه دست خویش را بر سینه ام نهاد و از... خواست که دلم را از دانش و فهم و حکمت و نور پراسازد. ۸

علی به تصریح روایات، تمامت «علم کتاب» را در اختیار داشت که اندکی از آن به «أصف بن برخیا» قدرت داده بود تا تحت بلیقیس را که فرسنگ‌ها از سلیمان دور بود، در کمتر از یک چشم به هم زدن نزد او حاضر کند. اکنون باید نیک تأمل کرد و اندیشید که این گستره دانش تا کجاست؟ گستره دانش او در هاله‌ای از ابهام مانده و خواهد ماند. چرا که پیامبر (ص) فرمود: «جز من کسی خدا را به درستی نشناخت و جز من و خدا کسی تو را (ای علی) درست نشناخت. ۹»

ها و فضایل او را منکر شوند و همه آنها به برتری شخصیت او اعتراف کردند... من چه بگویم درباره مردی که همه فضیلت‌ها به او منتهی می شود و هر مکتب و گروهی خود را به او منسوب می سازد. آری اوست رئیس همه فضیلتها. ۵

گستره علم حضرت علی (ع)

تأمل در گستره دانش امام علی (ع) بسی شگفت آور است. قلم، آنگاه که می خواهد درباره دانش علی (ع) حقیقتی را رقم زند و واقعیتی را برنماید، در برابر دریایی موج خیز و ناپیدا کرانه قرار گیرد. رسول اکرم (ص): «من شهر دانشم و علی، دروازه آن است و آیا به شهر جز از دروازه آن داخل می شوند؟ ۶» علی (ع): «به یقین می دانید که من با پیامبر... (ص) نشست‌های خصوصی‌ای داشتم که جز من، هیچ کس بر محتوای آنها آگاهی ندارد. ۷» «آنچه را خداوند از حلال و حرام، امر و نهی، و

الف. روان شناسی بالینی (درمانی): امام علی(ع)

در چهارده قرن پیش، هم به بیماری روانی اشاره فرمود و هم راه درمان را معرفی کرد که: «همانا این قلبها افسرده می شوند چنان که بدن ها خسته و افسرده می شوند، پس برای درمان افسردگی روح از سخنان حکمت آمیز و زیبا استفاده کنید.» ۱۰
که امروزه باگوش دادن سخنان اخلاقی، عرفانی، پند و اندرزهای حکیمانه، تلقین با عبارات حساب شده درمان افسردگی روح، تحقق می یابد که فرمود: «همانا سخنان دانشمندان اگر درست باشد داروی شفا بخش است.» ۱۱

ب. علم روان شناسی کودک: بسیاری نیازها

و نیازمندی های یتیمان را از دیدگاه امور مادی می نگرند، که باید دارای مسکن و همسر و لباس و تغذیه مناسب شوند. اما حضرت امیرالمؤمنین(ع) به همان اندازه ای که به احتیاجات مادی و جسمی یتیمان فکر می کرد، به رفع نیازها و کمبودهای روانی آنها نیز می اندیشید تا دچار عقده های روانی،



یا کمبودهای عاطفی نگرند. امام علی(ع) یتیمان را دور خود جمع می کرد و با انواع بازی ها، آنها را شاد می کرده و می خنداند. امام علی(ع) به نکات ظریفی توجه می کرد که امروز در علم روان شناسی، روان شناسی کودک و روان شناسی تربیتی بسیار مورد توجه است. زیرا روان شناسان می گویند: علل بزهکاری فرزندان که پدر و مادر را از دست دادند کمبودهای عاطفی است.

ج. آمادگی روانی و شناخت حالات روح: از نظر

روان شناسی، روح آدمی حالات گوناگون دارد. اگر انسان، ویژگی های روانی خود و دیگران را بشناسد و متناسب با حالت پذیرش و شادابی روان آدمی، دست به کار بزند حتما موفق خواهد شد که امام علی(ع) این نکته روانی را در چهارده قرن قبل تذکر داد: «همانا روح آدمی حالت شادابی و پذیرش، و افسردگی و امتناع دارد، پس در حالت شادابی و پذیرش اقدام به کارهای مورد علاقه کنید، زیرا اگر

حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «برای استفاده از نور آفتاب، در نشست به آفتاب قرار گیرید، اما اگر رو به آفتاب بنشینید یا کار کنید دردهای پنهانی بدن را ظاهر می کند.»

قلب به کاری مجبور گردد، دچار کوری و ناآگاهی می گردد.» [حکمت ۱۹۳ نهج البلاغه]

د- تفاوت روان شناسی زن و مرد:

روان شناسان عصر ما امروزه به حقایق از تفاوت های زن و مرد پی برده اند که سبب شده روان شناسی زنان را جدای از مردان ارزیابی کنند درحالی که حضرت امیرالمؤمنین(ع) در چهارده قرن قبل به آن اشاره فرمود.

برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت ترین اخلاق مردان است، مانند تکبر و به خود بالیدن، ترس، بخل هر گاه زنی متکبر باشد، بیگانه رابه حریم خود راه ندهد، و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را نگهبان است و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می گیرد. [حکمت ۲۳۴ نهج البلاغه]

علم فیزیک در کلام امیرالمؤمنین(ع)

«هر شنونده ای غیر از او، از شنیدن صداهای زیر، ناشنواست و صداهای بم، او را ناشنوا می سازد.» [نهج البلاغه، خطبه ۶۵]

دانش جدید، امکان بهره گیری از امواج صوتی را فراهم آورده است، گوش انسان، توان گیرایی مقدار معینی از امواج صوتی را دارد که بین ۲۰ موج در ثانیه تا ۲۰ هزار موج و اگر کمتر از این باشد، گوش ما قادر به شنیدن نیست.

امام علی(ع): «هر بیننده ای جز او، در [دیدن] رنگ های نهان و اجسام بسیار ظریف، نابیناست. [نهج البلاغه، خطبه ۶۵]

بسیاری از حیوانات، رنگها را نمی بینند، بلکه تنها دو رنگ سفید و سیاه را می بینند، اما انسان، هفت رنگ طیف قابل دید را که امواج آنها بین ۰.۰۴ میکرون (بنفش) تا ۰.۰۶ میکرون (قرمز) است. می بیند، ولی رنگ هایی که طول موج آنها از این محدوده بیرون است، انسان قادر به دیدن آنها نیست، (از قبیل اشعه ماورای بنفش و اشعه مادون قرمز). اما زنبور عسل (به قدرت خدا) توان تشخیص هفت رنگ سفید متفاوت را دارد که انسان همه آنها را یک رنگ (سفید) می بیند.

امام علی(ع) هنگامی که کنار نهر فرات نشسته بود با چوب به آب اشاره کرد و فرمود: اگر می خواستم، می توانستم برای شما از آب، نور و آتش ایجاد کنم. (تصنیف نهج البلاغه ص ۷۸۲)

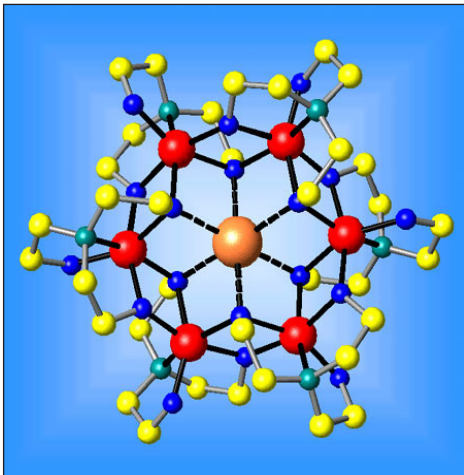
اتم شناسی

امام علی(ع): «اما جمادات، او به قدرت خود، آنها را نگه داشته است و به هم پیوسته های آنها را حفظ کرده تا از هم نگریزند و از هم گریزان های آنها را نگه داشته تا به هم نچسبند.» ۱۲

امام علی(ع): «اشیا را در کجی نگه داشته، و حدود آنها را مشخص کرده است و به قدرت خود، بین متضادهای آنها هماهنگی به وجود آورده و وسیله نزدیکی آنها را فراهم کرده است.» (نهج البلاغه خطبه ۹۱؛ بحارالانوار ۱۷/۳۱۹/۷۷)

اگر پژوهشگری این سخنان امام علی(ع) را و شرح آیه ۴۹ سوره ذاریات با دقت ملاحظه کند، با شگفتی خواهد دید که او چهارده قرن پیش از دانشمندان امروز، با اسرار اتم، آشنا بوده است، در احادیث این

باب، امام(ع) ترکیب الکترونها و پروتون ها و رابطه آنها را به طور دقیق، مشخص نموده است. ۱۳



سخنان میکروسکوپی

امروزه پس از کشف میکروب و راه یابی انسان به دنیای نادیدنی و حساس میکروب ها و تک سلولی ها، تازه دانستند که «میکروب های هوا خوار» در آب وجود دارند. که عامل سلامت آب می باشند. و اسید و مواد اسیدی، کشنده آنهاست. اما در ۱۴ قرن قبل؛ امام علی(ع) فرمود: «در آب ادرار نکنید، زیرا آب موجودات زنده ای دارد که نباید به آنها آسیب رسانید. ۱۴

آسیب های آفتاب

استفاده از نور آفتاب، تأثیر فراوانی در سلامت انسان دارد، اما باید روش صحیح بهره وری از نور آفتاب را دانست. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «برای استفاده از نور آفتاب، در نشستن پشت به آفتاب قرار گیرید، اما اگر رو به آفتاب بنشینید یا کار کنید دردهای پنهانی بدن را ظاهر می کند.» امروزه نیز برخی از بیماری ها به خصوص بیماری های پوستی را به «آفتاب زدگی» ارتباط می دهند، پس هم باید از نور آفتاب استفاده کرد و هم باید احتیاط های لازم را از یاد نبرد.

منابع:

- ۱ - علامه جعفری، نهج البلاغه، به نشر، ۱۳۸۲، چاپ سوم، ص ۲۰
- ۲ - همان؛ جرج جرداق، صوت العدالة الانسانیة، ص ۱۹
- ۳ - همان؛ عبدالفتاح عبدالمقصود، الامام علی، ج اول مقدمه
- ۴ - همان؛ بطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کشاورز، ۵۰/۴۹
- ۵ - همان؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه
- ۶ - تاریخ دمشق، بدایه النهایه، الخصال، الامالی، کنز العمال...
- ۷ - نهج البلاغه، حکمتها
- ۸ - الکافی، ۱/۶۴۱، الخصال ۱۳۱/۲۵۷
- ۹ - محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین ج ۸ ص ۱۷۸
- ۱۰ - نهج البلاغه حکمت ۹۱
- ۱۱ - همان، حکمت ۲۶۵
- ۱۲ - عیون الاخبار الرضا ۳۰/۲۸۲/۱؛ علل شرایع ۳/۴۱۶



گوشه ای از جنایات وهابیان بر ضد مسلمانان بای ذنب قتلت ...

«از ابتدا وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلامی و ایجاد پایگاهی مثل اسرائیل بوجود آوردند. الان ابن سلاطینی که در بقعه الاسلام وهابی هستند از اینکه رفاقت خودشان را با سیاستهای دشمن اسلام (آمریکا) تصریح کنند، ابائی ندارند. مقام معظم رهبری

در شماره گذشته به مراحل شکل گیری و پیدایش وهابیت در دولت عربستان که حاصل ائتلاف دو خانواده آل شیخ (محمد بن عبدالوهاب) و آل سعود بود اشاره شد. وهابیون پس از حمایت‌های وسیع بریتانیا و آل سعود قدرتمند شده و به جنایات هولناکی دست زدند که در این شماره به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.



بارگاه های ائمه بقیع (ع) قبل از تخریب



وهابیان در سال ۱۲۲۵ ه. ق به فرماندهی عبدا... بن سعود به سرزمین خوران در خاک سوریه حمله کردند و دارای مردم را به غارت بردند، کشتزارها را سوزاندند، زنان را اسیر و کودکان را به قتل رساندند، خانه‌ها را ویران و گروهی را آواره بیابانها ساختند.

افترا به شیعیان؛ ازدواج با مادر!!!

از جمله جنایات دیگر وهابیت دروغ پردازیهای گستاخانه بر علیه شیعه است که به ذکر چند نمونه آن می‌پردازیم.

- * زنان شیعه همانند زنان یهود عده نگه نمی‌دارند.
- * شیعه همانند یهود اموال دیگران را بر خود حلال می‌شمرند.
- * شیعیان ازدواج با مادر را یک نوع نیکی به پدر و مادر می‌شمارند و وسیله‌ای برای تقرب به خداوند متعال می‌دانند.

جالب است بدانید در حج ۱۳۸۱ ده میلیون و ۶۸۵ هزار جلد کتاب به ۲۰ زبان زنده دنیا که غالباً ضد شیعه بوده در میان زائران خانه خدا پخش شده است. اینها نمونه‌هایی از جنایات وهابیان بر ضد مسلمانان بویژه شیعیان است که با ویرانی آثار اسلامی و مشاھر مشرفه (مانند ویرانی بقیع و حمله‌های پی در پی به کربلا و نجف) و به خاک و خون کشیدن مسلمانان، ننگ ابدی را به جان خود خریدند. از این رو، این گروه پیوسته مورد نفرت مسلمانان و پیروان راستین پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بوده و هستند.

ها و مساجد حمله کردند و هر کس را یافتند- حتی گروهی را که در حال رکوع و سجود بودند- کشتند.

تخریب قبور در مکه

حمله به مکه و ویرانی قبرها و بارگاه ها و کشتار بی رحمانه: سپاه وهابیان به فرماندهی امیر مسعود در هشتم محرم سال ۱۲۱۸ ه. ق وارد مکه شد و آنجا را اشغال کرد. مردم مکه که پیش تر خبر جنایت وهابی‌ها را در طائف شنیده بودند از تکرار آن فاجعه ترسیدند و سلطه آنها را پذیرفتند. آنگاه امیر مسعود از آنان خواست که قبه‌ها و بارگاه‌هایی را که بر قبور ساخته‌اند، با دست خود ویران کنند از جمله قبور ابوطالب، عبدالمطلب و فرزندان پیامبر و نیز گنبد زادگاه پیامبر، علی و خدیجه (س) را ویران کردند.

تخریب بارگاه‌های بقیع

حمله به مدینه النبوی (ص) و ویرانی بارگاه‌های ائمه بقیع (ع): وهابیان به دستور امیر مسعود در سال ۱۲۲۰ ه. ق به مدینه حمله کردند و پس از یک سال و نیم محاصره، شهر را به اشغال در آوردند و مردم را از زیارت مرقد مطهر پیامبر و بزرگان مدفون در بقیع باز داشتند. آنگاه امیر مسعود به وهابیان دستور داد تا آثار و قبور بقیع را ویران کنند. از جمله قبور چهار امام معصوم (امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق (ع) و همچنین قبر عبدا... پدر پیامبر اسلام را خراب کردند.

حمله به سوریه و مسقط

غارت سنگ قبر امام حسین (ع)

حمله به عراق: براساس نقل صلاح الدین مختاری (از نویسندگان وهابی) وهابی‌ها به فرماندهی امیر مسعود در سال ۱۲۱۶ ه. ق با لشکری عظیم به سوی عراق حرکت کردند. آنان در ماه ذی القعدة به شهر کربلا رسیدند و آنجا را محاصره کردند و بسیاری از اهل آنجا را در کوچه و بازار و خانه‌ها کشتند، سپس متوجه حرم مطهر امام حسین (ع) شده و خزائن آن را که مملو از اموال و اشیاء نفیس بود غارت کرده و گنبد حرم را خراب کردند و جواهرهای حرم را به چپاول بردند و سنگ روی قبر را که با دانه‌های زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر آراسته شده بود، کردند.

کربلا پس از حمله امیر سعودی به وضعی در آمد که شعرا برای آن مرثیه می‌گفتند.

پس از آن به نجف حمله کردند که حملات پی در پی آنها به شهر نجف با ناامیدی تمام به شکست و خواری انجامید و در مدت نزدیک به ۱۰ سال، چندین بار شدیدترین حمله‌ها را به این دو شهر (کربلا و نجف) انجام دادند.

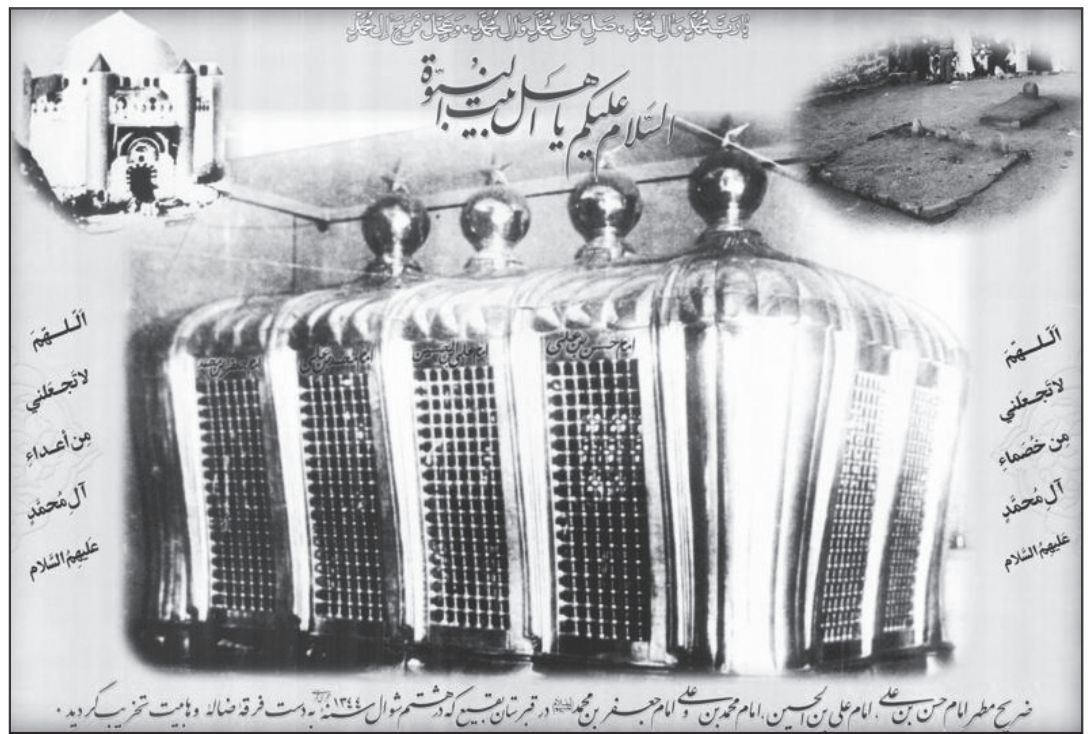
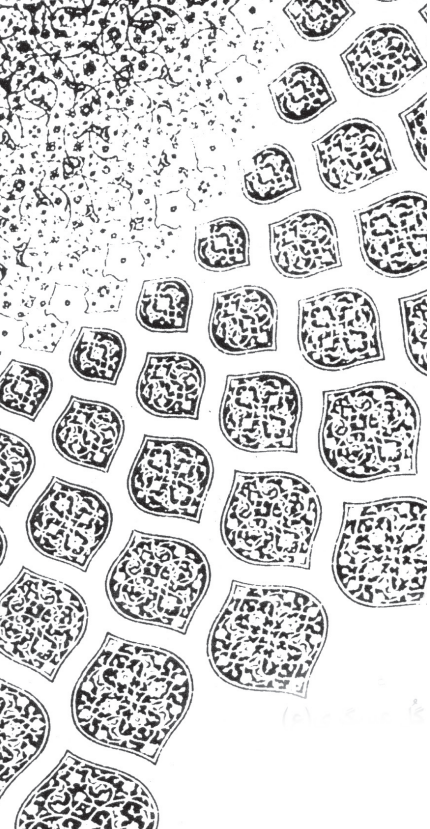
حمله به طائف

سپاه وهابیان در ذی القعدة سال ۱۲۱۷ ه. ق به دستور عبدالعزیز به شهر طائف در دوازده فرسنگی مکه حمله کردند و به قتل عام مردم پرداختند. طفل شیرخوار را روی سینه مادرش سر بردند. جمعی را که مشغول فراگرفتن قرآن بودند، کشتند و چون در خانه‌ها، کسی باقی نماند، به مغازه

وقتی لؤلؤ به خاک افتاد :
جدیدترین جنایت وهابیان که اخیراً اتفاق افتاد ، لشکرکشی عربستان به کشور بحرین و به خاک و خون کشیدن ، ربودن و شکنجه‌ی مردم و به آتش کشیدن مساجد و قرآن‌ها می‌باشد . آنها با اشاره‌ی اربابان غربی خود ، صفحه‌ی سیاه دیگری به تاریخ ننگینشان افزودند تا خوش خدمتی دیگری کرده و پایه‌های خود را سست تر نمایند .

منابع :

- محمدحسین قزوینی - وهابیت از منظر عقل و شرع - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - تبارشناسی و جریان‌شناسی وهابیت
- آیت الله سبحانی ، آیین وهابیت



اشیعه، مشرک؟!!

وهابیون در طول سالهای متمادی سعی داشتند اندیشه های متحجرانه ی خود را به خورد افکار عمومی داده و آنها که ایشان را نمی پذیرند تکفیر نمایند. مشرک دانستن شیعه یکی از مواردیست که علماء با پاسخهای مستند و کامل در صدد پاسخگویی به آنان برآمدند. در این مجال کوتاه به یکی از این موارد اشاره می شود.

پرسش: آیا خواندن نماز زیارت در حرم امامان، یا بوسیدن ضریح و قبور ائمه، سزاوار یک موحد مسلمان است و این گونه اعمال مرده پرستی و شرک نمی باشد؟

در آن هنگام یوسف به پدرش گفت: این تعبیر خوابی است که قبلاً دیده ام و پروردگار آن خواب (در ابتدای همین سوره خبر می دهد که یوسف به پدرش گفت: خواب دیده ام که آفتاب و ماه و یازده ستاره مرا سجده می کردند. حضرت یعقوب چنین تعبیر کرد که به زودی به مقام بزرگی خواهی رسید و پدر و مادر و یازده برادر تو را تعظیم خواهند کرد) را محقق گردانید.» (یوسف-۱۰۰) در مقابل این عمل نه حضرت یوسف و نه پدرشان حضرت یعقوب آنها را منع نکرده اند.

منبع:

ن. س. صناعی- س. ح. صناعی، پاسخ به شبهات در شبهات پیشاور

نمازهای یومیه را داشته باشد و عیناً مانند آنها باشد، یعنی هم قره الی ... و هم روبه قبله باشد. در حال خواندن چنین نماز هدیه ای با شرایط فوق، چه نشانه ای از شرک می توان یافت؟ اما درباره بوسیدن ضریح و قبور ائمه که بسیاری از مخالفان شیعه آن را حمله بر سجده می کنند باید گفت: اولاً «اعمال هر کسی در گرو نیت او می باشد»
«انما الاعمال بالنیات»

بوسیدن ضریح و قبور ائمه به قصد سجده بر آنها نیست بلکه برای اظهار شدت و کثرت علاقه و محبت آنهاست. بنابراین، این کار به منزله تکریم و تعظیم آنهاست و هیچ شیعه ای به قصد و نیت خدا بودن یا شریک برای خدا قرار دادن، هرگز این چنین بر روی خاک نمی افتد. (هر چند شایسته نیست با چنین حالتی که مخصوص خدای متعال است در برابر و مقابل غیر خدا و بدون نیت قرار گیرد) اگر این گونه اعمال شرک و کفر می بود پیامبران گذشته چنین کارهایی را انجام نمی دادند.

همانطور که می دانید قبلاً در زمان حضرت یوسف و یعقوب(ع) که هر دو پیامبر الهی بوده اند، این گونه کارها انجام می شده است در آیه ۱۰۰ سوره یوسف قرآن مجید می فرماید: پدر و مادر را بر تخت نشانند و آنگاه به خاک افتادند و او را سجده نمودند.

آیا به هنگام دیدار دوست، بردن هدیه ای هر چند کوچک، کار زشتی بوده و نشانه ای از شرک در آن است؟
آیا در هنگام ملاقات و دیدار یکی از عزیزانی که مدتی است او را ندیده اید، روبروسی و مصافحه نشانه پرستش آن فرد می باشد و کار زشت و ناپسندی است؟
حال هنگامی که به دیدار یکی از دوستان یا بستگان متوفی خود می روید، چه هدیه ای می توان برایش برد؟
آیا می توان باز همان گل، کتاب، کمپوت و میوه را برای او برد؟ یا اینکه با قرآن خواندن، صلوات فرستادن، دعا کردن، ذکر و نماز خواندن و... برایش خیرات می فرستید؟ به دلیل آشکار و واضح بودن پاسخ این سؤال، توصیه شده است تا برای ارواح والدین و مؤمنین نماز هدیه نمایند.
نماز هدیه باید دقیقاً ویژگی بقیه

بوسیدن ضریح و قبور ائمه به قصد سجده بر آنها نیست بلکه برای اظهار شدت و کثرت علاقه و محبت به آنهاست. بنابراین، این کار به منزله تکریم و تعظیم آنهاست



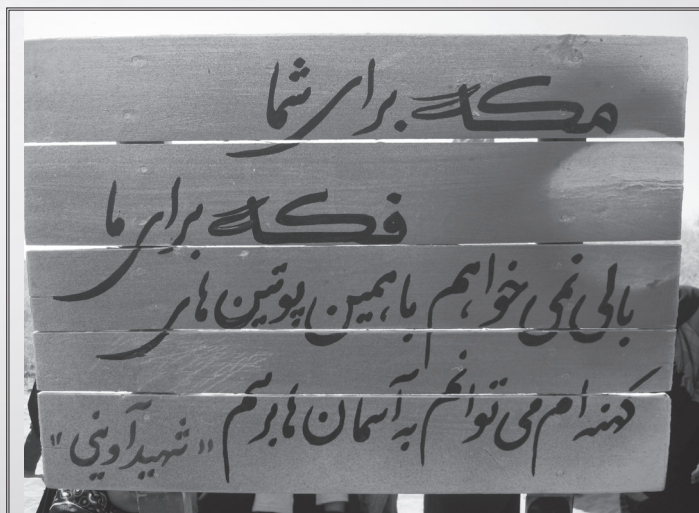
با راهیان

الْبومِ گنجینه

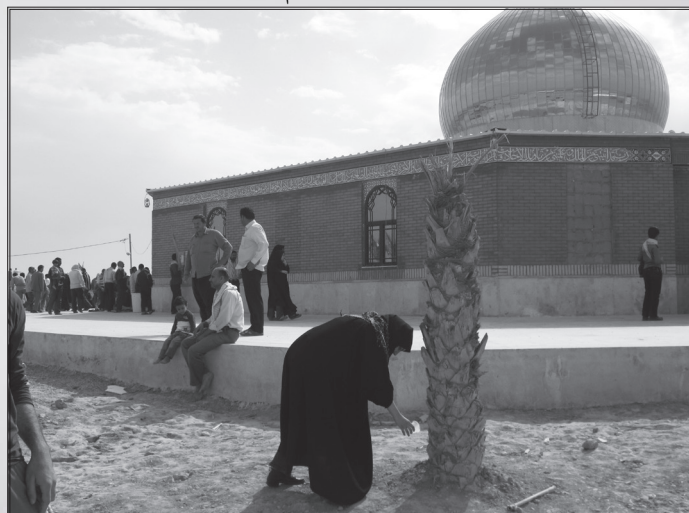


فکه، گرما، احساس

طلائیه: نخلهای خشکیده ات را سبز خواهیم کرد.



ای کاش مکه ام را با فکه ات عوض می کردم



گنجینه از بین تصاویر ارسالی شما به ایمیل نشریه، تعدادی را با نام خودتان چاپ خواهد کرد.

ن نور

« سوده اقبال



ما همه رزمنده ایم

همه آمده بودند !!



حفظ سنگرهای دیروز؛ با حجاب امروز



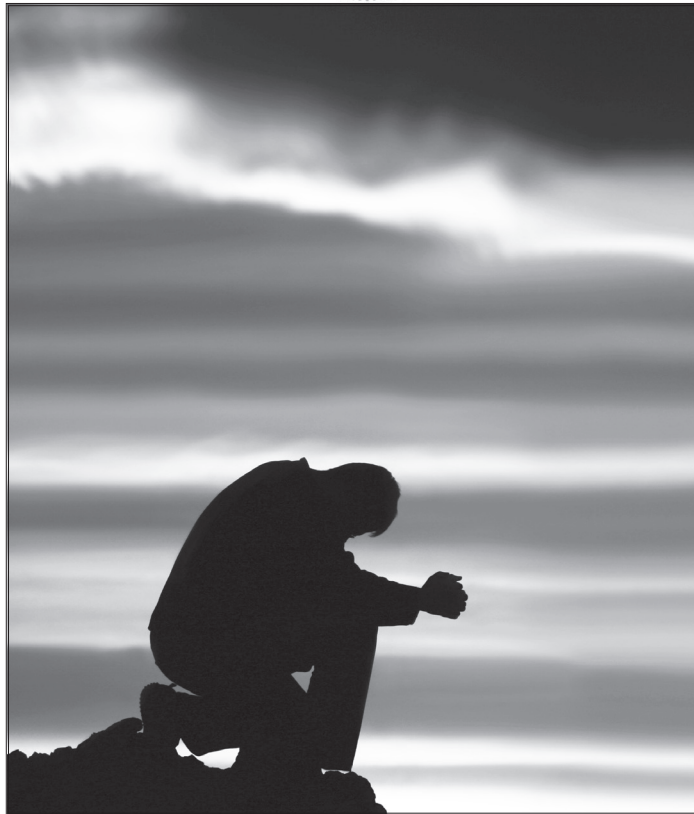
عزیزان می روند نوبت به نوبت

بدون شرح



فلسفه وجود مصائب رزینس

« زهرا رستگار مقدم (کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق - مشاور و محقق)



مجموعه معارف ناب دینی، به ما این حقیقت گران بها را می آموزد که آفرینش؛ سبزه زار، خوردن و نوشیدن، ساحل تفریح و شادی و تالار قهقهه، به درستی نیست (ما خلقت الجن والانس الایعبدون) بلکه چونان آموزشگاهی است شبانه روزی که برای تمامی لحظه ها برنامه ای مشخص داشته و تمامی تکلیف و تفریح آن سنجیده و دقیق است؛ گاه فراوانی نعمتها به چشم می خورد تا میزان شکر و سپاس انسانها معلوم شود و زمانی هجوم سختیها و مصایب، تلخ کامی و اندوه به همراه می آورد تا مقدار صبر و بردباری آشکار گردد و در این فراز و فرودها عیار ایمان و استقامت کسانی که خود را در مسیر بندگی می دانند و نسبت به پیشوایان معصوم (ع) اظهار عشق و دلدادگی می کنند، دیده می شود ۱.

انواع بلاها در قرآن و حدیث

آنچه در آئینه قرآن و احادیث معصومان (ع) در این باره می یابیم همچون آیه « و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفوس و الثمرات و بشر الصابرين » (بقره - ۱۵۵) به بلاهایی چون بیماری جسمی، مصایب خانوادگی یا داغ عزیز، فقر، دشواریهای مالی، اندوهگینی دل، بازداشتن از خواسته ها و خوشی، قرار گرفتن در تیررس دشمنان، تلخی در ایام زندگی، رنج، افتادن در سختی های دنیا و... بسیار پرداخته شده است.

برخی از مهم ترین دلایل وجود مصائب

با توجه به این مقدمه باید دید چه آثار مثبت و پسندیده ای در هجوم مصایب و بلاها وجود دارد، امتحان و تکامل فلسفه کلی فرود بلاها و تلخیها در معارف دانسته شده، واز بزرگترین آثار

ایمانها سنجیده شده و مجاهدان وارسته و منافقان وارفته در صحنه های دشوار زندگی برای تمامی خداجویان شیفته، معرفی شوند. (محمد - ۳۱)

رسول اکرم (ص) بخش دیگر از بلاها را پس از ادب سازی ظالمان، امتحان همگان دانسته و فرموده اند: «ان البلاء لظالم ادب و للمومن امتحان» ۲ بلاها برای ظالم ادب و برای مؤمن امتحان است.

البته باید متذکر شد که بخش عظیمی از بلاها دستاورد گفتار و رفتار و پندار آدمی است «و ما اصابکم من مصیبه فیما کسبت ایدکم و یعفوا عن کثیر» سوره شوری آیه ۳۰ که در پس پرده قوانین، علت و معلول و عمل و عکس العمل به چشم می خورد.

رنجها و غصه ها را با تحمل و شکیبایی به قله ای فراتر از صبر رسانده و راضی به رضای پروردگار شود، تا ذره ای از زحماتش دچار توفان کفران نعمتها و خسران زحمتها نگردد.

بلا پاکسازی از تیرگی گناه، بیداری از خواب غفلت و توبه به خداوند و فراهم سازی زمینه تکامل روحی و معنوی و ایجاد شکیبایی و تمرین بردباری است.

چگونگی پیشگیری از بلاها و مصایب

بلاها در زندگی همانند موج خروشان و سیل ویرانگر ترسیم شده، که از بالای بلندیهای عمر و دامنه های زمان به سوی مؤمنان حرکت می کند «الدنیا محفوفه بالبلا» و «لقد خلقنا الانسان فی کبد» (بلد - ۴)

آنچه بسان سدی آهنین از هرگونه اندوه و مصیبتی پیشگیری می نماید، دعای با اخلاص است. دعاهاى افراد در هنگام رفاه و ذکر و توسل هنگام آسایش و آرامش در جلوگیری از ناملایمات و سختیها، مؤثر واقع می

شود.

در هنگامه ی بلا چه کنیم؟

سفارش در هنگام مصیبت این است که به خداوند پناه ببریم و از او مدد بجوییم

« الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون »

(بقره - ۱۵۶)

دومین دستگیره ای که با چنگ زدن به آن می توان از امواج بلا در امان ماند، استغفار است که امیر مؤمنان حضرت علی (ع) می فرماید: « بر روی زمین دو امان و وسیله نجات از عذاب الهی بود، که یکی از آنها برداشته شد دومی را دریابید و به آن متمسک شوید اما امانی که برداشته شد «رسول...» (ص) بود و اما امانی که باقی مانده است استغفار است. ۳»



| بهترین دعا برای رفع بلا

رسول خدا(ص) بهترین دعا را استغفار دانسته و بهترین استغفار، بازگشت از گناهان و پشیمانی معرفی کرده است و فرمودند: «کسی که غصه‌ها و اندوه هایش فراوان است، استغفار کند تا بوی بد گناهان زوده و آثار آنها که از آن جمله نزول بلا و استمرار غصه‌هاست برطرف شود.» ۴

و در سخنان پندآموز ائمه معصومین(ع) صدقه، دفع دردها و غصه‌ها و گرفتاریها و دوایی نجات بخش ذکر شده است (رسول اکرم (ص)) ۵

که قضای حتمی الهی را برطرف سازد و آتش عذاب الهی را دور می‌کند. فقر را زدوده عمر را طولانی و هفت نوع مرگ او را، برطرف می‌سازد.

| افراد در مواجهه با مشکلات

روان‌شناسان معتقدند که افراد نسبت به مسائل و مشکلات سه نوع رفتار از خود بروز می‌دهند اول افرادی که آن قدر تحت تأثیر مسائل قرار می‌گیرند که دیگر از اثرات آنها رهایی پیدا نمی‌کند. این آثار منفی، به صورت طولانی مدت در زندگی آنها تأثیرگذار می‌شوند. دوم افرادی که ظاهراً بعد از مدتی به خود مسلط شده و زندگی عادی خود را ادامه می‌دهند اما بعد از

رزینس یعنی توانمندی
مقابله با غم و غصه و نگرانی
به معنی گذر کردن از
بحران و شوکهای روحی و
روانی. یعنی توان غلبه بر
سختی‌ها و مسائل و پذیرش
مسئولیت رفتار خود

سوم کسانی

هستند که در

مقابل اتفاقات

نامطلوب و بحران

های زندگی مقاومت نشان می‌دهند هر چند که شرایط آن مانند خیلی‌های دیگر اصلاً ساده و راحت نبوده است و برای عده‌ی کثیری غیرقابل تحمل می‌باشد.

در جایی که می‌توان تمام سختیها، فشارها و کاستی‌ها را به زمین و زمان و حکومت و شانس و... نسبت داد گروهی هستند که در مواقع بحرانی بر خود مسلط شده و استقامت به خرج می‌دهند.

| چگونه بحرانها را مدیریت کنیم

قبول بحران در زندگی، ترس‌ها، دردها، مشکلات و فقر آنقدر ناراحت کننده است که انسان بیشتر تمایل به انکار آنها دارد، که این بدترین شکل تفکر است. به جای عکس العمل‌هایی نظیر استفاده از دخانیات، موادمخدر، دارو، الکل و... فرد بهتر است در برخورد با مسائل و مشکلات به خود زمان بدهد و در آرامش، با مسائل و مشکلات برخورد کند.

در شرایطی که دلخواه نیست و سختی‌های زیاد را به فرد تحمیل می‌کند، به جای اینکه دائماً از خود بپرسیم: «چرا این قسمت من بود؟» بهتر است کاری کنیم تا به وضعیت پیش آمده مسلط شویم و سپس راه حلی قطعی پیدا نماییم و در مواجهه با سختی‌ها باید باور داشت که مسائل و مشکلات دیر یا زود، سیری مثبت را طی خواهند کرد.

| احساس گناه در برابر بحران

احساس گناه در مواقع ناهنجار امری طبیعی است اما دائماً نباید به خودآزاری بپردازیم، در واقع یک راه حل منطقی خروج از بحران این است که با پرداخت دقیق به مشکل نقش خود و دیگران را در نظر داشته و در نهایت در جستجوی علت برآییم و توانایی

پیش

بینی

کردن

و آمادگی

مقابله با

اتفاقات بعدی

را در خود ایجاد

نموده و در جهت

ساختن آینده‌ای بهتر

گام برداریم، هیچ‌گاه تلاش

سازنده خود را با تسلیم زبونه

تعویض نکنیم.

| رزینس

به این ترتیب یکی از مباحث روانشناسی شخصیت با عنوان رزینس مورد بحث ما که در یک نگاه اجمالی با مواردی که ذکر شد مرتبط است.

روانشناسان، رزینس را این‌گونه تعریف کردند: رزینس یعنی توانمندی مقابله با غم و غصه و نگرانی به معنی گذر کردن از بحران و شوکهای روحی و روانی. یعنی توان غلبه بر سختی‌ها و مسائل و پذیرش مسئولیت رفتار خود و رزینت، به شخص یا اشخاصی گفته می‌شود که در مواقع بحرانی به خود و اعصاب و روان خود مسلط می‌باشند و در مقابل مسائل استقامت دارند و متزلزل نمی‌شوند.

روان‌شناسان گمان دارند که رزینس تا حدی نوعی توانایی مادرزادی یا خدادادی می‌باشد و یادگیری آن را در هر سنی نیز میسر می‌دانند و متذکر می‌شوند که بهترین زمان فراگیری رزینس، دوران بچگی است که شروع از مهدکودک و نوجوانی باشد و در سنین بالاتر نیز می‌توان این توانایی را تجربه کرد.

ادامه دارد ...

منابع:

۱. تفاسیر المنار، المنیز و المیزان
۲. بحارالانوار ج ۶۸ ص ۲۳۵
۳. نهج البلاغه حکمت ۸۸
۴. فروع کافی ج ۸ ص ۹۳ آیات ۳ سوره هود
۵. آل عمران ۱۳۵
۶. بحارالانوار ج ۹۶ ص ۱۳۲
۷. بحارالانوار ج ۱۶ ص ۲



سؤال از شما

جواب از ما



| شرب خمر

(یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون)، (مائده ۵)، آیه ۹۰) «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و تیره های قرعه پلیدند و از عمل شیطانند. پس از آنها دوری گزینید؛ باشد که رستگار شوید.»

*** اگر واقعا دلیل حرمت خمر و شراب این است که عقل را زایل می کنند و مست کننده هستند، اگر یک ته استکان و به مقدار خیلی کم خورده شود، فقط به اندازه ای که شخص گرم شود، ولی مست نشود، آیا باز هم حرام است؟**

در این باره چند پاسخ زیر مطرح است: اولاً، ممکن است مست کنندگی خمر، یکی از دلایل حرمت باشد و در کنار آن، دلایل دیگری نیز وجود

در یک قانون کلی، ممکن است به خاطر وجود مفسده ای، چیزی ممنوع شود؛ در حالی که در بعضی موارد آن، مفسده جدی وجود نداشته باشد

الی ربهیم یحشرون) (انعام ۶) آیه ۳۸) «و نه هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند؛ مگر آن که آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند. ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ]، فروگذار نکرده ایم؛ سپس [همه] به سوی پروردگارشان، محشور خواهند شد.»

از بعضی آیات چنین فهمیده می شود که حیوانات نیز در آخرت محشور می شوند و شکی نیست که نخستین شرط حساب و جزا، مسأله عقل و شعور و به دنبال آن، تکلیف و مسؤولیت است. طرفداران این عقیده می گویند: مدارکی در دست است که نشان می دهد حیوانات نیز به اندازه خود، دارای درک و فهمند؛ مثلاً زندگی بسیاری از حیوانات، آمیخته با نظام جالب و شگفت انگیزی است که روشن گر سطح عالی فهم و شعور آنهاست. کیست که درباره مورچگان و زنبور عسل و تمدن عجیب آنها و نظام شگفت انگیز لانه و کندو، سخنانی نشنیده باشد و بر درک و شعور تحسین آمیز آنها، آفرین نگفته باشد؟ گرچه بعضی میل دارند همه اینها را یک نوع الهام غریزی بدانند، اما هیچ دلیلی بر این موضوع در دست نیست که اعمال آنها به صورت ناآگاه (غریزه بدون عقل) انجام می شود. چه مانعی دارد که این اعمال، همان طور که ظاهرشان نشان می دهد، ناشی از عقل و درک باشد؟

علاقه ای که بسیاری از حیوانات به تدریج به صاحب خود پیدا می کنند، شاهد دیگری برای این موضوع است. بسیاری از سگهای درنده و خطرناک، نسبت به صاحبان خود و حتی فرزندان کوچک آنان، مانند یک خدمتگزار مهربان رفتار می کنند.

امروز بسیاری از حیوانات را برای مقاصد قابل توجهی تربیت می کنند. آنها نیز وظایف سنگین خود را با دقت عجیبی انجام می دهند.

| حشر حیوانات در آیات و روایات

در آیات متعددی از قرآن، مطالبی دیده می شود که دلیل قابل ملاحظه ای برای فهم و شعور بعضی از



داشته باشد؛ مانند این که از اقدام برای تهیه یا فروش شراب در جامعه، به طور کلی جلوگیری شود؛ چنانکه در ازدواج موقت و یا طلاق گفته شده که اگر زن نازا بود و یا پیشگیری کامل صورت گرفته بود، باز هم زن باید عده نگه دارد؛ زیرا موضوع تعیین پدر، حکمت است و نه علت. ممکن است دلایل دیگری مانند حفظ احترام روابط زناشویی و یا رعایت حریم زنان و حفظ تعادل روحی آنان نیز مطرح باشد.

ثانیاً، خوردن هر نجاستی، حرام است و خمر هم یکی از آنهاست و در نتیجه، از خوردن یک قطره آن هم نهی شده است؛ مثل خوردن یک قطره خون یا ادرار. ثالثاً، حرمت خوردن خمر، یک قانون است و قانون، معنایش این است که قانونگذار، مصالح کلی را در نظر می گیرد. در یک قانون کلی، ممکن است به خاطر وجود مفسده ای، چیزی ممنوع شود؛ در حالی که در بعضی موارد آن، مفسده جدی وجود نداشته باشد. همه قانونهای بشری هم همین طورند؛ مانند ممنوع بودن عبور از چراغ قرمز؛ اگرچه عدم رعایت در بعضی اوقات؛ ممکن است مشکلی ایجاد نکند. بنابراین، قانون آن است که در دید کلان، رعایت آن، مصلحت و عدم رعایت آن، مفسده دارد؛ حتی اگر در برخی از موارد جزئی، مصلحت و مفسده وجود نداشته باشد.

الکل بمقدار کم و متوالی حتی به شکل شراب بر کبد اثر می نماید.

دکتر ملوین کنزلی در هشتمین کنفرانس جهانی مبارزه با الکل و الکلیسم که در نیویورک تشکیل شد گفت: "حتی مصرف کم الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود."

بعضی ها چنین گمان کرده اند که اگر فقط در مجالس به اصطلاح لبی تر کنند گرفتار اعتیاد نمی شوند یا الکل در آنان ضایعات مغزی بوجود نمی آورد در حالی که تحقیقات وسیعی که در این زمینه شده نشان می دهد که مشروبات الکلی حتی به میزان بسیار کم سبب اختلال در کار سلول های مغزی می شود.

مصرف کم الکل هم می تواند در کبدی که قبلاً عفونت یا به علت دیگری آسیب دیده است زبان بزند و ایجاد سیروز کبدی کند. ۱

حشر حیوانات

(و ما من دابه فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم



مورچگان از برابر لشکر سلیمان و داستان آمدن هدهد به منطقه «سبا و یمن» و آوردن خبرهای هیجان انگیز برای سلیمان، شاهد این مدعاست. (نحل/۱۷-۲۶)

ابوذر می گوید: ما خدمت پیامبر(ص) بودیم که در پیش روی ما دو بز به یکدیگر شاخ زدند. پیغمبر(ص) فرمود: می دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه، پیامبر(ص) فرمود: ولی خدا می داند چرا و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد. (تفسیر مجمع البیان و نورالثقلین، ذیل آیه مورد بحث)

در آیه ۵ سوره تکویر نیز می خوانیم: (و اذا الوحوش حشرت)؛ «هنگامی که وحوش محشور می شوند.»

*** مگر حیوانات تکلیف دارند که دارای حشر در قیامت باشند؟**

در پاسخ به این سؤال باید گفت: تکلیف، مرحله‌ای دارد و هر مرحله، ادراک و عقل متناسب خود را می خواهد. تکلیف فراوانی که در قوانین اسلامی برای یک انسان بیان شده، به قدری است که بدون داشتن یک سطح عالی از عقل و درک، انجام آنها ممکن نیست و ما هرگز نمی توانیم چنان تکالیفی را برای حیوانات بپذیریم؛ زیرا شرط آن تکالیف، در آنها حاصل نیست؛ اما مرحله ساده و پایین تری از تکلیف تصور می شود که مختصر فهم و شعور برای آن کافی است و نمی توان چنان فهم و شعور و چنان تکالیفی را به طور کلی درباره حیوانات انکار کرد و حتی درباره کودکان و دیوانگانی که پاره ای از مسائل را می فهمند، انکار همه تکالیف مشکل است؛ مثلاً اگر نوجوانان ۱۰ ساله را که به حد بلوغ نرسیده، ولی کاملاً مطالب خوب و بد را می فهمند، در نظر بگیریم، اگر آنها عمدا مرتکب قتل نفس شوند، در حالی که تمام زینبهای این عمل را می دانند، آیا می توان گفت هیچ گناهی از آنها سر نزنده است؟ قوانین کیفری دنیا نیز افراد غیر بالغ را در برابر پاره ای از گناهان مجازات می کند؛ اگرچه مجازات های آنها، خفیف تر است. بنابراین، بلوغ و عقل کامل، شرط تکلیف در مرحله عالی و کامل است و در مراحل پایین تر، یعنی در مورد بعضی از گناهانی که قبح و زشتی آنها برای افراد پایین تر نیز کاملاً قابل درک است، بلوغ و عقل کامل را نمی توان شرط دانست. با توجه به تفاوت مراتب تکلیف و تفاوت مراتب عقل، اشکال مذکور در مورد حیوانات نیز حل می شود. حیوان

در نفوس حیوانات هم حقیقتی به نام اختیار و استعداد وجود دارد و او نیز می تواند یک جا به لزوم فعل حکم کند و جایی دیگر به وجوب ترک آن

در مواردی، آن قدر فکر خود را به کار می اندازد، تا به یک طرف احتمالات، یقین پیدا کند. اینها دلیل بر این است که در نفوس حیوانات هم حقیقتی به نام اختیار و استعداد وجود دارد و او نیز می تواند یک جا به

لزوم فعل حکم کند و جایی دیگر به وجوب ترک آن. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۲۴) حکمت حشر (جزای احسان و ظلم) است و چون اجمالاً بعضی از آنها را می بینیم که در عمل خود ظلم می کنند و برخی دیگر را مشاهده می کنیم که احسان را رعایت می کنند، از این رو، باید بگوییم که حیوانات نیز حشر دارند. (ر.ک: المیزان، ج ۷، ص ۷۵ و ۷۸، ذیل تفسیر آیات ۳۷ و ۵۵ سوره انعام، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۲۷ و ۴۲۲)

وجود همه علوم در قرآن

*** آیا این نظر که همه علوم در قرآن وجود دارند، ادعای درستی است یا نه؟**

چند دیدگاه، در این باره وجود دارد
۱- دیدگاه حداکثری؛ بنابراین دیدگاه، تمام علوم در قرآن موجودند. (آیات انعام/۶ و نحل/ ۸۸)



از این رو، همگان می توانند با سعی و تلاش خود و متناسب با رشته تخصصی خود، حتی دانش های مختلف شیمی و فیزیک را از قرآن استخراج کنند. طنطاوی، ابن کثیر و ملامحسن فیض کاشانی، از این گروهند.

۲- دیدگاه حداقلی؛ بنابراین دیدگاه، قرآن تنها به بیان عقاید و ارزشها پرداخته است و طرح مسائل علمی با قدسی بودن قرآن و دین، سازگار نیست. عبدالکریم سروش در «قربه تر از ایدئولوژی» از این گروه است.

ناگفته نماند که طرح مسائل علمی در قرآن، با قدسی بودن آن منافات ندارد.

۳- دیدگاه اعتدالی؛ همه علوم در قرآن وجود ندارند؛ بلکه قرآن، کتاب هدایت است و برخی علوم دیگر به مناسبت های گوناگون، تنها مورد اشاره قرار گرفته اند. علامه طباطبایی(ره) و شهید مطهری از این گروه می باشند. بنابراین دیدگاه، آیه شریفه (و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء) (نحل/۸۹)، درست است که مربوط به همین قرآن کریم است؛ ولی روشن کننده هر چیزی در موضوع خودش است و موضوع قرآن، هدایت بشر است؛ نه علوم تجربی و ریاضی و فیزیک؛ بلکه هر چیزی راجع به هدایت

لازم باشد، در قرآن هست. اگر همه علوم در قرآن وجود می داشت، امور زیر لازم می آمد:

اولاً، مثنوی هفتاد من می شد. ثانیاً، باید آن مطالب از قرآن فهمیده می شد و صرف ادعا، فائده ندارد؛ در حالی که فهم علوم و دانشهای مختلف، مانند شیمی و فیزیک از قرآن، مشکل است. البته می توان گفت: قرآن دارای لایه ها و بطون فراوانی است؛ اما کلید فهم آن در اختیار مفسران اصلی و اهل بیت(ع) است و مربوط به عموم مردم نیست و روایاتی که می فرمایند: «قرآن، هفت بطن دارد و هر بطنی نیز هفت بطن دارد.» یا «ما اهل بیت، همه را از نقطه بسم ... در می آوریم.» از همین دسته هستند. اشاراتی در قرآن هست که تشویق به علم می کند. مثلاً «ما آهن را خلق کردیم. در آهن منافعی برای شما هست.»

با این آیه، خداوند به بشر خط می دهد که به سراغ استفاده از آهن برود؛ ولی معنای آن، این نیست که هر چه در رابطه با آهن هست، در قرآن به شما یاد دادیم یا مثلاً «آیا زمین به دور خورشید می چرخد یا خورشید به دور زمین؟» یک زمانی نمی شد این را از قرآن استفاده کرد؛ اما کم کم بر اثر رشد عقل و علم بشری، از بعضی آیات استفاده شد که زمین به دور خورشید می گردد. البته قرآن برای این نازل نشده، ولی اشارات علمی دارد و حتی از بعضی آیات استفاده می شود که تمام کهکشان ها در حال حرکت هستند؛ مثل (کل فی فلک یسبحون) همه چیز در حال سیر است؛ ولی معنای آن این نیست که قرآن تمام علوم نجوم را بیان نموده است. بنابراین، اگر گفته شود تمام علوم و یا بسیاری از دانشها از قرآن قابل استخراج است، می گوییم: چنین کاری فقط توسط پیامبر و امامان(ع) امکان دارد. البته لازم به ذکر است از طریق مراجعه و انس با قرآن، جرقه های علمی و معنوی در انسان زده می شود؛ چنان که موارد متعددی دیده و تجربه شده و بسیاری از علوم و مجهولات بشری از این طریق، کشف شده است، بنابراین پس می توان به صاحبان علم و خرد توصیه کرد که برای دست یابی به سر رشته های علمی و پی ریزی بنیان های علمی، در رشته های مختلف، از قرآن بیشترین استفاده را ببرند. ۲

منابع:

۱. سید رضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد ۷، ص ۱۴۵.
۲. علیرضا مستشاری، تفسیر آیات برگزیده، دفتر نشر معارف، چاپ اول بهار ۸۹، ج ۱، ص ۱۵۵ تا ۱۷۴

به سؤالات منتخب شما در شماره بعد پاسخ داده می شود. شماره سؤالات مورد نظر را به گنجینه پیامک کنید.
۰۹۱۵۱۰۷۹۷۹۲

۱- آیا قبل از حضرت آدم، آدم هایی بر روی زمین می زیسته اند؟

۲- با مخترعان و دانشمندان مانند ادیسون در آخرت چگونه برخورد می کنند؟

۳- اگر ملائکه مجردند، مجرد که جسم ندارد پس چطور امر به سجده شدند و سجده کردند؟

۴- علت اختلاف فتوای مراجع چیست؟



مصاحبه با آقای شکری مسئول مجموعه ی "موجهای بیقرار"

وقتی اشک، باران و اروند در آمیخت



فضای غریبی است. گویی در این ساختمان زمان از حرکت ایستاده است. وسایل، دیوارها، نمداق، صداها و... همه چیز، سالهای دفاع مقدس را تداعی می کند. دیوارها و سقف راهرو با گونی پوشیده شده بود و جاکفشی، جعبه مهمات توپ ۱۳۰ بود. موسیقی آرام بوی پیراهن یوسف، شنیده می شد. حال و هوای عجیبی داشت. با خوشامدگویی سرهنگ شکری به خود آمده و با دعوت ایشان وارد یکی از اتاقها شدیم. اتاقی در نوع خود، کم نظیر، اتاقی پر از زونکن های مختلف و نورهای جورواجور. روی میز ترکش هایی با اشکال متفاوت و همچنین یک پایه مین گوجه ای به عنوان جا خودکاری! در ابتدا آن چنان محو چیدمان محیط بودیم که سردی هوا را حس نکردیم. پس از نشستن و شروع مصاحبه، سرما واقعا ما را اذیت می کرد. محققان مجموعه هم سردشان می شد اما می گفتند، به خاطر حفظ کیفیت اسناد جنگ (نوارهای ویدئویی و کاست) باید دمای هوا را پایین نگه داشت.

اند، چه شهامت ها و شجاعت هایی داشته و تا حالا چه آموزش هایی دیده اند.

*** جمع آوری بیوگرافی فرماندهان عراقی را با توجه به نبود وسایل ارتباطی فعلی، چگونه انجام می دادید؟**

۱- حضور در میان دشمن ۲- شنود بیسیم ۳- بازجویی اسرا.

*** آیا سربازان دشمن برای حضور در این جنگ ناچوانمردانه انگیزه ی قابل قبولی داشتند؟**

آنها اعتقاد و انگیزه ای برای حضورشان نداشتند بلکه زور و جبر بالای سرشان بود. ما اسیری را نگرفتیم مگر اینکه تمام فشنگ هایش را زده بود. خط دشمن شامل ۲ قسمت بود: خط مقدم که جلوی ما را می گرفت. خط

ای دارد. زود عقب نشینی می کند یا مقاوم است.

از مهم ترین فرماندهان آنها ماهر عبدالرشید، سپهبد ضیاء الدین جمال، سپهبد سلطان هاشم، سپهبد عدنان خیرا... سپهبد خلیل الدوری بودند همه باتجربه و بسیار مقتدر. سپهبد «ماهر عبدالرشید» قوی ترین فرمانده بود. بسیار جسور، بی باک و مقتدر که فرمانده لشکرها، از او می ترسیدند.

وقتی می فهمیدیم که ماهر عبدالرشید مقابل ماست، پشتمان می لرزید. او فرمانده سپاه سوم عراق، و خیلی شبیه صدام بود. صدام در جنگ عراق و کویت در یک حادثه هلی کوپتر او را از بین برد. اگر او می ماند، شاید وضعیت عراق طور دیگری می بود، زیرا بسیار مقتدر بود. ما بیوگرافی تمام افسران عراق را به دست آورده بودیم. مثلاً اینکه چه سالی وارد دانشگاه افسری شدند، چه مراحل را طی کردند، قبلاً چه مشکلات اخلاقی داشته

آورده ایم و واقعیت ترسیم نشده است. برای هر عملیات، بچه های اطلاعات ۹- ۸ ماه قبل وارد منطقه می شدند و شروع به کار می کردند. مهم ترین مسأله، راز نگهداری بود. قرنطینه شدن و محدودیت زیاد حتی در ارتباط با خانواده. زحمات طاقت فرسای می کشیدند. به نظر مردم شب عملیات فرمانده ... اکبر می گوید و عملیات شروع می گردد. بعد هم با پیروزی ما یک شبه همه چیز به پایان می رسد.

*** بچه های اطلاعات در حملات چه نقشی ایفا می کردند؟**

مأموریت اطلاعات قبل از عملیات از این قرار بود: شناسایی دشمن، پستی بلندی های زمین، موانع، عمق و نوع موانع، نوع سنگرها، تعداد و نوع یگان ها، تعداد شکست یا پیروزی آنها و... ما باید می دانستیم که فرمانده یگان مقابل کیست و چه خصوصیات اخلاقی

*** لطفاً به طور مختصر در رابطه با مجموعه موج های بیقرار توضیحاتی بفرمایید.**

اینجا مؤسسه ای فرهنگی است جهت معرفی زحمات دوستان اطلاعاتی در جنگ، سرگذشت پژوهی شهدای اطلاعات و غواص یگان های رزم خراسان، لشکر ۲۱ امام رضا، ۵ نصر و ویژه شهدا.

*** چند سال سابقه حضور در جنگ داشته اید؟**

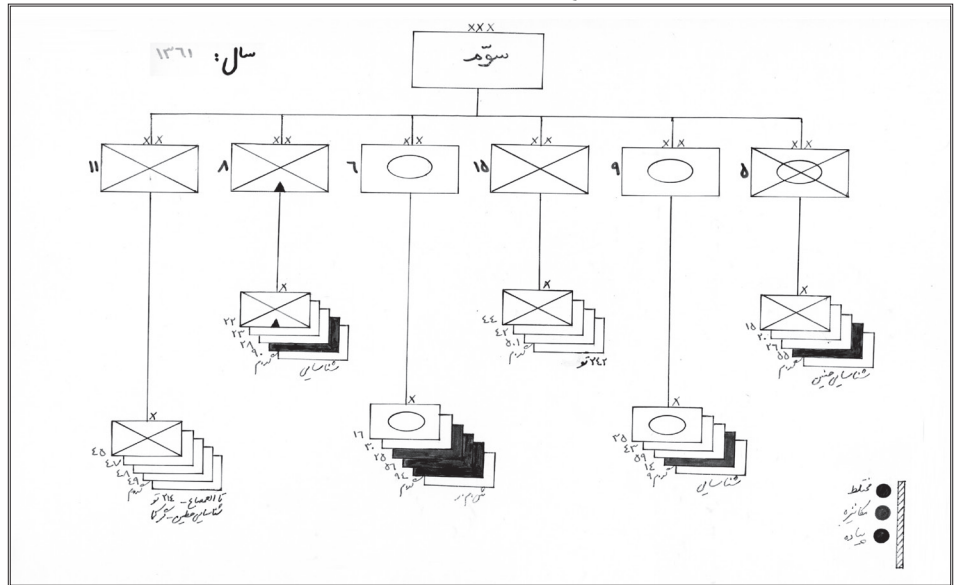
تقریباً ۶ سال در جبهه بودم.

*** به نظر شما توانسته ایم جنگ را به جوان امروز معرفی کنیم؟**

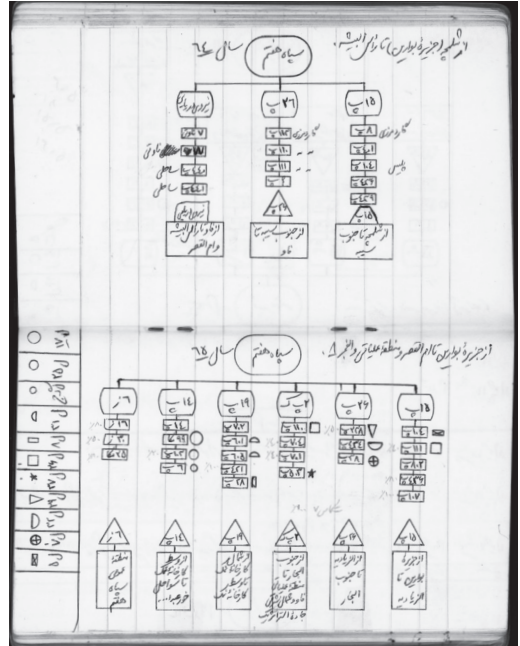
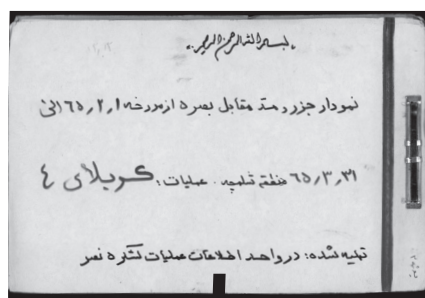
بزرگترین مشکل این است که ما تصویر بدی از جنگ با فیلم های کلیشه ای در ذهن جوانان به وجود

مدارک مربوط به اطلاعات عملیات

خط دشمن شامل ۲ قسمت بود، خط مقدم که جلوی ما را می گرفت. خط دوم، خطی بود که اگر افراد خط اول بر می گشتند یا فرار می کردند، آنها را می کشتند!



می دیدند که بسیار طاقت فرسا بود. باید ۱۷ کیلومتر خلاف جهت رودخانه شنا می کردند و برای عملیات آماده می شدند. شبی برای بازدید به بهممشیر رفتیم. شب سردی بود بچه ها جهت آموزش در آب بودند در حالی که دیدیم انگشتانشان در دهانشان بود. از یکی از آنها دلیل این کار را پرسیدم. گفت: آنقدر بی اراده دندان هایمان به هم خورده که آزرده شده، با این کار می خواهیم دندان هایمان به هم نخورد! بچه ها عاشقانه تلاش می کردند تا در عملیات شرکت کنند اگر با این آموزشها مریض می شدند، از فرمانده مخفی می کردند. مگر وقتی که وضعیت کلیه هایشان آنقدر خراب می شد که بستری می شدند.



* وظایف دیگر بچه های اطلاعات عملیات چی بود؟

مأموریت دیگر بچه های اطلاعات عملیات: شکستن خط بود. سه تا دو ربین قوی داشتیم که تحرکات دشمن و حتی چهره افراد، درجه و لباس شان را می دیدیم. ترمیم سنگرها، جابه جایی نیروها و فعالیت های روزانه را زیر نظر داشته و به صورت نمودار ثبت می کردیم. مثلاً در والفجر ۸، ۷ الی ۸ ماه جزر و مد آب رودخانه اروند را اندازه گیری کردند که بچه ها جزر و مد را با ثانیه می دانستند. شب عملیات بچه های اطلاعات خط را می شکستند و پشت سر گردان های دیگر ادامه می دادند. سپس مأموریت دوم اطلاعات شروع می شد. بچه ها باید تمام اسناد و مدارک را جمع می کردند و می فهمیدند که نیروهای تقویت کننده کجا هستند تا با توپخانه منهدم شوند و اسرا به خصوص فرماندهان و اطلاعاتی ها را که کمک به فرمانده لشکر ما می کرد را تخلیه اطلاعاتی می کردیم. (توسط بچه های عرب زبان)

* آیا برای بازجویی متوسل به زور هم می شدید؟

در مراحل اول زور نبود، از آنجا که

علمی ترین عملیات جمهوری اسلامی ایران بود. فرمانده لشکر عراق که قبل از عملیات والفجر ۸ متوجه تحرکات ما شده بود، در نامه ای به فرمانده اش (نامه ای که بعد از عملیات به دست ما افتاد) نوشت که نیروهای ایرانی به دلایل متعددی در این منطقه نمی توانند عملیات انجام دهند:

- ۱- اروند ۲۰۰۰-۱۲۰۰ متر عرض دارد و عبور از آن بسیار مشکل است.
- ۲- موانع ما نظیر میدان مین، سیم خاردار و سیم های حلقوی تمام ۱۵ متر فاصله جزر و مد ساحل را پر کرده است
- ۳- سنگرهای بتنی محکم با سلاح های قوی به همین دلیل موفقیت در عملیات والفجر و پیروزی آن با این همه موانع، این قدر ارزشمند بود.

اکثر عملیات های ما در بهمن بود و بچه ها باید ۶ ماه قبل آموزش غواصی

گود شده. نگاه های مکرر او را به آسمان دیدم پرسیدم: داوود چی شده؟ گفت: «اگر باران ببارد خیلی خوب می شود چون هم عراقی ها بیرون نمی آیند، هم صدای شلپ و شلوپ حرکت و شنای بچه ها در آب شنیده نمی شود.» و این خواسته قلبی همه بچه های عملیات بود. (بچه های غواص در این عملیات باید از رودخانه اروند، که سه رودخانه به آن می ریخت رد می شدند تا به مواضع دشمن می رسیدند) هر چه به اروند نزدیک تر می شدیم هوا تغییر می کرد. همین که اولین نفر وارد آب شد، باران شروع به باریدن کرد. بچه ها همه به گریه افتادند. از این همه لطف و توجه خداوند و مطمئن شدند که عملیات به پیروزی خواهد رسید. والفجر ۸ سخت ترین و با افتخارترین و

دوم، خطی بود که اگر افراد خط اول بر می گشتند یا فرار می کردند، آنها را می کشتند! این ظلم بزرگی است که دشمن بعثی را در فیلم ها ضعیف نشان می دهند. در این صورت این سؤال ایجاد می شود که اگر دشمن ضعیف بود و خدا و ائمه به شما کمک می کردند چرا جنگ ۸ سال طول کشید؟ در صورتی که فرماندهان همه آنچه در توان داشتند اعم از تدبیر و علم به کار می بردند و خداوند در آنچه که در دست ما نبود، کمک می کرد. مثلاً شب عملیات والفجر ۸ شهید داوود گریوانی فرمانده گروه غواصان بود. بچه ها به او می گفتند اگر عراقی ها بفهمند و عملیات شکست بخورد چه؟ وی گفت: به ما گفته اند بروید، ما هم می رویم. (یک فرمانده تکلیف مدار) او با این روحیه وارد



والفجر ۸ سخت ترین و با افتخارترین و علمی ترین عملیات ایران



وقتی می فهمیدیم که ماهر عبدالرشید مقابل ماست، پشتمان می لرزید. او فرمانده سپاه سوم عراق، و خیلی شبیه صدام بود



فرماندهان عراقی تصویر وحشتناکی از نیروهای ایرانی برای سربازان خود ترسیم کرده بودند، آنها به شدت از

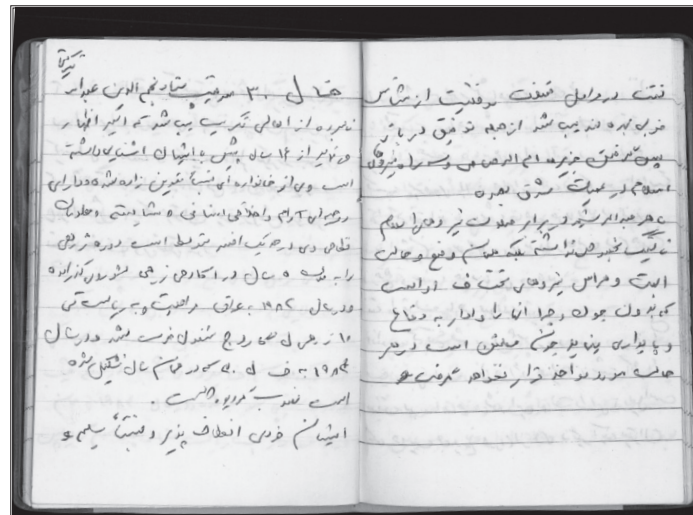


اکثر عملیات های ما در بهمن بود و بچه ها باید ۶ ماه قبل آموزش غواصی می دیدند که بسیار طاقت فرسا بود. باید ۱۷ کیلومتر خلاف جهت رودخانه شننا می کردند و برای عملیات آماده می شدند

آمدی اینجا چه کار کنی تو کجا و این بچه ها کجا؟ تو کجا سیر می کردی و اینها کجا سیر می کنند؟! و بعد مناجاتی رو با خدا نوشته بود و مرتباً کاستی هایش را بیان می کرد و از خدا کمک می خواست که ترس را از او بگیرد.

این جوون در جبهه به جایی می رسد که به شهادت دست نوشته های خودش، ۲ هفته مرخصی که می آید برایش مثل شکنجه است به طوری که گویی در زندانی محصور شده، به همین سبب پیش از پایان مرخصی به جبهه بر می گردد. نوشته های پایانی دفتر خاطرات او فقط راز و نیاز با خداست، با محبوبش؛ او دیگر در قفس تن نمی گنجد و دائماً در نوشته هایش از خدا می خواهد که زودتر او را ببرد! (شهید شود) او طعم واقعی عشق را چشید»

آنها آمدند و عاشق شدند و لایق شدند و رفتند. چرا من ماندم؟! در آن شبهای موشک باران چرا فقط من ماندم...؟!



ما می ترسیدند و راحت صحبت می کردند مگر افسران بعضی که به هیچ عنوان حرف نمی زدند اگر هم پاسخ می دادند، پاسخهای انحرافی بود.

* آیا بچه های جبهه همه عاشق شهادت و فدایی بودند؟

جبهه دانشگاهی بود که ورودی آن همه نوع آدم داشت با اعتقادات و انگیزه های متفاوت. جبهه جایی برای خودسازی بود و خروجی آن بسیار ارزشمند بود. درجه اعتقادات و معنویت و خودسازی بچه ها هم متفاوت بود. بچه ها در جبهه زندگی می کردند زندگی که، هم شوخی و تفریح داشت و هم تسبیح و عبادت.

شهید یدا... حسن زاده خیلی به گل یا پوچ علاقه مند بود و در آن مهارت خاصی داشت. به محض بیکار شدن با بچه ها گل یا پوچ بازی می کرد. بعضی از رزمنده ها فکر می کردند وقت بقیه به گل یا پوچ می گذرد. اول به فرمانده ها و بعد به روحانی گفتند که تذکر بدهند. روحانی بین دو نماز شروع کرد خیلی سر بسته به صحبت که نباید وقت را بیهوده گذراند و... بعد از دقایقی یدا... گفت: «حاج آقا اگر منظورتان به من است چشم. ولی یک شرط دارد» دستانش را جلو آورد و گفت: «بگویند کدام گل است» همه خندیدند و همان جا یدا... با حاج آقا حدود یک ربع گل

خوردیم، و یا امروز دیدم نسرین به دوستم بد نگاه می کند، خیلی ناراحت شدم و... بعد چند صفحه نوشته بود: امروز مارش عملیات در جبهه ها رو از رادیو شنیدم با خود گفتم: اینها دارن تو جبهه چه کار می کنند؟! و چند صفحه بعد... توی قطارم با چند تا بسیجی دارم می روم جبهه... در صفحه ای نوشته بود «امروز در جبهه کوکو سبزی خوردم که از شیشلیکی که با اصغر و نسرین و... خوردیم خوشمزه تر بود...»

در ادامه... «توی یادگان قدم می زدم. صدای آهنگران و نسیم ملایم صورتم را می نوازد با خود گفتم

یا پوچ بازی کرد. چند روز بعد پیش ما آمد و گفت: من لایق بچه های اطلاعات نیستم و رفت و ۶-۵ ماه بعد هم شهید شد.

* گویا اینجا اسناد جالبی از شهدا جمع کرده اید، می شود یک نمونه جالب توجه بیان کنید؟

فکر می کنم دفترچه یکی از شهدا برایتان جالب باشد. زمانی که این دفترچه به دست ما رسید آن را مطالعه نمودم اوایل آن این گونه نوشته شده بود: امروز خونه دوستم فیلم نگاه کردم... امروز با دوست دخترم رفتیم طبقه و شیشلیک

آقای شگری شما باید می ماندید، تا داستان استقامت آنها را برای ما تعریف کنید، تا هرگز تبدیل به افسانه نشود. باید می ماندید تا ما لحظات درآمیختن اشک و باران و اروند را در سخنانتان ببینیم !!





مروری بر محتوای انیمیشن‌های غربی

انیمیشن‌های هدفدار

«جواد امین‌خندقی - کارشناس»



امروزه در عصری که رسانه‌ها در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم نقش مهمی را ایفا می‌کنند، مقوله «جنگ نرم رسانه‌ای» امری غیر قابل تردید محسوب می‌شود. با تاملی کوتاه نسبت به میزان نفوذ ابرقدرت‌های پوشالی در عرصه‌های رسانه‌ای و میزان تاثیر شگرف رسانه‌های تصویری در فرهنگ‌سازی و انقلاب و دگرگونی فرهنگ‌ها و همچنین مقایسه با جریان‌های حاکم بر رسانه‌های امروزی به خوبی می‌توان این نفوذ را مشاهده نمود. یکی از مهمترین ابزارهای رسانه‌ای انیمیشن‌ها هستند که با توجه به مخاطب خاص و نوع تاثیرگذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در این نوشتار کوتاه نگاهی اجمالی به محتوای این محصولات خواهیم داشت.

چرا انیمیشن؟! |

ابتدا باید توجه داشت که قطعاً انیمیشن‌های تولید شده در کمپانی‌های سینمایی فقط مختص کودکان نیست و دایره گسترده‌ای از مخاطبین را دارند. اما باید دقت داشت که غالب این آثار برای کودکان و با رویکرد جذب آن‌ها ساخته می‌شود. در نگرش دینی یگانه محل امن برای پرورش و رشد کودکان بستر خانواده می‌باشد و پس از مکان‌های آموزشی، تنها تربیون برای تاثیرگذاری روی کودکان رسانه‌های تصویری و بازی‌های رایانه‌ای محسوب می‌شوند. در میان خانواده‌ها حتی با رویکردهای مذهبی، حساسیت خاصی نسبت به این محصولات وجود ندارد و همین

آثار به عنوان هدیه و تشویق در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. اما مهمترین سوال این است که چنین انیمیشن‌هایی با صرف هزینه‌های بالا با چه هدفی درست می‌شوند؟ و چرا در سال‌های اخیر توجه به ساخت انیمیشن توسعه پیدا کرده است؟ دلیل این سرمایه‌گذاری را می‌توان اینگونه اشاره نمود. به گفته محققان کودکان در سنین سه تا پنج سالگی فقط بیننده هستند و از قدرت کافی برای تحلیل و تشخیص خوب و بد برخوردار نیستند. به همین دلیل، هر آنچه را می‌بینند، به عنوان یک پدیده خوب و در عین حال واقعی می‌پذیرند و این جریان باعث ایجاد فرهنگ و تربیت با رویکرد خاص در

آن‌ها می‌شود. تکنیک‌های فوق‌العاده رایانه‌ای در تولید این آثار، مجموعه‌ای خیال‌انگیز تولید می‌کنند که حتی ذهن بزرگسالان را نیز مسحور خود می‌کنند. برای درک دقیق‌تر این تاثیر باید به تکنیک و تکنولوژی پیشرفته آنها، داستان‌پردازی و نوع شخصیت‌پردازی کاراکترها را نیز اضافه نمود.

نگاهی به پیام‌های نهفته انیمیشن‌ها |

تولیدات رسانه‌ای کودکان همواره محل توجه و سرمایه‌گذاری استعمارگران بوده است. تاکنون مهمترین انیمیشن‌های تولید شده در جهان در شرکت‌های بزرگ انیمیشن‌سازی هالیوود همچون «والت دیزنی»، «پیکسار»، «دریم

ورکز»، «ام‌جی‌ام» و یا شرکت‌های ژاپنی تحت حمایت و هدایت سردمداران هالیوود نظیر «تسینو»، «تاتسونوکو»، «سونی» و... تولید شده است. یکی از سایت‌های امریکایی طی یک بررسی نسبت به ارتباط صهیونیسم و هالیوود، به نتیجه‌ای شگفت‌آور اما قابل حدس رسیده است. این سایت فهرستی ۲۸ صفحه‌ای شامل ۱۵۰۰ نام از افراد یهودی فعال در هالیوود را منتشر کرده است. در ادامه مروری خواهیم داشت بر کلیشه‌های انیمیشنی که در هر بخش با رعایت اختصار به نمونه‌های آن نیز اشاره خواهد شد.

۱. تبلیغ نماد و اسطوره‌های یهودی |

سال‌ها یهودیان در اروپا «موش‌های



کثیف» عنوان می‌شدند. شرکت «والت دیزنی» با ساخت انیمیشن «میکي موس» موشی دوست داشتنی را مطابق با الگوی یهودی مطرح می‌کند. موشی که اگرچه مورد ظلم یا بی‌مهری واقع می‌شود اما نهایتاً با زیرکی و هوش سرشار خود موفق‌ترین موجود است. «تام و جری» ادامه همین الگو بود که به نحو شگفت‌آوری قانون طبیعت موش و گربه متفاوت شد و موش در تمام قسمت‌ها گربه را مجازات می‌کند. پس از آن انیمیشن‌هایی همچون «استورت»، «موش دندان»، «موش‌های فاضلاب»، «موش سرآشپز» و... این مسیر را ادامه دادند. - مسئله «هلوکاست» یا کشتار دسته‌جمعی یهودیان در جنگ جهانی دوم توسط ارتش نازی همواره دست‌مایه بسیاری از اتفاقات سیاسی بوده و هست. اشکالات علمی زیادی بر این واقعه ذکر شده که از مجال نوشتار خارج است. همین مسئله به شکلی صریح در انیمیشن «فرار جوجه‌ای» دیده می‌شود. سرتاسر فضای داستان، مزرعه‌ای است با سیم خاردار که یادآور اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی است. ناجی مرغ‌های قربانی (نمادی از یهودیان) خروس خلبانی است که امریکایی بوده و سرانجام با نجات مرغ‌ها آنها را به سوی دشتی باصفا در شرق (یادآور سرزمین موعود یهودیان) راهنمایی می‌کند.

مسئله «هلوکاست» یا کشتار دسته‌جمعی یهودیان در جنگ جهانی دوم توسط ارتش نازی همواره دست‌مایه بسیاری از اتفاقات سیاسی بوده و هست. همین مسئله به شکلی صریح در انیمیشن «فرار جوجه‌ای» دیده می‌شود.

۲. ترویج زندگی غربی و برتری نسبت به دیگر تمدن‌ها

تبدیل و دگرگونی کاراکترهای شرقی

۳. آخرالزمان و منجی

انیمیشن‌های آخرالزمانی با رویکردی سکولار و بر اساس آموزه‌های اوانجلیستی دیده می‌شود. آخرالزمانی که جز نابودی گسترده و منجی اومانیستی به دور از معنویت به امر



دیگری نمی‌پردازند. انیمیشن‌هایی همچون «بری با احتمال بارش کوفته قلقلی»، «عصر یخبندان»، «نجات کودکان»، «ارواح درون»، «سوپرمن و بتمن: آخرالزمان» و «همه ستاره‌های سوپرمن» از این قبیل هستند.

۴. تحریف تاریخ پیامبران

در آثار مربوط به زندگی پیامبران عقاید باطل عهدین تحریف شده دیده می‌شود. پیامبران در این داستان‌ها عصمت نداشته و به نحوی مروج مادی‌گرایی و زندگی سکولار هستند. «پرنس مصر»، «کشتی نوح» و «داستان حضرت یوسف» نمونه‌هایی برای این موضوع به شمار می‌آیند.

۵. ترویج جریان‌های باطل

در انیمیشن «دن کیشوت» علاوه بر ترویج مسائل جنسی برای کودکان، در بخشی از آن نماد «خدای شاخ‌دار» (دست با حالت خاص به عنوان نماد «شیطان‌پرستی») به وضوح نشان داده می‌شود که در قالب یکی ابزار جنگی ساخته شده است و همچنین در انیمیشن «ناین» اساس تفکر

محبوب و جایگزینی با الگوی غربی یکی از کارکردهای پشت پرده انیمیشن‌ها است. در مجموعه محبوب «سندباد» با یک قهرمان شرقی، مهربان و به دور از فسادهای اخلاقی روبرو بودیم تا اینکه سری جدید سندباد با نام «افسانه

هفت دریا» شکلی جدید از آن را ارائه می‌دهد. در این انیمیشن، دیگر اثری از آن فضای شرقی نیست. از علی بابا و علاالدین هم خبری نیست. به جای آن مخاطب با انبوهی از دیو و خشونت و جملات رکیک روبرو می‌شود و سندباد مهربان، تبدیل به کسی شده که با هفتاد ضربه شمشیر خود، یک کشتی بزرگ را تصاحب کرده و دریا را از خون رنگین می‌کند. همراه او در این انیمیشن دوست دختری خشن است. در برخی انیمیشن‌ها همچون «گالیور»، «لوک خوش‌شانس»، «رابینسون کروزوئه» شاهد آن هستیم که یک فرد سفیدپوست و غربی منجی اهالی بومی در داستان هستند. در مجموعه رابینسون این افراد آدم‌خوار، بی‌سواد و بی‌فرهنگ نام‌هایی همچون «دوشنبه» و «جمعه» دارند که نمادی از مسلمانان است. در برخی انیمیشن‌ها شاهد ترویج موسیقی خشن «راک» یا «متال» هستیم. انیمیشن‌هایی همچون «مورچه‌ای به نام زی»، «شرک»، «مادداگاسکار» و «پای خوشحال» از این قبیل هستند که همراه موسیقی رقص‌های خاصی نیز تبلیغ می‌شود.

کابالیستی («کابالا» نام عرفان یهودی است) که «درخت زندگی» نام دارد و از نه بخش تشکیل شده تئوریزه شده و تبیین می‌گردد. در این انیمیشن به روشنی از فردی به نام «پاراسلوس» و کتاب معروف او نام برده می‌شود. پاراسلوس یک جادوگر و پزشک معروف «کابالا» است. همچنین در انیمیشن «خانه هیولا» که «استیون اسپیلبرگ» (کارگردان صهیونیست مطرح امریکایی) نیز در تولید آن نقش داشته، به وضوح «جشن هالووین» که برگرفته از آموزه‌های باطل «شیطان‌پرستی» است تبلیغ می‌گردد. و می‌توان ترویج آئین اومانیستی «بودیسم» را در انیمیشن‌هایی همچون «ای کی یوسان» یا «پاندای کونگ‌فوکار» مشاهده نمود.

در مجموعه رابینسون افراد آدم‌خوار، بی‌سواد و بی‌فرهنگ نام‌هایی همچون «دوشنبه» و «جمعه» دارند که نمادی از مسلمانان است

کلام آخر

اگرچه که به دلیل مجال اندک بخش ناچیزی از این آثار به صورت مختصر مرور شد ولی با نگاهی کوتاه اما با دقت می‌توان به خوبی دریافت که انیمیشن به عنوان قالبی مهم برای تربیت کودکان امروزی استفاده می‌شود و قطعاً با سیطره و نفوذ گسترده استعمارگران جهت این تربیت به سویی نامناسب و مجعول خواهد بود. اگرچه که در بسیاری از این آثار بیشتر در لایه‌های پنهان خود به مضامین خاص می‌پردازند اما نباید تاثیر ناخودآگاه را نادیده گرفت چرا که ساده‌انگاری در این زمینه حساس آسیب‌های غیر قابل جبرانی در آینده خواهد داشت.



کابالا در Nine

« سعید مستغاثی

عنصر ۷ و ۸ درخت حیات در کابالا جایگاه پای چپ و پای راست را دارند. عدد ۹ نیز که به طرز جالبی لباسی از یک زیپ شلوار دارد، درست معادل عنصر ۹ درخت کابالا که نماد غریزه جنسی است به این بخش از بدن اشاره می کند. در یکی از سکانس ها وقتی عدد ۲ زیپ ۹ را باز می کند، ۹ سراسیمه و خجالت زده آن را بالا می کشد. حلول روح دانشمند در ۹ مرتبه، تجلی همان چیزی هست که در فرقه کابالا حلول روح اولیه هستی در نه عنصر درخت حیات توصیف می شود. به هر حال سر انجام همان علم تاریکی و جادوی سیاه (کابالیستی) به کمک عروسک های پارچه ای انیمیشن "۹" آمده و باعث نابودی نهایی دشمن می شود. شاید هم انتخاب عدد ۹ و اساسا

نظام سلطه را تشکیل می دهد) در واقع همان تئوری جنگ پیشگیرانه است که جرج دبلیو بوش پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرحله اجرا در آورد. همان تئوری که می گوید برای متوقف کردن به قول آنها تروریست ها یا سپاه و محور شرارت نباید در خانه نشست و انتظار ضربات طرف مقابل را کشید، بلکه باید به مامن و مکان آنها حمله کرد و جنگ را به درون خانه هایشان کشاند.

در عرفان کابالا، هستی به ۱۰ مرتبه تقسیم می شود که روح اصلی و بالای آن در ۹ مرتبه پایین تر تجلی می یابد. ۹ مرتبه تجلی روح هستی در عرفان کابالا در همه منابع این فرقه با ۹ عضو بدن انسان متناظر معرفی می شوند. این درست همان چیزی



بشری (در یک کلیسا و زیر تابلوی بزرگ شیشه ای حضرت مسیح و به رهبری عروسک شماره یک زندگی می کنند که کلاه و ردایی کشیش مانند بر تن داشته و خطاب به شماره "۹" تازه وارد که سایر عروسک ها را تشویق به جستجوی شماره ۲ می کند، می گوید: " من کسی بودم که همه را سالم نگه داشتم، تا پیش از اینکه تو به اینجا بیایی همه مسایل ما حل شده بود ولی تو که احمقی بیش نیستی به دنبال یک سری سوال نامشخص هستی ..."

انیمیشن "۹" داستان مرد دانشمندی است که به عنوان آخرین فرد باقیمانده از نوع انسان پس از جنگی ویرانگر موفق می شود با به کارگیری شیوه های کیمیا گری کابالیستی، روح خود را در کالبد ۹ عروسک بی جان وارد کند و به این شکل به حیات استمرار بخشد. فیلمنامه انیمیشن "۹" به شکل هوشمندانه ای از ساختن و دوخته شدن یک عروسک پارچه ای ظاهرا کنفی (در نماهای درشت) آغاز و کم کم با فاصله گرفتن از پیکر آن عروسک پارچه ای که در فعل و انفعالی نامشخص به حرکت می افتد، تماشاگر خود را به تصویری از

کره زمین می برد که جز خرابی و ویرانی از آن بر جای نمانده است. عروسک پارچه ای یاد شده، مثل یک بازیکن فوتبال ف شماره "۹" را بر پشت خود دارد و خیلی زود همونعانش را با شماره های دیگر در میان خرابه ها و ویرانه ها پیدا می کند که هر یک سر و وضع و موقعیت خاصی دارند. او خیلی زود متوجه می شود که جنگی مهیب بین انسانها و ماشین های هوشمند ساخته شده توسط خود آنها، در گرفته و ماشین ها پیروز این میدان شده اند که فرمانده یا رئیس آنها "Beast" نام دارد. این همان موجودی است که بنا به همان باورهای اوانجلیستی، در آخرالزمان سپاه شر یا ضد مسیح را به سوی سرزمین فلسطین و قدس شریف هدایت کرده و در محلی به نام هارمجدون یا آرمادگدون با سپاه مسیح درگیر شده و جنگی خونین اتفاق می افتد.

نکته جالب در انیمیشن "۹" این است که تقریباً بقیه ی عروسک های پارچه ای (به عنوان تنها بازماندگان تمدن

یکی از سایت های
آمریکایی طی یک بررسی
نسبت به ارتباط صهیونیسم
و هالیوود، به نتیجه ای
شگفت آور اما قابل حدس
رسیده است. این سایت
فهرستی ۲۸ صفحه ای
شامل ۱۵۰۰ نام از افراد
یهودی فعال در هالیوود
را منتشر کرده است



ساخته شدن و بازماندن ۹ عروسک پارچه ای برای نجات دنیا از شر جانور خبیث ضد مسیح، اشاره ای غیر مستقیم به تعداد اولیه گروه شوالیه های معبد سلیمان باشد که همین تعداد ۹ نفر بودند!

است که در انیمیشن "۹" نیز دیده می شود. عروسک ۳ و ۴ با دستکش ساخته شده اند که نمادی از دو دست چپ و راست هستند. در عرفان کابالا نیز عنصر ۳ و ۴ درخت حیات، دست چپ و دست راست نامیده می شود. عروسک ۷ و ۸ که نیرومند و جنگ جویان گروه هستند نیز درست همانند

شماره "۹" پیشنهاد حمله را می دهد و نشستن و منتظر شدن را نوعی خود کشی به شمار می آورد. این نوع تفکر در منطق ایدئولوژی آخرالزمانی (که امروزه اندیشه اصلی

ناگفته های فدک

« سمانه قطب شریف (روان شناسی عمومی - ۸۸)



«فدک» چه بود

فدک سرزمینی آباد در سراسیمبی خیبر (در شمال مدینه) با چشمه های پرآب و منطقه وسیعی کشاورزی و قلعه های مهم بود که نخلستانهای از نخلستانهای «خیبر» هم بیشتر بود و تا مدینه ۲ تا ۳ روز راه فاصله داشت. ساکنان آن یهودی و با اهل خیبر در ارتباط بودند.

پس از فتح «خیبر» در سال هفتم هجرت و حدود چهار سال قبل از وفات رسول اکرم(ص)، جبرئیل از جانب خداوند، دستور فتح «فدک» را آورد که در این فرمان تصریح شده بود این اقدام توسط شخص پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) انجام شود و مسلمانان در آن شرکت نکنند.

[بحارالانوار ج ۲۱ ص ۲۳، ج ۲۹ ص ۱۱۰ محمدباقر انصاری، حسین رجایی، اسرار فدک- دلیل یا ۱۳۸۳ ص ۱۸؛ تهذیب الاحکام ج ۱ ص ۴۲۴]

آنها در ازای فدک با پیامبر صلح کردند و از آن پس فدک ملک شخصی پیامبر(ص) شد و قرار شد سالانه صد و بیست هزار دینار سکه طلا به عنوان درآمد فدک به پیامبر(ص) بدهند. ا

اسرار فدک ص ۲۰. الکامل جلد ۷ ص ۲۶۴] اما در برخی اسناد تاریخی نقل شده پس از آن که پیامبر اکرم(ص) کار یهودیان خیبر را یکسره کرد، خداوند در دل مردم فدک ترسی انداخت که انگیزه ای شد تا قاصدی نزد پیامبر بفرستند و بر نصف زمین فدک (یا بنا به نقلی تمامی آن) تقاضای صلح نمایند و حضرت نیز پذیرفتند. پس نبردی در کار نبوده و مزرعه فدک تسلیم پیامبر(ص) شده است. افاطمه طاهایی، سیری در خطبه فدک، به نشر، ۱۳۸۶ ص ۱۹۱- محمد باقر صدر، فدک در تاریخ، ترجمه عابدی، ۱۳۶۰، ص ۳۱]

چرا «فدک» ملک شخصی پیامبر(ص) بحساب می آمد؟

طبق آیات ۷-۱ سوره حشر، سرزمینهایی که بدون لشکرکشی مسلمانان و بدون دخالت آنها فتح شود و یا اهل آن قریه، خود تسلیم نزد پیامبر(ص) بیایند، این مناطق و غنائم و اسرای آن (که در فقه اسلامی «فیء» نامیده می شود) خاص حضرت است. (مکارم شیرازی- تفسیر نمونه دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۳ ج ۲۳ ص ۵۱۲ و

مسلمانان هیچ حقی در آن نخواهند داشت و حضرت به عنوان اموال شخصی، خود هر تصمیمی بخواهد می تواند درباره آنها بگیرد. البته تمام آن متعلق به رسول خدا(ص) است مفهومش این نیست که تمام آن را در مصارف شخصی مصرف می کند، بلکه چون رئیس حکومت اسلامی و مخصوصا مدافع و محافظ حقوق نیازمندان است، قسمت عمده را در مورد آنها صرف می کند. [همان ص ۵۱۴] «ما افاء... و علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول والذی القربى و القیامی والمساکین و ابن السبیل کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» (حشر - ۷)

«آنچه خدا از (دارایی) ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا از آن پیامبر (صلی... علیه و آلهی و سلم) و متعلق به خویشاوندان نزدیک (وی) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردهد.»

چرا «فدک» به فاطمه(س) داده شد؟

پس از فتح «فدک» آیه ۳۸ سوره روم بر پیامبر نازل شد: «فأت ذاقری حقه

والمسکین و ابن السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجه... و اولئک هم المفلحون»

«پس حقوق خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که صلح رحم و احسان به فقرا برای آنان که مشتاق لقای خدا هستند بهترین کار است و ایشان رستگارند.»

بسیاری از مورخان و مفسران شیعه و سنی به این مسأله اذعان داشتند که: هنگامی که این آیه بر پیامبر(ص) نازل شد، ایشان فدک را به فاطمه(س) بخشیدند. تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۵۱۶ ج ۱۶ ص ۴۶۵؛ ابن عباس، «درالمنشور» ج ۴ ص ۱۱۷؛ کنز العمال ج ۲ ص ۱۵۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۰۹؛ مجمع البیان ج ۸ ص ۳۰۶]

در کتاب بحارالانوار ج ۲۱ و ۲۹ چنین آمده است: پس از نزول این آیه پیامبر(ص) از جبرئیل پرسیدند: «منظور چه کسانی هستند و این حق کدام است؟»

جبرئیل عرضه داشت: «فدک را به فاطمه عطا کن.» [اسرار فدک ص ۲۱]

چرا فدک غصب شد؟

ده روز پس از رحلت پیامبر(ص)، مأموران ابوبکر بدستور او به فدک رفتند و نماینده حضرت فاطمه(س) را اخراج کردند و آن را غصب نمودند و درآمد آن را برای حکومت غاصبانه خود صرف کردند.

غاصبین با این عمل سعی داشتند اهل بیت(علیهم السلام) را از نظر مالی در تنگنا قرار داده و به این شکل از قدرتمند شدن آنان پیشگیری کنند

فدک سرزمینی آباد در شمال مدینه با چشمه های پرآب و منطقه وسیع کشاورزی و قلعه های مهم که نخلستانهای از نخلستانهای «خیبر» هم بیشتر بود و تا مدینه ۲ تا ۳ روز راه فاصله داشت.

"هر کس فاطمه، دخترم، را دوست بدارد در بهشت با من است و هر کس با او دشمنی بورزد در آتش (دوزخ) است."

پیامبر اکرم (ص)

بحارالانوار ج ۲۷ ص ۱۱۶



و به دنبال آن از به خلافت رسیدن خاندان وحی جلوگیری نمایند و در مقابل پایه های سست حکومت خود را استحکام بخشیده و با مبانی دینی که توسط پیامبر (صلی... علیه و آلهی و سلم) تبیین شده بود و اجرای قوانین بعدی اسلامی، مخالفت نمایند.

با هتک حریم عصمت، اهانت و جسارت به مقام آنها، در صدد پرده دری از حرمت این بزرگواران برآمدند و مرتکب اعمالی شدند که تاریخ از بیان آن شرم دارد! باید توجه داشت که جنبه سیاسی جریان فدک مهمتر از جنبه اقتصادی آن بوده است چرا که دشمنان هدفی جز منزوی کردن اهل بیت (علیه السلام) در جامعه اسلامی و تضعیف آنان نداشتند.

اسیری در فدک، فاطمه طاهایی ص ۱۹۲

چرا حضرت فاطمه (س) برای استرداد «فدک» تلاش کرد؟

غصب سرزمین فدک از یک مسأله حقوقی صرف، به یک مسأله اقتصادی تبدیل شد که امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) در آن، به بیدار کردن مردم پرداختند. حضرت زهرا (س) مطالبه فدک از خلیفه اول را مقدمه ای برای مناقشه در مسأله اساسی یعنی خلافت قرار داد و به مردم فهماند، روزی که از حمایت علی (ع) سر برتافتند و حق خلافت را از او باز ستانند، آغاز انحراف آنان از حق بوده است. ایشان دلیرانه بپاخواستند و پرده از سیاستهای پنهان خلافت برداشتند

باید توجه داشت که جنبه سیاسی جریان فدک مهمتر از جنبه اقتصادی آن بوده است چرا که دشمنان هدفی جز منزوی کردن اهل بیت در جامعه اسلامی و تضعیف آنان نداشتند.

این بهترین روزنه ای بود برای نسلهای آینده تا وقایع آن دوران را و افراد منسوب به اسلام، دوستداران و دشمنان آن بزرگواران را بشناسند. همچنین به این ترتیب، ضدیت آنان با دین خدا و بدعت گذاری آنان برای مردم آشکار می شد.

چرا که غاصبین سعی می کردند در سایه یک مسأله به ظاهر کوچک (غصب فدک) ضربه سهمگین بر پیکر دین و حافظان دین وارد کرده و آنها را از صحنه خارج کنند اما مقابله و استقامت پاره تن رسول خدا (ص) تمام نقشه های آنها را نقش بر آب کرد چرا که ایشان (حضرت فاطمه) در جریان بازپس گیری فدک، خطبه ای ایراد نمود که در آن چهره واقعی غاصبین و اهداف آنان را آشکار و اعمال آنان را در خلافت زیر سؤال برد، «خطبه فدک» که در مسجد ایراد شد، یک سخنرانی عادی نبود، بلکه دادگاه محاکمه غاصبان بود که ناخواسته در آن حاضر شده بودند.

اجتماعات این ۲ بزرگوار با غاصبین نیز که در تاریخ ثبت شده بسیار شنیدنی است و چهره نفاق و ظلم آنها را به وضوح نمایان می کند که به مواردی از آنها اشاره خواهد شد.

مقام عصمت را زیر سؤال نبرند.

دلیل دیگر اقدامات حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) معرفی مبغضین و غاصبین بود. این زمینه محک خوبی بود برای باز کردن سفره دلها تا معلوم شود مسأله بر سر قطعه زمینی نیست، بلکه این بغضهای نهفته با خاندان پیامبر (ص) است که بروز کرده است. هرچه مقاومت این دو بزرگوار بیشتر می شد باطن نهفته غاصبین و طرفدارانشان روشن تر می شد.

و بر همگان روشن کردند که چگونه قانون الهی به بازی گرفته شده است.

اسیری در خطبه فدک ص ۱۵

اگر حضرت فاطمه (س) در مقابل غضب فدک سکوت می نمود، چنین قضاوت می شد که: «فدک حق فاطمه (س) نبود و او به ناحق در آن تصرف داشته چون وقتی آن را از او گرفتند هیچ نگفت!» استقامت و احقاق حق این دو بزرگوار، اثبات حقانیت ایشان بود و این استقامت پیشگیری از اهداف خبیث غاصبان می کرد تا قداست



آیا علی(ع) در جریان فدک سکوت کرد؟



حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در جریان فدک اقدامات فراوانی کردند که به مواردی از آن اشاره می کنیم:

- ۱- احتجاج حضرت علی(ع) با ابوبکر در حضور مهاجرین و انصار
- ۲- احتجاج حضرت علی(ع) با ابوبکر و عمر (بطور خصوصی)
- ۳- ارائه سند در مورد فدک توسط حضرت فاطمه(س)
- ۴- احتجاج مفصل حضرت زهرا(س) در مجلس خاص ابوبکر و عمر
- ۵- نامه امیرالمؤمنین(ع) به ابوبکر
- ۶- ایراد «خطبه فدک» در مسجدالنبی توسط حضرت زهرا(س) (ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ص ۲۱۵ - احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی ، المناقب - عباس قمی ، بیت الاحزان و ...)

بررسی لحظه لحظه تاریخ زندگی حضرت زهرا(س) نشان می دهد که تمام اقدامات این بانوی بزرگوار اسلام با نظارت مولا علی(ع) بوده است حتی گاهی حضرت در مسجد حاضر می شدند و راجع به مسأله فدک شهادت می دادند (سیری در خطبه فدک ص ۱۹) گوشه ای از احتجاج ایشان با ابوبکر در حضور مهاجرین و انصار به این شرح است:

علی(ع): «ای ابوبکر! برای چه حق فاطمه(س) را که پدرش به او بخشیده گرفته ای و او را از حق و ملک خصوصی خود محروم می ساختی؟» ابوبکر: «این زمین، فی و غنیمت مسلمانان است. اگر فاطمه توانست با اقامه شهادت اثبات کند که رسول اکرم(ص) آن را در حیات خود به او بخشیده، در آن حقی دارد.» [الشافی ، ج ۳ ص ۱۲۷]

علی(ع): «آیا در این مورد خلاف حکم خدا سخن می گوید؟ اگر در دست یکی از مسلمانان مالی باشد و من ادعای مالکیت آن را داشته باشم، از من مطالبه شهود می نمایم یا از او؟» ابوبکر: «البته، از تو مطالبه می کنم» علی(ع): «پس برای چه از فاطمه(س) مطالبه شهود و دلیل می کنی در صورتی که زمین فدک از زمان حیات پیامبر(ص) تا امروز تحت تصرف او بوده است.»

ابوبکر سکوت کرد و از جواب عاجز ماند، عمر گفت: «یا علی، سخنان خود را فروگذار! ما قدرت احتجاج و بحث با تو را نداریم و باید در این باره اقامه دلیل شود و مالکیت خود را اثبات کن!»

علی(ع): «در این صورت بر خلاف آیه تطهیر عمل کرده ای و کافر خواهی بود؛ چرا که خداوند به طهارت فاطمه شهادت داده است و تو شهادت مردم را بر شهادت خدا مقدم داشته ای.» (رک: طبرسی، الاحتجاج، ج ۱ ص ۲۶۲-۲۶۷؛

سیری در فدک ص ۲۰) «آری، از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده است، «فدک» در دستانمان بود که در واگذاشتنش به ما، گروهی بخل ورزیدند و گروه دیگر نیز دست از آن شستند و خداوند نیکو دآوری است. «علی(ع)» نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۴۵

فاطمه زهرا(س): «ای ابوبکر، این فدک ارزانی تو باشد، در حالی که افسار آن به دستت و جهاز آن آماده است تا زمانی که در روز قیامت تو را ملاقات کند.» ابعبارت پایانی خطبه فدک]

بانوی بزرگ اسلام برای اینکه غاصبین را رسوا کند و نیز حجت را بر مردم تمام کرده باشد، در ادامه مراحل قیام خود، تصمیم می گیرد روش سکوت را پیش گیرد و دیگر با آنان سخن نکند و تا پایان عمر نیز بر این تصمیم باقی می ماند. وقتی در واپسین روزهای حیاتش آنها به عیادت ایشان می روند، حضرت می فرماید: «بخدا سوگند که کلمه ای با شما سخن نمیگویم تا پروردگارم را ملاقات کنم.» اسیری در خطبه فدک، ص ۲۱۱؛ بحارالانوار ج ۴۳، ص ۲۰۳- بیت الاحزان ، عباس قمی- ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۶ ص ۴۹]

این مبارزه منفی و سکوت حضرت، برای آنان خیلی سنگین آمد و این

او می خواست همانطور که در زندگی خود دشمنانش را رسوا کرد با وصیتهای سیاسی درباره مراسم تدفین و مخفی بودن قبرش، به مبارزات خود علیه کودتاگران سقیفه و غاصبان خلافت و فدک ادامه دهد

سیاست حضرت به صورت سؤال در اذهان جان گرفت، به طوری که مردم از هم می پرسیدند: چرا زهرا(س) با آنها سخن نمی گوید؟ در حالی که غاصبین به عیادت فاطمه(س) رفتند که سعی داشتند پرونده شرم آور فجایی که در قبال اهل بیت پیامبر مرتکب شده بودند را مختومه اعلام کرده و مهر تأییدی بر اعمال ننگین خود بزنند. اما حضرت در آن مجلس نه تنها التفاتی به آنها نکردند بلکه آنه را شماتت نموده و دست به دعا بلند کرده و فرمودند: «خدایا تو شاهد باش که اینها مرا اذیت کردند و شکایتشان را به تو و رسولت خواهم نمود! هرگز از شما راضی نخواهم شد تا پدرم را ملاقات کنم و از رفتار زشت شما برایش بگویم تا بین ما قضاوت کند.» بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۹۷ سیری در خطبه فدک ص ۲۱۲]

حضرت فاطمه(س) در تداوم مبارزات خود علیه کودتاگران سقیفه به مولی علی(ع) سفارش دفن شبانه و مخفیانه خود را می فرماید تا هیچ یک از آنها در تدفینشان حضور نداشته باشند و به این شکل نقشه دشمنان آن حضرت خنثی شد و آنها نتوانستند خود را دوستدار و مورد رضای حضرت نشان دهند. «... تو را سوگند می دهم به حق رسول خدا که اینان بر جنازه من نماز نخوانند.» [همان ص ۲۷۱ و ۲۷۲- عباس قمی ، بیت الاحزان - ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ص ۲۱۴]

فاطمه طوری زندگی کرد که مماتش هم ادامه حیاتش باشد. او می خواست همانطور که در زندگی خود دشمنانش را رسوا کرد با وصیتهای سیاسی درباره مراسم تدفین و مخفی بودن قبرش، به مبارزات خود علیه کودتاگران سقیفه و غاصبان خلافت و فدک ادامه دهد تا آیندگان پیروان تنها دختر پیامبر خاتم(ص)، شبانه دفن شد و قبرش مخفی است؟



طب الرضا برای سلامت جسم و روح انسان

« سوده اقبال

توصیه های عالم آل محمد



امام رضا (ع) برای سلامت جسم و روح انسان توصیه های فراوانی داشته اند که در کتابی به نام "طب الرضا" جمع آوری شده و مورد استفاده ی همگان قرار گرفته است. که در این قسمت به مواردی از آن اشاره می شود:



تولید می کنند.

آشامیدن آب سرد بعد از طعام گرم و شیرینی ، دندانها را فاسد می کند.

زیاد خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی، موجب کمی عقل و سرگردانی فهم و بلاهت ذهنی و زیادی فراموشی می گردد.

کسی که می خواهد فراموشیش کم شود هر روز سه قطعه زنجبیل پرورده با عسل بخورد و خوردن کشمش صبح ناشتا حافظه را تقویت می کند.

کسی که می خواهد عقلش نیرومند گردد هر روز سه دانه هلیله با نبات میل کند.

کسی که می خواهد سالم و بدنی سبک و کم گوشت داشته باشد از شامش بکاهد.

در فصل بهار باید از خوردن پیاز و سیر و ترشی پرهیز کرد.

از اینکه در یک وعده غذایی میان ماهی و تخم مرغ در شکم جمع کنی پرهیز کن. زیرا آن دو وقتی در شکم انسان مجتمع شدند نقرس و قولنج و بواسیر و درد دندان

منبع:
طب الرضا (از امام علی بن موسی الرضا(ع))
- جمه: نصیر الدین امیر صادقی

شماره آینده: زیتون



قیام های قبل از ظهور

آیا قیام و انقلاب قبل از قیام حضرت مهدی (عج) صحیح و مشروع است، چون در روایات است که "هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) برافراشته شود طاغوت است" توضیح دهید؟

در این که آیا قیام و انقلاب قبل از قیام حضرت مهدی صحیح و مشروع است یا نه، دو نظر وجود دارد: عده ای هر قیام و نهضتی را قبل از نهضت حضرت مهدی (عج) جایز نمی دانند. در مقابل این گروه، عده ای دیگر قیام علیه ستمگران را در عصر غیبت نه تنها جایز، بلکه واجب دانسته و خانه نشینی را خیانت به اسلام و مسلمین می دانند.



دلایل مخالفان قیام و بررسی آن ها

بخش اول: دلایل مخالفان قیام از اهل سنت:

۱- در صحیح مسلم خبری از حدیث یفہ ی میانی نقل شده که در خدمت رسول خدا (ص) بودیم سوالاتی نسبت به آینده و پس از رسول خدا (ص) کردیم، حضرت فرمود: "ائمه بعد از من می آیند که نه به سنت من عمل می کنند و نه به هدایت من هدایت یافته اند، صورت انسانی دارند، ولی قلبشان قلب شیطان است"

حدیث یفہ می گوید: من از رسول خدا نسبت به چنین ائمه ای کسب تکلیف کردم که وظیفه ما در برابر آنان چیست؟ آیا با آنان به جنگ برخاسته و آنها را از دم شمشیرمان بگذرانیم؟ حضرت در جواب فرمود: "شما جز اطاعت چاره ای دیگر ندارید، و موظف به اطاعتید گر چه به پشتتان تازیانه بزنند و اموال شما را غارت کنند، تنها وظیفه شما اطاعت است."

۲- از امام احمد حنبل نقل شده که گفت: "...اگر کسی به زور و قهر و غلبه بر جامعه اسلامی مسلط شد

تا جایی که زمام امور را در دست گرفته و خلیفه و امیر المومنین شد، بر فرد فرد جامعه اطاعت او لازم است و بر احدی که به خدا و روز جزا ایمان دارد روا نیست شبی را به صبح آورد و آن شخص حاکم را امام خود نداند..." القاضی بن ابی یعلی الاحکام السلطانیه / مکتب العلام السلامی / ص ۲۰

۳- در واقعه حره عمال یزید جنایات را به حد اعلی رسانده بودند. عبد الله بن مطیع خواست علیه یزید قیام کند، لکن عبدالله بن عمر به عنوان نصیحت به عبدالله بن مطیع گفت: "از پیامبر (ص) شنیدم که اگر کسی بیعت امام خود را بشکند در قیامت حجتی نخواهد داشت و اگر در آن حال بمیرد با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

صحیح مسلم ج ۱ ص ۶۲

به هر حال از این قبیل روایات در کتب اهل سنت فراوان به چشم می خورد که نیازی به نقل همه آنها نیست. اما در بررسی این گونه روایات می توان گفت: مسأله اطاعت از حاکم، در صورتی که عادل باشد، امری عقلی و شرعی است و بعضی از روایات فوق، مانند روایات

عبدالله بن عمر را میتوان صحیح دانست ، لکن در مورد حاکم عادل نه حاکمی همچون یزید بن معاویه ، زیرا نه تنها ما اطاعت این گونه رهبران

روایات زیادی از پیامبر (ص) و اهل بیت اطهارش رسیده که اطاعت و روی خوش نشان دادن به حکام ستمگر و پذیرفتن ولایت آنها حرام و ممنوع است

را واجب نمی دانیم ، بلکه مخالفت و تبری از آنها را واجب می دانیم و در مورد روایات فوق می گوئیم :
اولا : کسی که با روح فرامین الهی آشنا باشد می داند که این روایات جعلی و ساخته و پرداخته جاعلین حدیث در دستگاه های خلفای بنی امیه است . این روایات برای حفظ حکومت جباران و توجیه ستم آنها ساخته شده است ، و تاریخ اسلام از این کذب ها به خود زیاد دیده است. (علامه امینی / الغدیر ج ۵ ص ۲۷۵)

ثانیا : این حکم که اطاعت از حاکم ستمگر واجب است و در نتیجه مخالفت و قیام علیه او نارواست ، بر خلاف صریح قرآن است که ما برای طولانی نشدن جواب تنها به ذکر سوره ها و شماره آیات اکتفا می کنیم.
شعرا آیه ۱۵۱ - فلم آیه ۸ و ۱۰ - كهف آیه ۲۸ - احزاب آیه ۱ - انسان آیه ۲۴

ثالثا: روایات زیادی از پیامبر (ص) و اهل بیت اطهارش رسیده که اطاعت و روی خوش نشان دادن به حکام ستمگر و پذیرفتن ولایت آنها حرام و ممنوع است .
بخش دوم : دلایل مخالفان قیام از شیعه

روایاتی که به ظاهر دلالت می کند بر این که هر قیامی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) اولاً : محکوم به شکست بوده و ثانیا : محکوم به بطلان است . زیرا رهبر آن قیام طاغوت و منحرف از طریق اسلام است . به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می کنیم : " ابي بصير از امام صادق (ع) نقل می کند : هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (ع) برافراشته شود ، صاحب آن طاغوت بوده و اطاعت او خروج از اطاعت خداست ، زیرا اطاعت افراد از غیر طریق الهی است .

(شیخ حر عاملی / وسائل الشیعه / ج ۱۱ ص ۳۷)

در بررسی این گونه از روایات می توان گفت : این نوع روایات ناظر به قیامهایی به نام مهدی موعود است ، نه هر قیامی ولو برای اقامه ی حق و امر به معروف و نهی از منکر. بسیاری از روایات مورد استدلال مخالفان از این نوع روایاتند . ما نیز معتقدیم هر قیامی که به نام مهدی موعود ، قبل از قیام آن حضرت صورت گیرد ، محکوم به بطلان و شکست بوده و صاحب آن طاغوت است . اما اگر قیامی برای خدا و برای مهیا ساختن زمینه سازی قیام حضرت مهدی (عج) صورت گیرد ، آیا آن هم ممنوع است؟ یقیناً چنین نیست . در پایان مناسب است به ادله ای اشاره کنیم که می گوید قیام لازم و واجب است.

۱- دلایل امر به معروف و نهی از منکر

روایات وارده در مورد امر به معروف و نهی از منکر برای آن مراتبی قایل شده است که بهترین آن بالاترین آن مراتب است ، یعنی قیام علیه ستمگران که امر به معروف عملی است .

۲- اسلام و پیمان با دانشمندان

در نگرش اسلامی خداوند از دانایان هر قومی عهد و پیمان گرفته که بر شکم بارگی و گرسنگی عده ای دیگر آرام نگیرند ، یعنی اگر در نظامی وضع به گونه ای تنظیم شده که عده ای در رفاه مطلق به سر برند و عده ای دیگر از گرسنگی و بیچارگی در مانده شوند ، بر علما و دانشمندان آن قوم واجب است دیگر سکوت را روا ندانسته برای دفاع از حقوق محرومان به پا خاسته و حق مظلومان را از ظالمان بستانند . چنین کاری در برابر حاکم ستمگر مستلزم قیامی همگانی است و گر نه با نصیحت و اعتراض افراد معدودی نظام عوض نخواهد شد . (نهج البلاغه / خطبه ۳)

۳- قیام های مورد تایید :

علاوه بر دو دلیل فوق روایاتی است که به قیام هایی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) اشاره می کند و آنها را مورد تایید قرار می دهد . که تنها به یک حدیث اکتفا می شود :
قیامی به رهبری مردی از اهل قم که مردم را به حق دعوت می کند صورت می گیرد که طرفداران و یاران آن رهبر ، مردمی استوار و آهنین اند که ابتدا از جنگ خسته نمی شوند و از دشمن

نمی هراسند و تنها به خدا تکیه می کنند و عاقبت نیز از آن کسانی است که اهل تقوا هستند. (شیخ عباس قمی / سفینه البحار / ج ۲ / ص ۴۴۶)

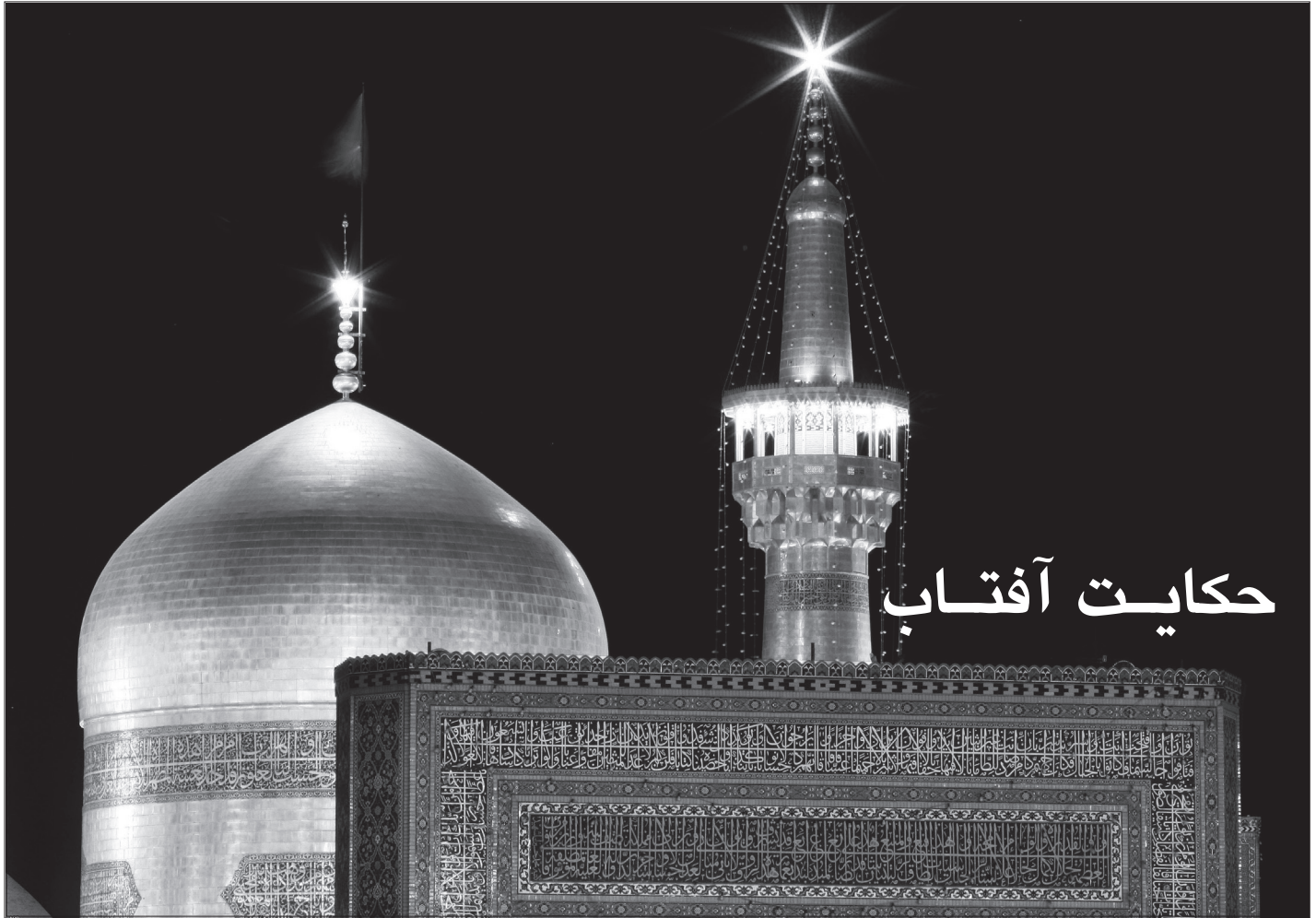
قیامی به رهبری مردی از اهل قم که مردم را به حق دعوت می کند صورت می گیرد که طرفداران و یاران آن رهبر ، مردمی استوار و آهنین اند که ابتدا از جنگ خسته نمی شوند و از دشمن نمی هراسند و تنها به خدا تکیه میکنند

روایاتی از این قبیل در لابلای کتب فراوان به چشم می خورد که از آنها استفاده می شود قیام هایی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) در روی زمین واقع می شود ، گر چه پیروزی نهایی و غلبه ی حق بر باطل و مستضعفان بر مستکبران تنها در قیام حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

منبع :

سید جعفر موسوی نسب ، ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) ، انتشارات فرهنگ منہاج ، ۱۳۸۵ ، چاپ اول ، ص ۳۱۰





حکایت آفتاب



فرزندان امام رضا (ع)

در میان مورخان و محدثان در مورد تعداد فرزندان حضرت رضا (ع) اختلاف است، بسیاری حضرت جواد (ع) را تنها فرزند حضرت رضا (ع) می دانند همانند شیخ مفید (قدس سره) (الارشاد ۲/۲۶۳) و ابن شهر آشوب (مناقب ۴/۳۶۷) ولی برخی فرزندان دیگری برای حضرت شمرده اند، از جمله دختری به نام فاطمه (منتهی الامال ۲/۳۵۲) ولی برخی روایات، تک فرزندی حضرت را تأیید می کند. مردی به نام حنان بن سدیر گوید: به حضرت رضا (ع) عرض کردم: آیا می شود امام بدون فرزند و جانشین باشد؟ حضرت فرمود: نه، و بدان که مرا جز یک فرزند نخواهد بود، ولی خداوند به او فرزندان فراوانی عطا می کند.

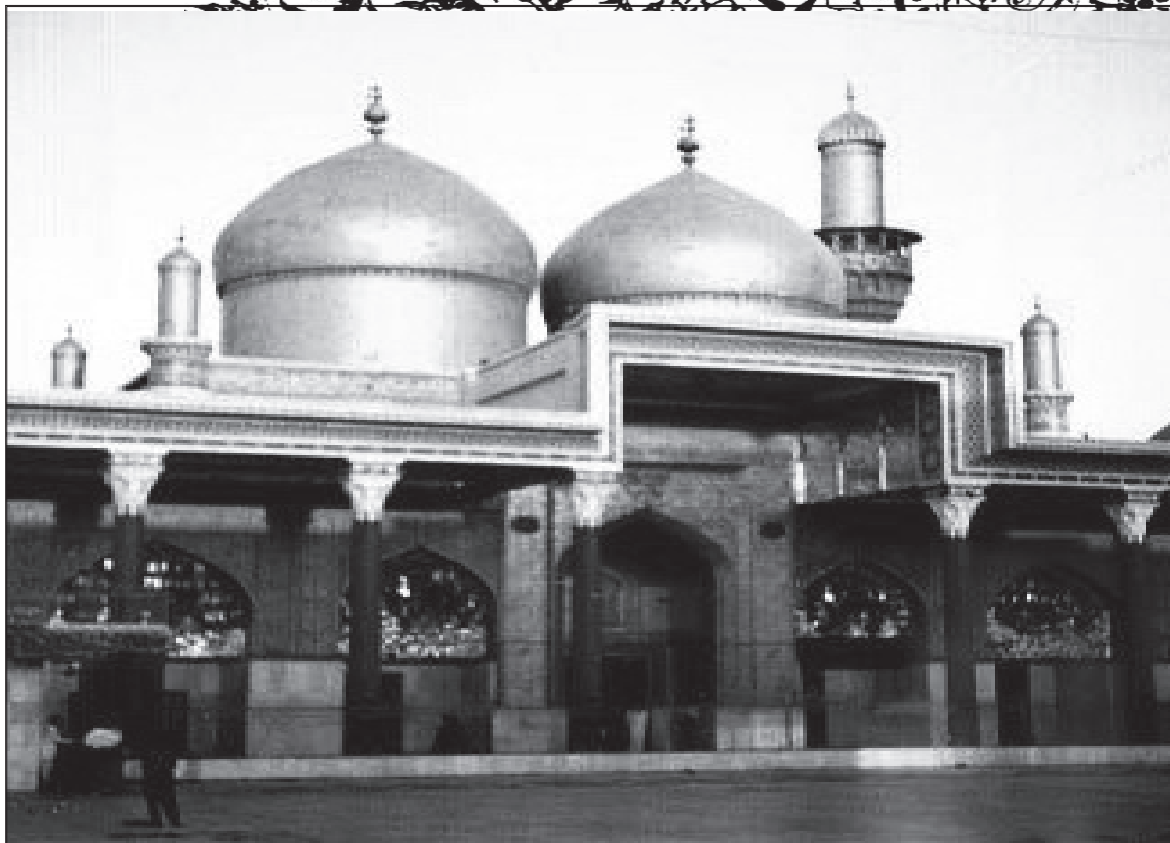
چرا حضرت رضا (ع) را رضا نامیدند؟

بزنطی که از بزرگان اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) است گوید: به ابوجعفر، محمد بن علی، امام جواد (ع) عرض کردم: گروهی از مخالفان شما می پندارند که مأمون به پدر شما لقب رضا را داده است چون ایشان را برای ولایت عهدی خویش پسندیده است، حضرت جواد (ع) فرمود: به خدا قسم دروغ می گویند و گناه می کنند، بلکه خداوند تبارک و تعالی او را رضا نامید زیرا وی پسندیده خداوند عزوجل در آسمان و پسندیده رسول او و ائمه بعد از او در زمین بود. پرسیدم: مگر تمامی پدران گذشته شما چنین نبودند؟ فرمود: آری. گفتم: پس چرا پدر شما در میان ایشان رضا نامیده شد؟ فرمود: چون مخالفان او نیز به او رضایت دادند همانند دوستان او، و این امر به هیچ یک از پدران رخ نداد به این جهت آن حضرت در میان ایشان رضا نامیده شد. (عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۳ و علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۷) و مؤید همین مسأله است که سلیمان بن حفص گوید: موسی بن جعفر (ع) فرزندش علی را رضا می نامید و (چون می خواست از حضرت یاد کند) می فرمود فرزندم را رضا صدا بزنید، به فرزندم رضا گفتم، فرزندم رضا به من چنین گفت و... (علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۶)

منبع: سیدمحمد نجفی یزدی، حکایت آفتاب



افترا به امام معصوم (ع)



بارگاه مطهر امامین کاظمین

امام جواد (ع) مولودی است که در اسلام مانند او، و برای شیعیان ما، با برکت تر از او زاده نشده است. تولد حضرت جواد در شرایطی صورت گرفت که عصر امام رضا (ع) عصر ویژه ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود و معرفی امام بعدی، با مشکلاتی روبرو بوده که در عصر امامان قبلی بی سابقه بوده است زیرا از یک سو پس از شهادت امام کاظم - علیه السلام - گروهی که به «واقفیه» معروف شدند، بر اساس انگیزه های مادی، امامت حضرت رضا (ع) را انکار کردند و از سوی دیگر امام رضا (ع) تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده بود و چون احادیث رسیده از پیامبر حاکی بود که امامان دوازده نفرند که نه نفر آنان از نسل امام حسین خواهند بود، فقدان فرزند برای امام رضا - علیه السلام -، هم امامت خود آن حضرت، و هم تداوم امامت را زیر سوال می برد و واقفیه این موضوع را دستاویز قرار داده امامت حضرت رضا (ع) را انکاری کردند. گواه این معنا، اعتراض «حسین بن قیاما واسطی» به امام هشتم در این مورد، و پاسخ آن حضرت است. «ابن قیاما» که از سران «واقفیه» بوده است، طی نامه ای به امام رضا - علیه السلام - او را متهم به عقیمی کرد و نوشت: «چگونه ممکن است امام باشی در صورتی که فرزند نداری؟!»

امام همواره سخنان و دلائل آنان را رد می کرد ولی وسوسه های واقفیه و دشمنان خاندان امامت در این مورد، به حدی بود که حتی پس از ولادت حضرت جواد که واقفیه را خلع سلاح کرد، گروهی از خویشاوندان امام طبعاً بر اساس حسد ورزیهها و تنگ نظریها - گستاخی را به جایی رساندند که ادعا کردند که حضرت جواد، فرزند علی بن موسی نیست!!

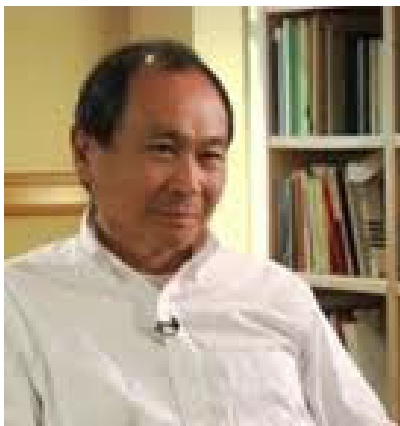
آنان در این تهمت ناجوانمردانه و دور از اسلام، برای مطرح کردن اندیشه های پنهانی خویش، جز عدم شباهت میان پدر و فرزند از نظر رنگ چهره! چیزی نیافتند و گندمگونی صورت حضرت جواد را بهانه قرار داده گفتند: در میان ما، امامی که گندمگون باشد وجود نداشته است! امام هشتم فرمود: «او فرزند من است. "آنان گفتند: "پیامبر اسلام (ص) با قیافه شناسی داوری کرده است، باید بین ما و تو قیافه شناسان داوری کنند!!" حضرت ناگزیر فرمود: "شما در پی آنان بفرستید ولی من این کار را نمی کنم، اما به آنان نگویید برای چه دعوتشان کرده اید....."

یک روز بر اساس قرار قبلی، اقوام در باغی نشستند و امام (ع) با جامه ی گشاده و پشمین و کلاهی بر سر و بیلی بر دوش در میان باغ به بیل زدن مشغول شدند. حضرت جواد - علیه السلام - را حاضر کردند و از قیافه شناسان در خواست نمودند که پدر وی را از میان آن جمع شناسایی کنند، آنان به اتفاق گفتند: "پدر این کودک در این جمع حضور ندارد؛ اما این شخص، عمومی پدرش، و این عمومی خود او و این عمه ی اوست، اگر پدرش نیز اینجا باشد باید آن شخص باشد که در میان باغ بیل بر دوش گذارده است زیرا ساق پاهای این دو، به یک گونه است!" در این هنگام امام رضا - علیه السلام - به آنان پیوست، قیافه شناسان به اتفاق گفتند: "پدر او این است!"

منبع: مهدی پیشوایی - سیره پیشوایان - موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق

پرنده‌ی فوکویاما

شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست



فرانسیس فوکویاما نئومحافظه کار، پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل و تبعه‌ی آمریکاست. وی با شخصیتی نیمه سیاسی - نیمه فلسفی دارای سابقه‌ی کار در اداره امنیت آمریکا و نیز تحلیلگر نظامی در شرکت «RAND» از شرکت‌های وابسته به پنتاگون می باشد.

فوکویاما در کنفرانسی که در اورشلیم برگزار شد به ترسیم اندیشه سیاسی شیعه پرداخت. او در این کنفرانس که بازشناسی هویت شیعه نام داشت می گوید: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرنده ایست که دو بال دارد. یک بال سبز و یک بال سرخ». این مطالب را وی در اوج پیروزی های ما در سال ۱۳۶۵ می گوید و ادامه می دهد: «بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت خواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر میرد. امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. نمیتوان کسی را تسخیر کنی که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد».





براساس نظریه فوکویاما
بال سبز شیعه همان فلسفه
انتظار و عدالت خواهی
است. او میگوید: «بال سرخ
شیعه، شهادت طلبی است
که ریشه در کربلا دارد و
شیعه را فناپذیر کرده است»



براساس نظریه فوکویاما بال سبز شیعه همان فلسفه انتظار و عدالت خواهی است. او میگوید: «بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است. شیعه با این دو بال افق پروازش خیلی بالاست و تیره‌های زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... به آن نمی‌رسد. آن نقطه که خیلی اهمیت دارد بعد سوم شیعه است که می‌گوید:

«این پرند زرهی به نام ولایت پذیری بر تن دارد که آنها را شکست ناپذیر نموده است.»

در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت، فقهاست. یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است. فوکویاما معتقد است: «ولایت پذیری شیعه که

براساس صلاحیت هم شکل میگیرد، او را تهدید ناپذیر کرده است.»
در توضیح فناپذیری شیعه می‌گوید: «شیعه با شهادت دو چندان می‌شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند بیشتر می‌شود.» و جنگ ایران و عراق را مثال می‌زند.

وی پس از پایان جنگ یک مهندسی معکوس برای شیعه و یک مهندسی صحیح برای خودشان نوشت. مهندسی معکوس برای شیعیان ایران این است که ابتدا ولایت فقیه را بزیم. تا این را نزنید نمیتوانید به ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید.

وی نظریه ای با عنوان «میکروپولتیک میل ها و میکروفیزیک قدرت» ارائه می‌دهد و می‌گوید برای پیروزی بر یک کشور باید «میل مردم» را تغییر دهیم. اگر میل مردم از شهادت طلبی، ایثار، جوانمردی و دهها عاملی که به عنوان فرهنگ شکل گرفته است به رفاه طلبی، غریزدگی و ... تغییر نیابد مانند این است که آب در هاون می‌کوبید. این میل ها هم تغییر نمیکنند مگر اینکه ارکان یک قدرت از آن حمایت کند.

وی راه برخورد با این جریان را تضعیف ولایت فقیه می‌داند. او می‌گوید

در صورت تضعیف ولایت فقیه، رفاه طلبی جای شهادت طلبی رامیگیرد و پس از آن اندیشه عدالت خواهی و انتظار نیز از جامعه رخت بر میندند. فرایند «فروپاشی ایدئولوژیک» در پروژه ی «ناتوی فرهنگی» یک اصل بنیادین دارد که در هر دوره تاریخی به شکلی ظهور می‌کند. او کلید این فروپاشی را «نابودی روحیه ی مقاومت»

فوکویاما در آن کنفرانس اسرائیلی، «سینما» را یکی از ابزارهای این تئوری نامید که می‌تواند به «نابودی مقاومت شیعی» مدد رساند و از سینمای هالیوود خواست تا در تولیداتش به خلق فرهنگی جایگزین برای «اسلام» بیندیشد.

ایشان می‌گوید: «اگر توانستید ولایت فقیه را بزیند بلافاصله پرند شیعه افت می‌کند و سقف پروازش کاهش می‌یابد و تیره‌های شما به راحتی به او می‌خورد.» ، آنوقت میکروپولتیک میل های شما، اثر می‌کند. فناپذیری و تهدید ناپذیری هم به طریق اولی از بین میرود. چنین جامعه ای از درون فرو می‌ریزد بدون اینکه یک تیر شلیک کنید. می‌گوید: «اگر ولایت فقیه را زدید در گام بعدی، شهادت



برای پیروزی بر یک کشور
باید «میل مردم» را تغییر دهیم.
اگر میل مردم از شهادت
طلبی، ایثار، جوانمردی به
رفاه طلبی، غریزدگی و ...
تغییر نیابد مانند این است که
آب در هاون می‌کوبیم..



طلبی اینها را ، به رفاه طلبی تبدیل کنید. اگر ایندو تا را زدید خود به خود اندیشه امام زمانی، از جامعه شیعه رخت بر میندند. این لابلالی گری ها و اباحه گری ها در جامعه گسترش می‌یابد.

در ادامه می‌گوید: «شما بیاید برای غرب هم امام زمان و کربلا و ولایت فقیه بتراشید.» برای این کار او مکتب جدیدی بنام «واونجلیس» عرضه کرد که قدمتش به ۱۹۸۹ بر میگردد. یعنی ۶ ماه بعد از نظریه ی جدید آقای فوکویاما.



« پیامک ها »

کاش سر مقالاتون هم کد داشت ، خیلی از خوندنش لذت بردم حس عجیب و جالبی پیدا کردم ، به حس قدیمی و سستی بودن که امروز تجملات جاشو گرفته !
(۵۶۸۶ ... ۰۹۱۵)

گنجینه: از لطف شما ممنون . سرمقاله بیانگر سیاستهای کلی نشریه است و قابل کدگذاری نمی باشد .

در رابطه با مقاله شطرنج در فصلنامه ثقلین ، باید به عرض برسانم اینکه صرفا امام راحل سند برخی روایات را مخدوش می دانند دلیل برعدم حرمت شطرنج نیست (۷۰۸۳ ... ۰۹۱۵)

گنجینه: خواننده ی گرامی قسمت پاسخگویی به شبهات از منابع معتبر برداشت می شود . منابعی که توسط نمایندگی نهاد مقام معظم رهبری دردانشگاهها به ما معرفی شده است . پس ما مسئول پاسخهای موجود در این منابع نیستیم . نکته ی دوم اینکه زمانی که ما مقلد مرجع تقلیدی که دارای ملکه ی اجتهاد هست میشویم ، موظف به اجرای بی چون وچرای احکام صادره از آن بزرگواران هستیم نه بیان ایراد و یا . صدور حکم .

جای خالی برخی موضوعات در مجله ی شما مشهود است. مانند : بحث درباره شبکه فارسی وان و پشت پرده بهبودیتش ، گروه های جدید عرفانی موجود در دبیرستان ها و دانشگاهها و بسیاری از مطالب روز دنیا . (۷۳۴۶...۰۹۱۵)

گنجینه: گنجینه خوشحال میشود شما بزرگواران پرکننده ی جای خالی این مطالب در نشریه باشید .

به نظرم اینطوری زیاد خوب نیست که یک مقاله برتر تعیین کنیم چون اکثر مطالب برترند و سخته بینشون انتخاب کنیم (۵۸۳۵...۰۹۱۵)

گنجینه: دست یاری شما عزیزان را در ارتقاء این نشریه ی قرآنی می فشاریم .

« مقاله ی برتر »

مقاله ی "لحظات معاشقه ی من" (کد ۲۲۱) در شماره ی گذشته، توسط شما خوانندگان گرامی به عنوان مقاله ی برتر انتخاب شد و شماره ی ۹۹۷۷ ... ۰۹۳۹ . برنده ی این انتخاب می باشد که می تواند برای دریافت کارت هدیه ی خود با شماره ی نشریه تماس حاصل نماید. منتظر تماسهای شما برای انتخاب مقاله ی برتر در این شماره هستیم. (ارسال کد مقاله به شماره ی گنجینه)

« مسابقه ی گنجینه »

به سه نفر از کسانی که پاسخهای صحیح هر دو سوال زیر را ارسال نمایند به قید قرعه کارت هدیه اهدا می شود ، (ارسال جواب فقط از طریق پیامک قابل قبول است)

- دو آیه ای که همه حروف عربی در آنها آمده است کدامند؟
- چهار موجودی که از مادر متولد نشده اند ولی در زمین زندگی کرده اند

« با گنجینه همراه شوید »

گنجینه تصمیم دارد از شماره ی آینده صفحه ای را با عنوان " یک آسمان سخن " به نشریه اضافه کند . در این صفحه دلنوشته های شما در خصوص ارتباط با خدا ، امام زمان (عج) ، امام رضا (ع) یا سایر ائمه ی (علیهم السلام) که به آنان ارادت داریم ، درج خواهد شد .
به دو مورد از زیباترین آنها جوایز نفیسی تعلق خواهد گرفت . منتظر دلنوشته های شما از طریق پیامک یا ایمیل هستیم .